



تئوری حسابداری ۱ هندریکسان

خلاصه ۱۰ فصل اول

تهیه کننده: علی خسروی

۱۳۸۹

□ فصل اول

□ تعریف تئوری:

□ ۱. مجموعه ای از دلایل منطقی در غالب اصول کلی و عام و مرتبط به هم که از آن به عنوان مرجع عمومی ارزیابی روش های حسابداری راهنمای توسعه و تکمیل آنها و آرایه روشهای جدید استفاده میشود.

□ ۲. تئوری حسابداری به عنوان مجموعه ای از فرضیات مبنا - تعاریف، اصول و مفاهیمی که زیر بنای تدوین استانداردها توسط مراجع مربوطه است تعریف شود، از دیدگاه عملی تئوری حسابداری به بهبود حسابداری و مطلوبیت گزارش گری و ارائه صورت های مالی کمک میکند.

□ روش های ارائه تئوری حسابداری:

□ دیدگاه مالیاتی

□ دیدگاه قانونی

□ دیدگاه مبتنی بر اصول اخلاقی

□ دیدگاه اقتصادی

□ دیدگاه رفتاری

□ دیدگاه ساختاری

□ دیدگاه مالیاتی:

هدف های حسابداری مالیاتی با هدف های گزارشگری مالی تفاوت عمده دارند.

اثرات مثبت:

قوانین مالیات بر درآمد توانست روشهای اجرایی و عملی بهترین شرکت ها را به استانداردهای قابل قبول برسانند. این حسابداری عمومی بهبود یابد و نوعی ثبات رویه حفظ شود.

ارائه روشهای استهلاک گنجاده شده در قانون مالیات های غیر مستقیم و قانون مالیاتهای غیر مستقیم و قوانین بعدی موجب شد که استهلاک به روش های منظم (سیستماتیک) محاسبه و منظور شود و نیز اینکه در مورد استهلاک درصد شناسایی اصول و یا مفاهیم بهتر برآید و سرانجام برای محاسبه هزینه استهلاک از روشهای بهتری استفاده کنند.

□ با کمال تاسف قوانین مالیات بر درآمد در بسیاری از موارد بر تئوری و اصول حسابداری اثرات معکوس گذاشته اند. نهایت تاسف این است که قوانین مالیات بر درآمد همانند اصول پذیرفته شده حسابداری مورد قبول واقع شده اند:

□ ۱- هر روش استهلاکی که برای تامین هدفهای مالیاتی قابل قبول باشد، بدون توجه به اینکه آن مبتنی بر یک تئوری مناسب حسابداری باشد یا نباشد، از نظر هدف های حسابداری هم قابل قبول است.

□ ۲- اگر شرکتی در اظهارنامه مالیاتی موجودی کالا را به روش اولین صادره از آخرین وارده محاسبه کرده باشد برای ارائه گزارشات مالی هم باید از همین روش استفاده کند.

□ ۳- در مواردی که شرکت هنگام تکمیل کردن اظهارنامه مالیاتی در صد بر می آید در نخستین دوره های استفاده از دارایی بیشترین مبلغ (به عنوان استهلاک) از درآمد کم کند، در گزارشات مالی به روش دیگری عمل خواهد کرد.

□ ۴- از آنجا که قوانین مالیاتی اجاره نمی دهند، بنابراین برای گزارش کردن هزینه های نگهداری و تعمیرات ((تعلق گرفته د بر پرداخت نشده)) هیچ قاعده ای وجود ندارد، مگر اینکه، به صورت غیر رسمی و بر حسب اتفاق استهلاک به روش تصاعدی منظور شود.

□ دیدگاه قانونی:

□ حقوق دانان و قضات به مفاهیم اموال و اجزای وابسته آن از همان دیدگاه نگاه کردند که حسابداران و بازرگانان به دارایی ها نگاه میکنند و برای ارائه تعریفی از آنها دچار مشکلات مشابهی شدند. اینکه اغلب آنها به نتیجه همانند دست نمی یابند مؤید این واقعیت است که حقوقدانان به سودی توجه میکنند که مشمول مالیات میشود و سودی را که میتوان بین سهامداران تقسیم کرد و به سودی که موجب افزایش

ارزش میشود و یا معیاری برای سنجش عملیات کارا است، توجه نمی نماید. بنابراین به صورتی گذرا بدون تردید قوانین توانسته اند مسائل زیادی مطرح کنند که موجب تقویت فکر در مورد پرسش های مطرح در تئوری حسابداری می شوند، و تی به ندرت امکان دارد که قوانین به عنوان یک عامل تعیین کننده عمل کرده باشد.

□ دیدگاه مبتنی بر اصول اخلاقی:

□ در تئوری حسابداری بیشتر بر مفاهیم عدل، حقیقت و انصاف تاکید میشود. هر یک از این مفاهیم یا اصول، به صورتی فزاینده توانسته است بر (چهارچوب نظری) ارائه شده به وسیله هیئت استانداردهای حسابداری مالی اثر بگذارد. رعایت نکاتی مانند نداشتن تعصب و صداقت در گفتار نکاتی هستند که الزاماً از ویژگی های یک سیستم حسابداری قابل اتکا به حساب می آید. بی طرفی بدان معنی است که نباید اطلاعات را به صورتی در آورد که رفتار خاصی در جهتی خاص تقویت شود و این یکی از ویژگی های اصلی تدوین کنندگان استانداردهاست. به بیان دیگر اصول اخلاقی توانسته اند در همه سطوح بر حسابداری، اعمال نفوذ نمایند.

□ دیدگاه اقتصادی:

□ سه دیدگاه اقتصادی به مسائل حسابداری:

□ ۱- اقتصاد کلان

□ ۲- اقتصاد خرد

□ ۳- مسئولیت های اجتماعی شرکت

□ اقتصاد کلان:

□ در دیدگاه اقتصاد کلان سعی میکنند اثر های ناشی از روش های گوناگون گزارشگری را بر معیارهای سنجش اقتصادی و فعالیت های اقتصادی، در سطحی گسترده تر از شرکت، مانند صنعت یا سیستم اقتصاد کشور گزارش کنند.

□ برخی پا را از این فراتر میگذارند و چنین استدلال میکنند که یکی از هدفهای حسابداری باید این باشد که رفتار سازمان و فرد را به سوی هدفهای خاص سیاسی و اقتصادی ملی سوق دهد.

□ اقتصاد خرد:

□ آنها بی که از دیدگاه اقتصاد خرد به حسابداری نگاه میکنند، می کوشند اثرهای ناشی از روشهای مختلف گزارشگری را بر فعالیت ها و معیارهای سنجش اقتصادی (در سطح شرکت) توضیح دهند. در تئوری نوین حسابداری که بر پایه اقتصاد خرد قرار میگیرد شرکت یا واحد تجاری را به عنوان یک واحد اقتصادی مورد توجه قرار میدهند و به فعالیت های آن توجه می نمایند. هیئت استانداردهای حسابداری مالی هنگام ارائه (چارچوب نظری) بدین گونه عمل کرد. در این دیدگاه مفروضات بر اساس این دیدگاه قرار میگیرند که اطلاعات مالی ناگذیردارای (نتیجه های اقتصادی) هستند. نمینوان به راحتی شکل واقعی این نتیجه ها را تعیین کرد و همه بحثها در زمینه همین موضوع (شکل واقعی نتیجه های اقتصادی) است.

□ حساب داری سنجش مسئولیتهای اجتماعی شرکت:

□ چون از دیدگاه خرد به حسابداری توجه شود نمیتوان به طور کامل درباره همه اثرهایی بحث کرد که فعالیتهای شرکت بر جامعه میگذارد. شرکت در گزارشات خود درباره شرایط محیط زیست، بیکاری، شرایط ناسالم محیط کار، و سایر مسائل اجتماعی هیچ بحثی نمی نماید. فقط به همین مقدار اکتفا میکند که شرکت از طریق پرداخت مالیات و اجرای مقررات این هزینه ها را به طور مستقیم تحمل مینماید.

□ یکی از پیشنهادهای گزارش مزبور این است که صورت ارزش فزوده ارائه شود و بر آن اساس درآمدها را (پس از کسر بهای تمام شده مواد) بر روی کارکنان بستانکاران و سهامداران سر شکن شود. اغلب مجموعه این گروهها را گروههای ذینفع شرکت مینامند.

□ دیدگاه رفتاری:

□ یکی دیگر از دیدگاههای اقتصادی این است که هنگام تدوین و ارائه تئوری های حسابداری به جنبه های روانشناسی و جامعه شناسی این تئوریهما هم توجه شود در این دیدگاهها به این موضوع توجه می شود که آیا اطلاعات ارائه شده بر تصمیمات مربوطه اثر میگذارد یا خیر و نیز اینکه آیا به رفتار افراد یا گروههای مختلف که تحت تاثیر اطلاعات حسابداری قرار میگیرند توجه میشود یا خیر.

□ گزارشات حسابداری به گروههای خارج از سازمان ارائه میشود و مهم ترین آنها عبارت اند از سهامداران

□ سایر سرمایه گذاران، بستانکاران و نهادهای دولتی، ولی در تدوین تئوری های رفتاری به اثرهایی توجه می شود که گزارشات خارجی می توانند بر تصمیمات مدیریت بگذارند همچنین به اثرات ناشی از اقدامات حسابداران و حسابرسان نیز توجه میشود. از این رو تدوین کنندگان تئوری های رفتاری در صدد بر می آیند اثرهای اقتصادی روان شناسی و جامعه شناسی روشهای مختلف حسابداری و شیوه های گزارشگری را مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهند.

□ دیدگاه ساختاری:

□ در این دیدگاه حسابدار میکوشد رویدادهای مالی مشابه را طبقه بندی کند و به صورت رسمی تر میکوشد برای ثبت و گزارش کردن رویدادهای مالی دارای نوعی ثبات رویه شود. تنها زمانی که او با رویدادی مواجه می شود که نمی توان آن را در غالب رویدادهای گذشته قرار داد مجبور می شود که گامی به عقب بگذارد و از اصول اصلی تر استفاده کند .

□ فرایند طبقه بندی داده های مشابه همانند داده های پیشین و سپس خلاصه کردن آنها در گروههای خاص حسابها و دفاتر کل و آنگاه خلاصه کردن این گروهها در گزارشات و صورتهای مالی را خلاصه کردن مینامند.

□ در ۱۹۴۱ کمیته واژه شناسی انجمن حسابداران آمریکا که پیش از انجمن حسابداران خبره آمریکا فعالیت می کرد فرایند خلاصه کردن را به صورت زیر تعریف کرد:

□ حسابداری عبارت است از ثبت، طبقه بندی و خلاصه کردن رویدادهای مالی و رویدادهای غیر مالی بر حسب پول و به روشی معنی دار البته رویدادهایی که دست کم دارای یک ویژگی مالی باشند.

- طبقه بندی حسابداری
- ۱- تئوری به عنوان زبان
- ۲- تئوری از دیدگاه شیوه استدلال
- ۳- تئوری به عنوان یک دستور
- تئوری به عنوان زبان:
- نخستین طبقه بندی بر پایه این استنباط قراردادد که حسابداری چیزی جز زبان است.
- دیدگاه رفتاری: یعنی مطالعه درباره اثر زبان
- دیدگاه تفسیری: یعنی تحقیق و مطالعه درباره معنی زبان
- رفتارگرایی و ساختاری عبارت است از مطالعه منطق یا دستور زبان یک زبان خاص.
- اگر چه معقول این است که بگوییم تقریباً همه تحقیقات کنونی در مورد حسابداری دارای جهت یا دیدگاه رفتاری هستند ولی از نظر تئوری های حسابداری مسائل مربوط به معنی زبان (جنبه تفسیری) و ساختاری نیز اهمیت دارند.
- تئوری از دیدگاه شیوه استدلال:**
- استدلال قیاسی (استنتاجی): از کل به جز می رود
- در فرایند قیاسی، هدف بخش مهمی از این شیوه استدلال است زیرا هدف های گوناگون نیاز به ساختارهای کاملاً متفاوت دارند و به اصول متفاوت می انجامد.
- استدلال استقرایی (تحقیق میدانی): فرایند استدلال استقرایی بر این اساس قرار دارد که باید از جز به کل رسید .
- نمونه ای از شیوه استدلال استقرایی بدین گونه آغاز میشود که مجموعه ای از مثال های خاص ارائه و ادعا میشود که این مثال ها نمونه هایی از یک کل بزرگ تر هستند و بدین گونه یک دیدگاه خاص را تعمیم میدهند.

- **تئوری به عنوان یک دستور :**
- تئوری های استنتاجی و استقرایی هر دو میتوانند از نوع تشریحی (مثبت) یا تجویزی (هنجاری) باشند در ارائه تئوری های تشریحی سعی میشود ارائه صورت های مالی و داده های حسابداری را شرح داد. در تئوری های هجاری سعی میشود آنچه باید به آگهی دیگران رسانید و شیوه ارائه آن را تعیین کرد یعنی در اجرای این روش آنچه باید باشد و نه آن چه هست بیان میشود.
- تئوری های استقرایی با توجه به ماهیت از نوع تشریحی یا اثباتی می باشد. ولی این بدان معنی نیست که تئوری های استنتاجی الزاما هنجاری یا دستوری باشند.
- طرفداران تئوری هنجاری یا دستوری میکوشند برای یک رویداد مالی بهترین روش حسابداری را کشف و ارایه کنند. طرفداران دیدگاه اثباتی میکوشند شیوه ای را که مدیران و دیگران در مورد تعیین بهترین روش به کار میبرند کشف نمایند
- اصولا تئوری های حسابداری به شکل های گوناگون تدوین و ارائه میشوند از این رو اثبات این تئوری ها:
- ۱. رابطه بین تئوری و پدیده های قابل مشاهده باید مفروضات را در دنیای واقعی مورد آزمون قرارداد
- ۲. باید بتوان رابطه متقابل بین گفتارها را از نظر ثبات رویه مورد آزمون قرارداد.
- اگر هر یک از مفروضات بر مبنای ارزشی قرارگیرد باید با توجه به رابطه آن با قضاوت های فردی شخص پذیرفت یا رد کرد.
- اگر نتوان از نظر تجربی تئوری را به اثبات رسانید باید نتیجه های حاصل از تئوری یا مفروضات را به صورت اقدامات مستقل تجربی به اثبات رسانید.

فصل ۴ :

در جست وجوی اصول

جست وجو آغاز می شود

فعالیت برای ارائه تعریفی از « اصول پذیرفته شده حسابداری » از دهه ۱۹۳۰ یعنی همان زمانی که این عبارت ساخته شد، آغاز و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت .

جست وجو شتاب می گیرد

پایان جنگ جهانی دوم موجب رونق بازار و افزایش رفاه شد، آمریکایی ها بر سرمایه گذاری این ثروت جدید در بازار سهام تأکید کردند و ارائه گزارشات مالی معتبر مجدداً مورد تأکید قرار گرفت .

جست وجو تغییر موضع داد

در سال های پایانی دهه ۱۹۶۰ این موضوع آشکار شد که نمی توان « اصول » را به راحتی تعریف کرد و از این رو تحقیق متوجه «استاندارد ها» شد که به نظر می رسید تا آن اندازه پیچیده و مشکل نیستند .

جست وجو در گذشته

اصول را نمی توان به راحتی تعریف کرد، زیرا ماهیت تئوری حسابداری پیچیده و مشکل است . به سبب نتیجه های اقتصادی حاصل از جریان های ناشی از اطلاعات

حسابداری، گاهی نمی توان کاربردها را به راحتی تعیین کرد .

نتیجه

مفاهیم گسترده چه اینکه آنها را اصول، بدیهیات یا استانداردها بنامیم از اجزای اصلی حسابداری هستند، با وجود این نباید هیچ گاه فراموش کرد که حسابداری، به عنوان یکی از شاخه های علوم اجتماعی به میزان دانش، قضاوت و صداقت حسابداران بستگی دارد .

The search begins جست و جو آغاز میشود

ماهیت کلمه اصول از همان ابتدا مورد بحث بوده است. ریشه واژه «اصول» همان کلمه لاتین **principle** به معنای «پایه یا ابتدایی» است.

« گیل برت برن » در مقاله ای که در سال ۱۹۳۷ ارائه کرد بر این نکته تاکید کرد که اصول همانا « حقایق بنیادی » هستند. فرهنگ نوین بین المللی وبستر نیز تعریفی از این کلمه ارائه کرده است : یک حقیقت بنیادی؛ یک دیدگاه ، نظریه یا قانون فراگیر که سایر قوانین از آن استخراج می شود، یک فرض مسلم و یا یک امر بدیهی می باشد. «جورج می» به سرعت در برابر دیدگاه «برن» مبنی بر اینکه اصول باید «حقایق بنیادی» باشند واکنش نشان داد و استدلال کرد که در فرهنگ آکسفورد تعریف مناسبتری از این واژه ارائه شده است. تعریف مزبور بدین گونه است که اصل، یک قاعده یا قانون کلی پذیرفته شده، اقرار یا ابراز شده است که برای عملی به عنوان یک رهنمود، مبنای رفتار یا عمل قرار می گیرد.

First Efforts

نخستین تلاش ها

بسیاری از افراد درباره آنچه امروز به معنی اصول حسابداری است کار خود را در دهه ۱۹۳۰ آغاز کردند. در آغاز، در سال ۱۹۳۶ نخستین تحقیق زیر نظر «ویلیام پی تن» استاد دانشگاه میشیگان تحت نظارت جامعه حسابداری آمریکا انجام شد. جامعه حسابداری آمریکا در ژوئن ۱۹۳۶ نخستین گزارش از رهنمود هایی درباره اصول حسابداری با عنوان «گزارش آزمایشی از اصول حسابداری براساس صورت های مالی شرکت ها» را منتشر کرد. که هدف از آن :

۱. منتفی نمودن رویه های مختلف حسابداری که نتیجه دیدگاه های متنوع مدیران مالی و مدیران اجرایی بود.

۲. منتفی نمودن ابهام ناشی از تعدیل مجدد ارزش دارایی ها با تأکید بر مبنای بهای تمام شده

❖ برخی اقدامات مزبور رابه عنوان نوعی تلاش با هدف اعمال یک سیستم یکنواخت در حسابداری تلقی کردند.

۴ سال پس از انتشار «گزارش آزمایشی یا موقت» در سال ۱۹۴۱ «پی تن و لیتلتون»

که هر دو عضو کمیته جامعه حسابداری آمریکا بودند رساله ای به نام «مقدمه ای بر

استانداردهای حسابداری شرکت ها» منتشر کردند که هدف از آن ارائه موارد زیر بود :

□ ارائه چارچوبی از تئوری حسابداری که از اصول ارائه شده در بیانیه ۱۹۳۶ هم حمایت می کند.

□ استفاده از واژه «استاندارد» به جای واژه «اصول» در عنوان مقاله

□ مطرح کردن مفهوم تطبیق هزینه ها با درآمدها

❖ بسیاری از افراد این رساله را به عنوان یک اسطوره به حساب می آورند؛ رساله مزبور به ویژه از این نظر حائز اهمیت است که توانست مفهوم تطبیق هزینه ها با درآمدها را مطرح کند.

نخستین بنیادها Early Foundations

بیانیه آزمایشی جامعه حسابداری آمریکا که به آن اشاره شد، در خلأ شکل نگرفت، بلکه

«پی تن» پایان نامه دکتری خود را در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان «تئوری حسابداری»

ارائه داد و در رساله مزبور وی عنوان کرده است که :

« از همه مهمتر این است که گزارشات حسابدار بتواند تصویری درست و دقیق از داده های جاری

برحسب دلار واقعی در تاریخ ارائه گزارش ، ارائه نماید.»

رساله مزبور با فهرستی از بدیهیات یا فرض های مسلم پایان می یابد که بیانگر

مفروضات اصلی حسابداری هستند.

□ فرضیات مورد نظر پی تن عبارتند از :

۱. وجود واحد تجاری مشخص و متمایز

۲. فرض تداوم فعالیت

۳. معادله ترازنامه (توازن ترازنامه)

۴. فرض واحد پولی

۵. فرض بهای تمام شده

۶. فرض شناخت درآمد

- «پی تن» تنها نخستین کسی نبود که در ادبیات حسابداری نقش ارزنده ای ایفا کرد . «جان کیننگ» استاد دانشگاه استنفورد نیز در زمینه تئوری های حسابداری در اثر مشهور خود به نام «اقتصاد حسابداری» نقش ارزنده ای ایفا کرد. وی در این کتاب در صدد بر می آید اندیشه های جاری حسابداری را با اندیشه های حاکم بر تئوری های اقتصادی ، به ویژه با اندیشه های ارائه شده توسط «ایروینگ فیشر» اقتصاددان آمریکایی مقایسه کند. در واقع می توان گفت

اغلب تفسیرهایی که وی در زمینه های حسابداری ارائه می کند، ریشه در علوم اقتصادی دارد.

The Rise of the Investor افزایش سرمایه گذاران

مهم ترین تغییری که در اندیشه های حسابداری در اواخر دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰ رخ داد، مربوط به تغییر در هدف حسابداری است که به جای تاکید بر ارائه اطلاعات به مدیریت و بستانکاران به ارائه اطلاعات برای سرمایه گذاران و سهامداران اصرار می ورزد.

تغییر در اهداف صورت های مالی به نتیجه های زیر منجر شد:

۱. تاکید بیشتر بر صورت سود و زیان نسبت به ترازنامه به عنوان یک صورت مالی با ارزش
۲. نیاز به افشای اطلاعات مهم و اثرگذار از طریق ارائه صورت های مالی کامل تر و افزایش استفاده از یادداشت های پیوست صورت های مالی
۳. تاکید بر ثبات رویه در گزارشگری به ویژه در رابطه با صورت سود و زیان

نکته: لازم است توجه شود که این تغییرات در اندیشه های حسابداری نتیجه مستقیم بحران بازار سهام در سال ۱۹۲۹ یا رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ نبود بلکه نتیجه تغییرات بنیادی است که از مدت ها پیش شروع شده بود و حسابداران تا آن زمان خود را با آن ها سازگار نکرده بودند.

The Notable Attempts سایر تلاش های قابل ذکر

در سال ۱۹۳۸، به درخواست بنیاد «هسکینزاند سلز»؛ «توماس هنری سندرز» استاد دانشگاه هاروارد به همراه «هنری رند هتفیلد» استاد دانشگاه کالیفرنیا و «آندر هیل مور» استاد دانشکده حقوق ییل، «بیانیه اصول حسابداری» را منتشر کردند.

هدف از ارائه این بیانیه ارائه اصول و مقررات حسابداری که تعیین کننده اقلامی می بود که باید در صورت های مالی و در حساب هایی که این صورت ها بر اساس آن ها

تهیه می شوند رعایت شود .

محتوای بیانیه مذکور بیانگر این است که نویسندگان ، بیشتر به جنبه های کاربردی

قابل قبول (روش های اجرایی که در بسیاری موارد با روشهای پذیرفته شده امروز

متفاوت بودند) توجه می کردند که از جمله این موارد می توان به موارد زیر اشاره کرد :

انتقال زیان به دوره های بعد را برای شرکتها مجاز می دانستند بدین صورت که زیان را به عنوان

دارایی در ترازنامه گزارش و در طول چند سال مستهلک نمایند .

یا به شرکتها اجازه داده می شد که کسر اوراق قرضه را به عنوان دارایی ثبت و به تدریج آن ها را

مستهلک نمایند .

این رساله با توجه به همه نقاط ضعف و کاستی هایش یکی از مخازن ارزنده مربوط به

جنبه های اجرایی حسابداری در این زمان است و به عنوان منبع مهمی از داده هایی

به حساب می آید که در تحقیقات حسابداری مورد استفاده قرار می گیرد.

حسابداری

تحقیقات

واحد

The Accounting Research Division

انجمن حسابداران آمریکا که در سال ۱۹۵۹ در زمینه ارائه توصیه هایی به «کمیته ویژه

برنامه های تحقیقاتی» کار می کرد، تجدید سازمان یافت تا برای رهنمود اعضای خود

و دیگران، مفاد تشکیل دهنده اصول پذیرفته شده حسابداری را به صورت مکتوب ارائه

کند.

یکی از هدف های تجدید سازمان این بود که بتوان مسائل گسترده مطرح در چهار

سطح حسابداری مالی را حل کرد:

۱. تعیین فرضیات اساسی

۲. تنظیم اصول گسترده و فراگیر

۳. تدوین مقررات یا ارائه رهنمود هایی برای کاربرد این اصول در شرایط خاص

۴. تحقیقات

تعدادی نیروی تحقیقاتی به صورت دائم استخدام کردند تا برنامه های تحقیقاتی را به اجرا در آورند و هدف این بود که نتیجه های این تلاش ها به عنوان اصول حسابداری پذیرفته شده به وسیله هیئت، به عنوان مبنایی برای اعلامیه های آینده انجمن، برای مطالب حسابداری در آید و مبنای نشریه های جدید بشود.

«موريس مونيتز» استاد دانشگاه كاليفرنيا كه به تازگي رئيس بخش تحقيقات شده بود، رياست گروه توليد «نشریه شماره ۱ از مطالعات تحقیقات حسابداری» را بر عهده گرفت و مطالب این نشریه درباره «بدیهیات یا فرض های مسلم» حسابداری بود.

▪ نمونه ای از این فرضیات اساسی شامل اظهاراتی در مورد محیط است :

«فعالیت های اقتصادی در واحدهای خاص انجام میشوند لذا هر گزارش باید به گونه ای روشن

و واضح معرف واحد خاص یا واحد سازمانی درگیر باشد.»

در این نشریه در رابطه با فرآیند حسابداری عنوان شده است که :

نتایج فرایندهای حسابداری در مجموعه ای از صورت های مالی مربوط که با هم رابطه

متقابل داشته و بر اساس داده های زیر بنایی مشابه تهیه می شوند ، بیان می گردد .

در نهایت این نشریه با تعدادی بدیهیات یا فرض های مسلم دستوری که از ویژگی های

آن ها استفاده از کلمه «باید» می باشد، پایان می یابد . مثلاً :

«گزارشات مالی باید آنچه را که مانع گمراه کنندگی آن‌ها می‌شود را افشا نماید».

شاخص‌های اصلی برای انتخاب این بدیهیات و فرضیات مسلم :

۱. از نظر ارائه منطق حسابداری آنها باید مهم و اثرگذار باشند.

۲. مشارکت کنندگان در بحث باید آنها را به عنوان حقیقت یا واقعیتی که میتواند قابل اتکا باشند، بپذیرند.

پس از آن «مونیتز و رابرت تی اسپروز» ریاست تهیه کنندگان «نشریه شماره ۳

مطالعات تحقیقاتی حسابداری» را بر عهده گرفتند، نشریه مزبور درباره اصول

حسابداری بود.

فرض‌های مسلم یا بدیهیات مندرج در نشریه شماره ۳ به عنوان عوامل اصلی اقتصادی،

سیاسی و اجتماعی شناخته شده بودند که حسابداری باید تحت الشعاع این عوامل

فعالیت نماید. انجمن حسابداران رسمی آمریکا در سال ۱۹۵۸ چنین ابراز داشت :

بدیهیات یا فرض‌های مسلم انگشت شمارند و مفروضات اصلی هستند که اصول بر پایه

آنها قرار گرفتند. الزاماً آنها از محیط‌های اقتصادی و سیاسی و از منشأ اندیشه و رسوم

همه بخش‌های جامعه تجاری نشأت می‌گیرند. ولی، حرفه باید درک و تفسیری که از

آنها می‌شود روشن سازد و برای تنظیم اصول و ارائه قواعد و مقررات، یا رهنمودهای

دیگری جهت کاربرد اصول در شرایط خاص، مبنای معقولی ارائه نماید.

سپس بیان شد که اگر، اصول حسابداری فقط قواعد و مقررات هستند، در آن صورت

باید بتوان مفروضات اصلی دیگری به نام «بدیهیات یا فرض‌های مسلم» از آنها

استخراج کرد.

پاسخ هایی که به این دو تحقیق داده شد بسیار سریع و نسبتاً چشم گیر بود و ابراز گردید که آن ها به سبب اینکه با اصول پذیرفته شده حسابداری آن زمان بسیار متفاوت است، مورد قبول انجمن واقع نشده است .

به سبب پذیرفته نشدن شماره های ۱ و ۳ از مطالعات تحقیقات حسابداری، «پال گری دی» ریاست گروهی را بر عهده گرفت که وظیفه آن بررسی اصول حسابداری موجود بود.

نتیجه این بررسی منجر به انتشارنشریه شماره ۷ مطالعات تحقیقات حسابداری به نام «موجودی اصول پذیرفته شده حسابداری برای واحدهای تجاری» گردید .

تغییر موضع جست و جو The search shifts

روش مبتنی بر «بدیهیات- اصول» از چندین جهت مورد حمله قرار گرفت. «ویلیام واتر» استاد دانشگاه برکلی کل موضوع را مورد پرسش قرار داد. او پیش از هر چیز چنین استدلال کرد: پیش از اینکه کسی بخواهد در حسابداری پرسشی مطرح کند باید هدف آن را تعیین نماید .

ازاین رو وی بر این باور بود که به جای توجه به بدیهیات باید به هدف ها توجه شود زیرا آن ها سنگ بنای ساختمان یک تئوری حسابداری می باشند . سپس او چنین استدلال کرد؛ اصول وسیله ای است برای دستیابی به هدف ها :

آن ها یا تابع «عرف» می باشند، مانند توافق بر سر ارائه گزارشات مالی سالانه

۳. حفظ تصدی گری بر منافع و گزارش نمودن این موضوع

۴. انجام دادن وظایف اجتماعی و اعمال کنترل های مربوطه

اما مسئله اینجا بود که چطور می توان در ارائه اصول حسابداری، هدف استفاده

کنندگان از صورت های مالی را گنجانید و چگونه می توان اطلاعات حسابداری

را با «خیر و رفاه همگان» مرتبط ساخت ؟

تلاش برای حل این معضل از طریق ارائه این پیشنهاد، که اطلاعات مالی ارائه شده باید

مبتنی بر ۴ استاندارد یا شاخص باشد که ۵ رهنمود نیز به آن ها پیوست می شود:

استانداردها :

۱. مربوط بودن

۲. قابلیت اثبات

۳. بی طرفانه بودن

۴. قابلیت کمی شدن

رهنمودها :

۱. مناسب بودن

۲. افشای اطلاعات مربوط به موارد با اهمیت

۳. گنجانیدن اطلاعات مربوط به عوامل محیطی

۴. ثبات رویه در درون یک واحد تجاری یا بین واحدهای تجاری

۵. تداوم رویه در عمل یا شیوه اجرایی در طول زمان

نکته : کمیته مزبور به این نتیجه رسید که تنها راه برای تحقق این رویکرد، از طریق «گسترش دادن داده ها» است. غافل از این که در دسر ناشی از این روش این بود که به سرعت باعث افزایش بیش از حد

اطلاعات می شود و استفاده کنندگان با انبوهی از عبارات و اصطلاحات فنی روبه رو می شوند .

بیانیه شماره ۴ از هیئت اصول حسابداری

APB Statement No.4

انجمن حسابداران رسمی آمریکا که در تدوین تئوری نسبت به تلاش های پیشین ناخشنود بود، توصیه

کرد در نخستین فرصت ممکن هیئت باید هدف های بلند مدت حسابداری را تعیین نماید مفاهیم اصلی

و اصول حسابداری را مشخص کند و آنها را شرح دهد و نیز واژگان و عبارت های مورد استفاده در حسابداری، از جمله عبارت «به شیوه ای منصفانه» و «اصول پذیرفته شده حسابداری» را تعریف کند.

هیئت اصول حسابداری مالی ۵ سال بعد در واکنش به این دستورالعمل، بیانیه شماره

۴ به نام «مفاهیم اساسی و اصول حسابداری مبنای صورت های مالی شرکت ها و

واحدهای تجاری» را منتشر کرد .

این بیانیه نیز همانند «تئوری بنیادی حسابداری» دیدگاه مبتنی بر استفاده کنندگان

صورت های مالی را پذیرفته و حسابداری را اینگونه تعریف کرد :

«یک نوع فعالیت خدماتی ... (که) وظیفه آن عبارت است از ارائه اطلاعات کمی درباره

واحدهای اقتصادی (اطلاعاتی که) از نظر ماهیت مالی باشند و هدف این است که بتوان

در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آنها را مورد استفاده قرار داد.»

۱. اهداف

الف) عمومی : ارائه اطلاعات قابل اتکا در مورد منابع و تعهدات اقتصادی و تغییرات آنها

ب) کیفی : مرتبط بودن، قابل فهم بودن، قابل تایید بودن، بی طرفانه بودن، به موقع

بودن، قابل مقایسه بودن، کامل بودن

۲. ویژگی‌های اصلی :

واحد حسابداری؛ تداوم فعالیت؛ سنجش؛ اندازه‌گیری یا محاسبه منابع و تعهدات (دارایی‌ها و بدهی‌ها)؛

دوره‌های زمانی؛ واحد اندازه‌گیری پولی؛ تعهدی؛ قیمت مورد معامله یا مبادله، قابل برآورد (قابل تخمین)؛ استفاده از قضاوت شخصی، اطلاعات مالی که هدف‌های عموم را تأمین کند؛ رحجان محتوا بر

شکل، حائز اهمیت بودن.

۳. ارکان اصلی : دارایی‌ها؛ بدهی‌ها؛ حقوق صاحبان سهام؛ درآمدها و هزینه‌های دوره؛ سود خالص

۴. اصول :

الف) فراگیر یا کلی : ثبت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها؛ تحقق درآمد؛ شناسایی هزینه؛ رابطه علت و

معلولی؛ تخصیص سیستماتیک و منطقی؛ شناسایی آنی؛ واحد اندازه‌گیری

ب) عرف و سنت : محافظه کاری؛ تاکید بر سود؛ استفاده از قضاوت

ج) عملیات گسترده : انتخاب؛ تجزیه و تحلیل؛ اندازه‌گیری؛ طبقه‌بندی؛ ثبت؛ خلاصه کردن؛ ثبت

اصلاحی، اطلاع‌رسانی

د) جزئیات : رعایت قواعد و مقررات که در عمل وجود دارند .

تعریف اصول از دیدگاه هیئت اصول حسابداری :

اصول، «عرف، سنت ها، قواعد و فرضیاتی هستند که برای تعریف از شیوه عمل حسابداری در یک زمان خاص مورد نیاز می باشند».

بیانیه شماره ۴ هیئت اصول حسابداری یک سند بسیار مهم است. بخش های اصلی آن

در «چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی» گنجانده شده اند. اما از

دید بسیاری از صاحب نظران انتقادهایی هم بر این بیانیه وارد است از جمله :

۱. بیشتر جنبه توصیفی دارد تا دستوری

۲. توجیحات کافی برای موارد اظهار شده در این بیانیه وجود ندارد .

۳. بین هدف های بلند مدت، ارکان اصلی حسابداری مالی و اصول فراگیر و تفصیلی هیچ رابطه روشنی وجود ندارد .

نظری

چارچوب

The Conceptual Framework

هنوز جوهری که هیئت اصول حسابداری با آن

بیانیه شماره ۴ را نوشته بود خشک نشده بود، که به

حیات هیئت خاتمه داده شد و «هیئت استانداردهای حسابداری مالی» تشکیل گردید.

کمیته «ویت» پس از بررسی تاریخچه «جست و جو برای اصول» پیشنهاد کرد که

برای تدوین استانداردها باید یک سازمان جدید تشکیل شود و یادآور شد که:

ثابت شده است که «اصول حسابداری» عبارتی است که دارای معنی و مفهوم کلی و مبهم می باشد. برای غیر حسابدار (و نیز بسیاری از حسابداران) آن بیانگر چیزهای بنیادی و اساسی است، از نوعی که می توان آن را در چند کلمه بیان کرد، اما از نظر ماهیت تقریباً در چارچوب زمان قرار نمی گیرد و به هیچ وجه با تغییرات تجاری یا نیازهای جامعه سرمایه گذار که پیوسته سیر تکاملی می پیمایند، وابسته نیست. با وجود این، هیئت اصول حسابداری که در عنوان خود، واژه «اصول» را یدک می کشید در سراسر حیات خود تلاش کرد درباره موضوعاتی که هیچ ربطی با مفهوم عادی کلمه «اصول» نداشتند، بیانیه هایی ارائه کند.

از این رو کمیته پیشنهاد کرد که واژه «استاندارد» جایگزین واژه «اصول» شود و آن را بدین گونه تعریف کرد :

« راه حل هایی برای مسائل حسابداری مالی »

نکته :

در ظاهر اگرچه به نظر می رسد که جست و جوی طولانی برای یافتن اصول به پایانی ناخوشایند انجامید، اما این اقدام بیشتر یک تغییر بود تا یک پایان ؛ زیرا در بسیاری از موارد جست و جو تحت عنوانی متفاوت ادامه یافت.

تقریباً همان کارهایی را که نهاد پیش از آن برای

بدیهیات یا فرضیات انجام می داد دوباره در یک

سلسله از «بیانیه های مفاهیم حسابداری مالی»

به نام «چارچوب نظری» انجام می شد.

برخی ها عبارت «چارچوب نظری» را به یک قانون اساسی که تفاوت چندان زیادی

با قانون اساسی ایالات متحده آمریکا ندارد، تشبیه کرده اند. این تشابه مؤید این

است که هیئت تصمیم دارد، سیاست ها و هدف های گسترده ای را تعیین نماید

که مورد توافق همه گروه های ذینفع است. سپس این سیاست ها و هدف های کلی

مبنا قرار می گیرند و بر آن اساس یک مجموعه منسجم از استانداردهای حسابداری

ارائه می شود.

با توجه به دیدگاه ضد و نقیضی که در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وجود دارد

تقریباً و به ناچار این چارچوب نظری هم مورد آماج رگبار شدید انتقادها قرار گرفته

است. برای مثال «لی سیدلر» استاد دانشگاه نیویورک بر این باور بود که در علوم

اجتماعی هیچ چارچوب نظری وجود ندارد، و چنین ادعایی فقط می تواند جهل را به

اثبات برساند.

تاریخ

در

وجو

جست

The Search in retrospect

با توجه به مطالب این فصل، دیر زمانی است که جست وجو برای اصول آغاز شده و این

دوره همواره استیصال آور و حتی از نظر عده ای گاهی بیپوده بوده است.

تلاش ۵۰ ساله به وسیله نخبگان و متخصصان از خود گذشته نتوانست چیزی بیش از

چند جمله و عبارت پرهیاهو به سیستمی اضافه نماید که ۵۰۰ سال پیش ارائه شد. عبارت «اصول پذیرفته شده حسابداری» علی رغم ارائه در همه گزارش های حسابرسی هم اکنون نیز همانند زمانی که برای اولین بار ساخته شد، پوچ و بی معنی است. در واقع هنوز هم در رابطه با اینکه چه چیزی اصل را تشکیل می دهد، چگونه اصول با فرضیات مرتبط می شوند و نیز در مورد شیوه ای که باید استانداردهای حسابداری از آن ها استخراج شود، هیچ توافق نظری وجود ندارد.

در واقع اصول پذیرفته شده حسابداری چیزی بیش از روش های لازم الاجرای حسابداری نمی باشند. این تعریف بر اساس «رویه» و نه بر پایه معنی واژه قرار دارد. نبودن اجماع یا توافق نظر در مورد اصول حسابداری درون مایه گزارش کمیته ای بود که تحت ریاست جامعه حسابداران آمریکا در سال ۱۹۷۳ با عنوان «بیانیه تئوری حسابداری و پذیرش تئوری» ارائه شد.

نویسندگان بیانیه مزبور به این نتیجه رسیدند که در این زمان یک تئوری حسابداری اصولی مورد قبول همگان وجود ندارد، و هدف آن ها کشف این موضوع بود که : چرا جامعه حسابداری نتوانسته است از دیدگاه نظری به یک توافق نظر برسد ؟

است

پیچیده

حسابداری

تئوری

Accounting Theory is complex

« هر نوع تغییری در هدف مستلزم تغییر در اصول است. »

پیچیدگی این تجزیه و تحلیل باعث شده است که در مورد هدف های دقیق حسابداری

و ماهیت محیط اقتصادی که حسابداری در آن فعالیت می کند، اختلاف نظر مستمر به وجود آید.

در ایالات متحده آمریکا، حسابداری در ابتدا به بستانکاران توجه کرد، سپس برای سرمایه گذاران نقش یک متوالی را ایفا نمود و به تازگی در صدد برآمده است تا برای تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری ها، اطلاعات ارائه نماید .

حسابداری پیامد های اقتصادی به همراه دارد

Accounting Has Economic Consequences

یکی دیگر از مشکلاتی که بر سر راه دستیابی به اصول بنیادی قرار دارد این است که حسابداری یک رشته عملی است در حالی که در روش مبتنی بر «فرضیات-اصول» به حسابداری بیشتر از این دیدگاه توجه می شود که یک سیستم نظری (تئوریک) است و نتیجه چنین دیدگاهی این است که در آن به نقش استفاده کننده اهمیت چندانی داده نمی شود، یعنی جنبه کاربردی این رشته مورد توجه قرار نمی گیرد .

در واقع در این روش « نتیجه های اقتصادی را که اطلاعات برای افراد و سازمان ها به بار می آورند، نادیده انگاشته می شود ».

در مورد نتیجه های مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی حاصل از قواعد حسابداری می توان مثال های زیادی ارائه کرد :

برای مثال، اگر کسی طبق یک استاندارد جدید مجبور باشد وضعیت مالی ضعیف تری را نسبت به آنچه که مورد انتظار بوده است، افشا کند، امکان دارد به سبب کاهش قیمت سهام، سهامداران کنونی شدیداً زیان ببینند . همچنین پاداش های بسیاری از

مدیران ارشد که بر پایه سود گزارش شده قرار دارد، نیز کاهش خواهد یافت. گذشته از این مفاد قرارداد وام بسیاری از شرکت ها و رابطه آن ها با بستانکاران به گونه ای است که اگر سود خالص از یک سطح مشخص کمتر شود و یا اگر نسبت بدهی ها به حقوق صاحبان سهام به میزان زیادی افزایش یابد ، همه بدهی ها به روز خواهد شد و شرکت ها ناگزیرند همه بدهی ها را پرداخت کنند .

از این رو هر نوع تغییری در قواعد و مقررات حسابداری می تواند یک سلسله اثرات اقتصادی بسیار مهم بر گروه های مختلف مردم بگذارد. همچنین این تغییرات دارای هزینه های مستقیم به صورت حق الزحمه حسابرسی، هزینه های چاپ و نشر و از این قبیل می باشند که برای تهیه صورت های مالی بر شرکت ها تحمیل خواهند شد.

شرکت هایی که چنین می پندارند یک قاعده حسابداری نمی تواند فایده زیادی برساند احتمالاً تمایلی به تحمل چنین هزینه ای نخواهند داشت .

از این رو ، معقول است که در مورد قواعد حسابداری و اصولی که مؤید این قواعد هستند ، بحث های زیادی (بین گروه های موافق و مخالف) در گیرد و همه اقشار ذینفع در این موضوع ، به راحتی بر سر یک راه حل به توافق نرسند .

حقیقت یا نتیجه های اقتصادی

Truth or Consequences

اگر چه توجه به نتایج اقتصادی در فرایند تدوین استانداردها مهم است ولی نباید اجازه داد که این نتیجه ها بر ماهیت «استاندارد ها» اثر بگذارند .

هیئت استاندارد های حسابداری مالی با استدلال از دیدگاه فوق اعتقاد دارد که

استانداردهای حسابداری مالی را نباید با توجه به اثرات آنی آنها بر افراد، مورد قضاوت قرار داد، بلکه باید از زاویه فایده ای که این استانداردها می توانند برای جامعه داشته باشند، به آن ها نگاه کرد .

« دنیس آر برسفورد » رئیس هیئت استاندارد های حسابداری مالی در برابر انتقاد هایی که از این دیدگاه مطرح شده بود؛ با طرح این پرسش، این گونه پاسخ داد که :

« آیا هدف استاندارد حسابداری باید پرداختن به رفتار و اثر تغییرات اقتصادی یا اجتماعی باشد یا فراهم آوردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا ؟ معتقدم که اکثر صاحب نظران در این مورد اتفاق نظر دارند که هدف استاندارد های مالی؛ بهبود کیفیت گزارشگری مالی است نه حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی » .

در حالی که این موضوع واقعیت دارد که هیئت استاندارد های حسابداری مالی و نهاد- های پیشین آن چندین بار در برابر امواج بسیار تند مربوط به نتیجه های اقتصادی ، تسلیم شده اند ولی از سوی دیگر این امر هم واقعیت دارد که نمی توان آن را سیاست هیئت استاندارد های مالی دانست .

Conclusion

نتیجه

مفاهیم گسترده چه اینکه آنها را اصول، بدیهیات یا استاندارد بنامیم از اجزای اصلی حسابداری هستند، با وجود این نباید هیچ گاه فراموش کرد که حسابداری، به عنوان یکی از شاخه های علوم اجتماعی به میزان دانش، قضاوت و صداقت حسابداران بستگی

دارد.

در واقع رمز بی طرفی در حسابداری، هم در تدوین استانداردها و هم در عمل و زمان اجرا، در دست همان عامل همیشگی یعنی در دست صداقت و مسئولیت شخصی کسانی است که کار حسابداری را انجام می دهند. حسابداری در سایه وجود این ارزش هاست که تمام اطلاعاتی که برای قضاوت عینی در بالاترین سطح ممکن، مورد نیاز است را ارائه می کند .

فصل ۶

• محیط اقتصادی حسابداری

سیستم اقتصاد خصوصی

- جامعه بالقوه استفاده کنندگان از صورتهای مالی (منافع مختلف و مشترک)

- تفاوت بین دیدگاه سهامداران و گروههای ذینفع

بازار سرمایه

- ارائه تحقیقات بازارهای مالی

- چه اطلاعات مالی مورد درخواست مردم است

- معانی کارایی بازار

تعیین ارزش داراییها

- شیوه قیمت گذاری داراییها در بازارهای سرمایه ای

- شیوه استفاده از این روشهای حسابداری

• - سیستم اقتصاد خصوصی

افراد خاص و نه دولت مالکان واحد تجاری اند اقتصاد
خصوصی کالاها و خدمات جهت ارائه تولید و عرضه میشوند نه در امریکا
مصرف تولید کنندگان

سیستم پیچیده

• - گروههای ذینفع در محیط گزارشگری

گروههای ذینفع در محیط گزارشگری

سرمایه گذاران

الف- متنوع یا نا همگون در مقایسه با همگون

ب - فعال در مقایسه با غیر فعال

ج - حرفه ای در مقایسه با غیر حرفه ای

واسطه های اطلاعاتی

الف- تحلیل گران مالی

ب - سازمان های تعیین کننده رتبه اوراق قرضه

ج - سازمان های تعیین کننده رتبه سهام

د - سازمانهای مشاور در امور سرمایه گذاری

ه - سازمانهای کارگذار

• - گروههای ذینفع در محیط گزارشگری

۳- تدوین کنندگان مقررات

الف - هیئت استانداردهای حسابداری مالی

ب - کمیسیون بورس اوراق بهادار

ج - مجلس قانون گذاری ایالات متحده امریکا

۴- مدیریت

الف- شرکت های بزرگ در مقایسه با شرکت های کوچک

ب - شرکت های سهامی عام در مقایسه با شرکت های سهامی خاص

۵- حسابسان

الف- موسسه های ملی در مقایسه با موسسه های محلی

ب - اجرای مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادار در مقایسه
اجرای مقررات کمیسیون

بورس و اوراق بهادار

تفاوت بین سهامداران با گروههای ذینفع :

۱- مالکیت صندوق های بازنشستگی و سایر سازمانهای ملی بزرگ در شرکتهای سهامی کمرنگ شدن مالکیت
خصوصی

۲- خرید های استقرای اضافی بدهی های شرکت ها

تاثیر گذاری بیشتر بستانکاران نسبت به سهامداران

۳- کنترل سازمانهای دولتی بر بخشهای بزرگ از سیستم اقتصادی

بازارهای اوراق بهادار :

بازار محل تجمع همه سلیقه ها تبدیل شدن به شاخصی برای تعیین میزان تقاضا در جامعه

آزمودن تجربی بازار مشکل و تعیین سودمندی برای استفاده کنندگان انفرادی در دسر ساز تمرکز پژوهشگران بر تاثیر سرمایه گذاران بر کل بازار

• - بازارهای اوراق بهادار

مثال :

تئوری مبتنی بر ارزش ذاتی

هدف : کمک به سرمایه گزار برای پیدا کردن سهام زیر قیمت ارزش ذاتی تحلیل : انتقال ثروت از یکنفر به فرد دیگر

تئوری مبتنی بر ارزش بازار

تحلیل : یکنفر سود میکند دیگری زیان ولی هیچ ثروتی به بازار اضافه نمیشود .

• - بازارهای اوراق بهادار

پس در تئوری بازار برای حسابداری دو هدف وجود دارد :

۱- تخصیص مطلوب منابع بین تولید کنندگان

۲- در دسترس بودن اطلاعات مربوط به ریسک و بازده اوراق بهادار

• محیط اقتصادی حسابداری

کارایی بازار

نتیجه نخستین تحقیق :

نبود همبستگی بین تغییرات قیمت در بازارهای مالی

علت (اوجین فاما) :

قیمت ها منعکس کننده تمام اطلاعات بدون تعصب یا یکسو نگری (بازار کارا)

● - کارایی بازار

شرایط کافی برای بازار کارا :

۱- انجام معامله بدون پرداخت هزینه

۲- در دسترس بودن همه اطلاعات برای همه بدون هزینه

۳- همگون بودن انتظارات معامله گران در استفاده از اطلاعات

● - کارایی بازار

شرط لازم برای بازار کارا :

انعکاس بیدرنگ و بدون اعمال نظر شخصی اطلاعات در قیمت بازار

لازمه این امر وجود بازار رقابتی است

که مشخصه این بازار نیز برابری عرضه و تقاضا برای هر نوع

سهام است

● - کارایی بازار

توجه

با در نظر گرفتن شرایط لازم و کافی برای بازار کارا

هیچگاه در بازار کارا نباید توانست سود غیر عادی بدست آورد

(ادعای داشتن بازار کارا تنها توسط یک مورد کسب سود غیرعادی نقض میشود)

نتیجه

ادعای بازار کارا تنها برای میانگین بازار میتواند صحیح باشد .

- - کارایی بازار

تعریف "بیور" از بازار کارا:

"بازار کاراست اگر فقط اگر

قیمت ها بگونه ای عمل کنند که هر فردی با مشاهده پیام های اطلاعات موجود در سیستم انگونه عمل میکرد
"

- - کارایی بازار

آزمایش "راس ارچی بالد"

- تغییر قیمت های چند شرکت قبل و بعد از تغییر روش محاسبه استهلاک

نتیجه: "عدم تغییر قیمت ها"

مطرح شدن کارایی در دو بخش:

۱- سرعت عمل واکنش بازار به اطلاعات

۲- صحت و سقم واکنش صورت پذیرفته

تحلیل صحت و سقم واکنش از دو منظر

۱- تغییر بدون اثر بر وجه نقد بازارکارا

۲- تغییر باعث کاهش هزینه استهلاک جبران سود کم

بازار ناکارا

- - کارایی بازار

درک بیشتر موارد ذیل ما را در تجزیه و تحلیل نسبت به کارایی بازار کمک میکند:

۱- شیوه ای که مجموعه اطلاعات به افراد میرسد

۲- نحوه پردازش اطلاعات توسط افراد

۳- واکنش قیمت های اوراق بهادار در برابر اطلاعات

• - کارایی بازار

تقسیم بندی اطلاعات :

۱- اطلاعاتی که در سایه نظارت بر قیمت ها میتوان مشاهده کرد

۲- اطلاعات در دسترس عموم

۳- همه اطلاعات (شامل محرمانه)

• - کارایی بازار

کارایی اندک :

- قیمت ها بازتابی از تمام اطلاعاتی است که در گذشته نسبت به آن سهام ارائه شده است .

- پیش بینی قیمت آتی غیر ممکن و قیمت در آینده بصورت تصادفی تغییر میکند .

• محیط اقتصادی حسابداری

کارایی بسیار قوی :

- تمامی اطلاعات مربوطه , در دسترس , و در قیمت های سهام تاثیر گذارند.

- به هیچ عنوان تا کنون چنین چیزی اثبات نشده است .

(زیرا همیشه سودهای کلان در بازار یافت میشود)

• - کارایی بازار

• - کارایی بسیار قوی

با این وجود اطلاعات محرمانه از دو راه بر قیمت ها تاثیر میگذارند :

۱- عده ای از اطلاعات محرمانه با خبرند

تقاضا / عرضه اضافی در مورد یک نوع سهم بوجود می آید

افزایش / کاهش قیمت بوجود می آید

نهایتا اطلاعات بی اثر میشوند

۲- بستگی به راه اول دارد

شناسایی افراد مطلع از اطلاعات محرمانه

دنباله روی سایرین از افراد مطلع

• - کارایی بازار

کاربرد در حسابداری :

- اگر قرار است حسابداری در خدمت جامعه و رفاه اجتماعی باشد بایستی اطلاعات مالی اثر گذار را بسرعت بدست همگان برساند .

پیامد تاخیر در رسیدن اطلاعات محرمانه اثر گذار بدست عموم :

۱- تخصیص نامطلوب یا مطلوب دیرهنگام منابع

۲- عدم سود دهی و یا حتی زیان دهی سرمایه گذارمنفرد بازار

• - کارایی بازار

کارایی نیمه قوی (نسبی) :

- قیمت ها منعکس کننده همه اطلاعات در دسترس مردم است که شامل

اطلاعات تاریخی سهام و اطلاعات کنونی آن است .

(اطلاعات محرمانه را در بر نمیگیرد)

- اطلاعات جدید سریع و بدون تاثیر یکسو نگری اثر خود را بر قیمت ها میگذارند و تغییر قیمت ها به گونه ایست که گویا همه از اطلاعات جدید باخبرند .

• - کاربرد های فرضیه بازار کارا

برخی از کاربردهای فرضیه بازار کارا در حسابداری :

۱- در کارایی نسبی تجزیه و تحلیل بنیادی و اساسی اطلاعات مالی نمیتواند الزاما سود آور باشد .

تجزیه و تحلیل بنیادی : یعنی شناسایی سهام هایی که به کمتر از ارزش واقعی عرضه میشوند با کمک گرفتن از صورت های مالی

- پس در این سطح از کارایی سود استثنایی عاید کسانی میشود که به محض ورود اطلاعات تفسیر صحیحی از آن ارائه و بر اساس آن عمل کنند . (که این اقدام زودتر از ارائه صورت های مالی اتفاق می افتد)

• - کاربرد های فرضیه بازار کارا

۲- در بازار با کارایی نسبی حسابداری تنها یک منبع اطلاعاتی در مورد شرکتها و اوراق بهادار آنهاست و نمیتواند مهمترین منبع باشد .

- سایر منابع عبارتند از :

نشریات شرکتها

مصاحبه های مقامات ارشد شرکتها

اطلاعات فوق توسط تحلیل گران و کارشناسان خبره تجزیه و تحلیل میشود و قیمت ها در برابر این اطلاعات واکنش لازم را نشان خواهند داد.

پس از انتشار گزارشات مالی آنها در زمره اطلاعات عمومی یا مورد انتظار قرار میگیرند و نیاز به هیچ اقدام اصلاحی نمیباشد .

- - کاربرد های فرضیه بازار کارا
- - حسابداری تنها یک منبع اطلاعاتی

سؤال :

با وضع موجود آیا واقعا انتشار گزارشات مالی تاثیری بر قیمت ها ندارند؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

- ۱- پاسخ الزاما " آری " نیست .
- ۲- با انتشار گزارشات مالی تجزیه و تحلیل های قبلی و پیش بینی ها تأیید یا رد میشوند .
- ۳- قضاوت در مورد درجه اعتبار یا قابلیت اتکا سایر منابع اطلاعاتی امکان پذیر خواهد بود .
- ۴- اگر فرض بر " همگون بودن انتظارات " را کمی تعدیل کنیم میتوان گفت حسابداری مالی بر تصمیمات فردی سرمایه گذاران تاثیرگذار است .

- - کاربرد های فرضیه بازار کارا
- - حسابداری تنها یک منبع اطلاعاتی

نتیجه :

- اوراق بهادار در برابر منابع مختلف که اطلاعات یکسانی را منتشر میکنند واکنش های متفاوتی نشان نمیدهد.ولی هر سرمایه گذار مقدار مشخص و متفاوتی هزینه را صرف دسترسی به اطلاعات میکند .

پرسش قابل طرح :

کدام منبع اطلاعاتی دارای هزینه کمتر و این هزینه صرف پردازش

اطلاعات میشود ؟؟؟؟؟

•

- کاربرد های فرضیه بازار کارا

۳- وجود بازار با کارایی نسبی به معنای درک و بکارگیری بیدرنگ اطلاعات جدید توسط تمام سرمایه گذاران نیست بلکه بیانگر وجود تعداد زیادی سرمایه گذار و تحلیل گر حرفه ای در بازار است .

•

- کاربرد های فرضیه بازار کارا

۴- اصل مبتنی بر " تثبیت کارکرد "

بیانگر اینست که سرمایه گذاران ارزش اوراق بهادار را با توجه به

عددهایی که در سیستم حسابداری محاسبه میشوند ارزیابی میکنند

صرف نظر از نحوه محاسبه یا محتوای اعداد .

- امکان سازگاری با تئوری ارزش ذاتی را دارد ولی با پدیده بازار کارا ناسازگار است .

- در یک بازار کارا اطلاعاتی که در دسترس همگان قرار دارد در قیمت ها منعکس میشود .

- با حساب سازی نمیتوان بازار را دست آویز خود قرارداد .

حسابداری

اقتصادی

• محیط

- برخی سوء تفاهم ها

برخی سوء تفاهم ها :

۱- کارایی بازار معادل

تولید کارا - یک مجموعه اوراق بهادار کارا

تخصیص منابع به شیوه ای کارا و.....

نمیباشد .

۲- فرض در بازار کارا (رد حالت نیمه قوی) اینست که همه اطلاعات موجود , در دسترس همگان بر قیمت سهام اثر گذار میباشند .

(در این حالت اگر هیچ گزارش مالی منتشر نشود بازار باز هم کاراست)

- محیط اقتصادی حسابداری

- - برخی سوء تفاهم ها

۳- بعضا واکنش بازار در برابر رویه های مختلف ممکن است سرمایه گذار را بسمت برداشتی مثبت یا منفی از یک رویه خاص هدایت کند .

- در واقع تغییرات قیمت در بازار نمیتواند شواهد و مدارک قطعی برای سلايق سرمایه گذار ارائه کند .

- دلیل سطحی ان اینست که قیمت اطلاعات در قیمت اوراق بهادار گنجانده نشده است .

- ارائه بخش دوم - فصل ششم

- **Valuing Securities** تعیین ارزش اوراق بهادار

- فرضیه بازار کارآ تاثیر اطلاعات مربوط را بر قیمت های اوراق بهادار شرح می دهد . به هر حال بمنظور آزمون کارآیی بازار یا مربوط بودن اطلاعات، یک **مدل نظری** لازم است تا تشریح نماید که چه فاکتورها یا پارامترهایی، قیمت های اوراق بهادار را در این معادله، محاسبه و برآورد می کنند.

- از آنجا که فاکتورهای زیادی می تواند قیمت های اوراق بهادار را تحت تاثیر قرار دهد؛ چنین مدلی می تواند پارامترهای زیادی داشته باشد **اما مدلی ارجحیت دارد که تعداد اندکی پارامتر دارد و دارای سطح مطلوبی از قابلیت پیش بینی است.**

- مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای (CAPM) یکی از این مدل هاست که با دارا بودن تنها دو پارامتر- ریسک و بازده - سطح بالایی از قابلیت پیش بینی را در خود جای داده است. پیش از شرح این مدل، لازم است درباره ی «تئوری پرتفو» بحث کنیم زیرا مدل مذکور بر پایه این تئوری قرار دارد.

- **تئوری پرتفو(نظریه سبد اوراق بهادار) Portfolio Theory**

- در سال ۱۹۵۰ مدل اصلی سبد اوراق بهادار توسط هری مارکویتز (Harry Markowitz) طرح و گسترش یافت. وی برای نخستین بار نرخ بازده مورد انتظار و ریسک را برای سبد اوراق بهادار دارایی ها استنتاج کرد^(۱).

قبل از این، سرمایه گذاران می دانستند که متنوع سازی بمنظور کاهش ریسک سرمایه گذاری مناسب است ولی نمی توانستند آنرا اندازه گیری کنند؛ بنابراین در تئوری پرتفو نشان داده می شود که متنوع سازی چگونه در سبد اوراق بهادار باعث کاهش ریسک سرمایه گذار می گردد.

- **تئوری پرتفو(نظریه سبد اوراق بهادار) Portfolio Theory**

❖ مفروضات اصلی تئوری پرتفو در ارتباط با تصمیمات سرمایه گذاری در شرایط عدم اطمینان عبارتند از :

- ۱- سرمایه گذاران ریسک گریزند بدین معنا که:در قبال سطح معینی از ریسک،بازده ی بزرگتر را و یا در قبال سطحی از بازده ی مشخص، ریسک کمتر را ترجیح میدهند.
- ۲- معمولا بازده اوراق بهادار دارای توزیع نرمال (پراکندگی عادی) است.
- ۳- سرمایه گذاران در تصمیم گیری منطقی عمل می کنند.
- ۴- پایه و اساس تصمیمات سرمایه گذاران تابعی از ریسک و بازده مورد انتظار آنهاست.

- فرض دوم مهم تر است زیرا بر این موضوع دلالت می کند که: بازده های اوراق بهادار بر اساس میانگین توزیع و ریسک نیز بوسیله واریانس بازده ها اندازه گیری می گردد. بنابراین نظر به اینکه هر سرمایه گذار می تواند در اوراق بهادار مختلف سرمایه گذاری کند،پس برای او ریسک و بازده پرتفو نسبت به ریسک و بازده تک تک اوراق بهادار مهم است.

➤ ورودی های مورد نیاز مدل :

- بازده مورد انتظار که برای هر یک از اوراق بهادار مد نظر است
 - انحراف معیار بازده ها (بعنوان شاخص ریسک هر یک از اوراق بهادار)
 - کوواریانس میان نرخ بازده انواع اوراق بهادار به منظور محاسبه ریسک مجموعه اوراق بهادار
- توجه : بازده پرتفو همان میانگین وزنی بازده های هر یک از اوراق بهادار است، ولی واریانس پرتفو بوسیله میانگین وزنی واریانس های تک تک اوراق بهادار محاسبه نمی شود؛ زیرا همبستگی بین اوراق بهادار بر واریانس پرتفو تاثیر گذار است.

- تاثیر همبستگی بین اوراق بهادار (واریانس و کوواریانس)

- مثال - بررسی دو موج دریا
- در شکل (۱) دو موج دقیقا مخالف یکدیگر حرکت نموده و اثر یکدیگر را خنثی می کنند (یکدیگر را تضعیف می کنند)؛ در نتیجه واریانس سبد اوراق بهادار صفر می شود.
- در شکل (۲) در مکانی خلاف یکدیگر عمل می کنند (t_2) و در مکانی دیگر اثر یکدیگر را تقویت می کنند (t_1).

- فرمول های مورد نیاز پرتفو
 - اگر مجموع مبالغ سرمایه گذاری شده در یک پرتفو دارای نسبت وزنی W_i باشد آنگاه ریسک و بازده مورد انتظار پرتفوی سرمایه گذاری از طریق فرمول های ذیل محاسبه خواهد گردید :
- ضریب همبستگی بین دو دارایی مخاطره آمیز از فرمول زیر محاسبه می شود :

- محاسبه ریسک و بازده پرتفو - مثال ۱
- دو دسته از سهام را با ویژگی های ذیل مورد توجه قرار دهید. فرض کنید شخصی پرتفویی را با این دو دسته از سهام که از نظر مبلغ ۳۵٪ و ۶۵٪ کل مبلغ سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده اند، تشکیل داده است. با در نظر گرفتن مفروضات زیر، از نظر همبستگی بین بازده A و B، بازده مورد انتظار و واریانس پرتفوی را محاسبه نمائید.

هنگامی که پرتفومتشکل از دو دارایی باشد، فرمول محاسبه ریسک به صورت زیر خواهد بود :

- همانطور که مشاهده می شود، اگر بین اوراق بهادار یک پرتفو همبستگی کامل

وجود داشته باشد، ریسک سبد اوراق بهادار (واریانس پرتفو) در حداکثر مقدار خود خواهد بود. بنابراین هرچه از میزان همبستگی بین اوراق بهادار پرتفو کاسته شود ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت.

محاسبه ریسک و بازده پرتفو-مثال ۲

جدول زیر را برای سه نوع دارایی A,B,C در نظر بگیرید:

اگر همبستگی ها به صورت زیر باشند، آنگاه ریسک و بازده پرتفو را محاسبه کنید:

- حل مثال ۲

ریسک پرتفوی متشکل از ۳ نوع اوراق بهادار از رابطه زیر محاسبه می گردد :

❖ همان گونه که مشاهده می نمائید ریسک مجموعه اوراق بهادار (پرتفو) از ریسک تک تک اوراق بهادار به تنهایی کمتر شده است ولی در عین حال پرتفو در همان سطح از بازده قرار دارد .

• تئوری پرتفو(نظریه سبد اوراق بهادار) **Portfolio Theory**

• یک سرمایه گذار از طریق تنوع بخشیدن به اوراق بهادار موجود در پرتفوی خود می تواند ضمن کسب همان سطح از بازده، ریسک کمتری را تحمل کند .

• نظر به اینکه هر سرمایه گذار قادر به ایجاد تنوع در پرتفوی خود می باشد، لذا بازار از بابت ریسک اضافی تحمل شده توسط سرمایه گذار مذکور، مبلغی را پرداخت نخواهد کرد.

• مرز کاراً

• نمودار روبرو ترکیبات مختلف

از دو دارایی را در سبد اوراق بهادار با وزن های فرضی نشان می دهد. بهترین پوششی که همه این ترکیبات احتمالی را دربر گیرد، مرز کارآ نام میگیرد.

- در واقع مرز کارآ، مجموعه سبدهای اوراق بهاداری را نشان می دهد که بیشترین نرخ بازده را برای هر سطح ریسک دارا می باشند یا کمترین ریسک را برای هر سطح بازده به دست می دهند .

- مرز کارآ

- مرز کارآ

- اگر بعنوان یک سرمایه گذار در امتداد مرز کارا حرکت کنیم ،آنگاه مطابق با بازدهی و ریسک مورد انتظار خود، اقدام به تعیین سبد اوراق بهادار می کنیم؛ براین اساس هیچ سبد اوراق بهاداری در مرز کارآ نمی تواند به سبد اوراق بهادار دیگری بر روی آن اولویت داشته باشد .

- این نکته را متذکر می شویم که هر پرتفویی که در زیر منحنی کارآ قرار می گیرد تبعاً ارجحیت کمتری را نسبت به پرتفوی کارآ (پرتفوی واقع شده بر روی منحنی) برای سرمایه گذاران خواهد داشت.

- ارزش بازار برای نقاط A,B,D برابر است زیرا بازار در مورد ترکیب های ریسک و بازده روی منحنی، در نقطه بی تفاوتی قرار دارد .

- انتخاب سبد اوراق بهادار بهینه روی مرز کارآ به کمک منحنی بی تفاوتی

- خط بازار سرمایه

- خط بازار سرمایه

- الگوی بازار:

- پارامتر های زیادی بر بازده و ریسک اوراق بهادار اثرگذار می باشند .

ویلیام شارپ، استاد درس مدیریت مالی دانشگاه استنفورد، بر مبنای کار انجام شده توسط مارکویتز پیشنهاد کرد که این عوامل (پارامتر ها) به دو دسته تقسیم می شوند: عواملی که خاص یک شرکت هستند و عواملی که به کل بازار مربوط میشوند.

➤ عوامل مربوط به یک شرکت خاص را "ریسک غیر سیستماتیک" و عوامل مربوط به کل بازار را "ریسک سیستماتیک" می نامند.

- علت نام گذاری؟!
- ریسک سیستماتیک- ریسک غیر قابل اجتناب- نشان دهنده ی آن بخش از ریسک مجموعه ی سهام است که به دلیل وجود عوامل تاثیر گذار بر قیمت بازار سهام، بوجود آمده است؛ از عوامل مهم ریسک سیستماتیک می توان به تحولات و شرایط اقتصادی و سیاسی، چرخه های تجاری و میزان تورم و بیکاری اشاره نمود .
- ریسک غیر سیستماتیک(ریسک کاهش پذیر،ریسک قابل اجتناب) بخشی از کل ریسک مجموعه سهام مختص یک شرکت یا یک صنعت خاص است. برخی از عوامل بوجود آورنده ی ریسک غیر سیستماتیک،شامل: نوع کالا یا خدمات تولیدی شرکت یا صنعت، اقدامات و نوع عملکرد رقیبان، نوع مدیریت و ساختار هزینه های شرکت می باشد.
- الگوی بازار:
- در الگوی بازار، معادله⁽¹⁾ زیر را می توان برای محاسبه بازده اوراق بهادار در نظر گرفت:
- فرض اساسی در این مدل این است که تغییرات در هر نوع از اوراق بهادار تا حد زیادی در نتیجه تغییر در عوامل بازار است. این فرض ما را قادر می سازد تا به جای تمام عوامل خاص هر نوع از اوراق بهادار تنها از یک عامل به نام عامل بازار استفاده کنیم.
- هنگامی که یک سرمایه گذار در سبد اوراق بهادار خود تنوع سازی می کند ریسک غیرسیستماتیک را از بین می برد و فقط ریسک سیستماتیک باقی می ماند(بعبارت دیگر؛هدف اصلی متنوع سازی، کاهش انحراف معیار پرتفو است)؛ بنابراین ریسک سیستماتیک هر نوع از اوراق بهادار همان اثری است که این دسته از اوراق بهادار بر پرتفوی بازار (مجموعه اوراق بهاداری که بطور عالی متنوع شده) دارد.

- این اثر بوسیله ضریبی که قبل از نرخ بازده بازار لحاظ می شود اندازه گیری می گردد و در ادبیات مالی با نام ضریب بتا شناخته میشود . بعنوان مثال، اگر نوسان قیمت سهامی ۴۰٪ کمتر از نوسان بازار باشد آنگاه ضریب بتای آن ۶/۰ خواهد بود.
- مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای (CAPM)
- افرادی مثل جان لینتنر (John Lintner) – استاد مدیریت مالی هاروارد – ، جان موسین (Jon Mosin) – استاد نروژی–، ویلیام شارپ (William Sharpe) و سایرین که روی این موضوع کار کردند؛ موفق شدند تا به یک الگوی قیمت ها (معادله) برای اوراق بهاداری که در یک بازار کاراً معامله می شوند، دست یابند. این مدل تحت عنوان مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای شناخته شده است .
- کاراً بودن بازار در این مدل بسیار حائز اهمیت است زیرا قیمت اوراق بهادار فقط در یک بازار کاراً از صحت برخوردار است .
- افراد مذکور نشان دادند که :
- محاسبه بتا
- بتا از نسبت کوواریانس بازده های اوراق بهادار و بازده های پرتفو به نسبت واریانس آنها اندازه گیری می شود.
- بتا نشان دهنده ی حساسیت بازده یک دسته اوراق بهادار یا مجموعه ی آنها نسبت به تغییر در بازده پرتفوی بازار است.
- از آنجایی که توزیع هر نوع از اقلام نسبت به خودش برابر عدد یک است، لذا ضریب بتا برای پرتفوی بازار برابر ۱ است. هر نوع از اوراق بهادار با ریسک بالاتر نسبت به ریسک پرتفوی بازار دارای ضریب بتای بزرگتر از ۱ خواهد بود (و بالعکس).
- همانطور که مشاهده نمودید به کمک معادله CAPM نرخ بازده مورد انتظار دارایی سرمایه ای خاص محاسبه می شود. خط بازار اوراق بهادار (Securities Market Line) بیانگر ارتباط بین ریسک و بازده مورد انتظار دارایی است. تفاوت بین بازده یک سرمایه گذاری (پرتفوی خاص) با پرتفوی بازار در نتیجه رابطه خطی مثبت موجود بین بازده مورد انتظار اوراق بهادار و ضریب بتای (ریسک) آن است.

- مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای (CAPM)

➤ شرایط (Conditions) لازم جهت استفاده از CAPM :

۱. بازار اوراق بهادار کامل
۲. رقابت کامل در بازار اوراق بهادار وجود داشته باشد.
۳. هزینه انجام عملیات صفر باشد
۴. سرمایه گذاران ریسک گریز باشند.
۵. وجود انتظارات مشابه از اوراق بهادار در آینده (همه سرمایه گذاران)
۶. وجود افق های مشترک زمانی مثلاً یک سال (همه سرمایه گذاران)
۷. بازار سرمایه در حال تعادل باشد.

- شرایط (Conditions) لازم جهت استفاده از CAPM

- بازار اوراق بهادار کامل باشد: وجود ابزار های مالی گسترده بمنظور کارآ تر نمودن بازار سرمایه و ایجاد تعادل مناسب تر بین عرضه و تقاضا .
- رقابت کامل در بازار اوراق بهادار وجود داشته باشد : شرایط بازار رقابت کامل فراهم باشد؛ ورود و خروج آزاد برای عموم و نبود قید و شرط، در دسترس بودن اطلاعات با سرعت و با حداقل هزینه، احساس امنیت در فروش-نزدیک بودن قیمت بازار به ارزش ذاتی- و ...
- هزینه انجام عملیات صفر باشد: امکان قرض گرفتن یا قرض دادن به نرخ های رایج مالی برای همه، عدم وجود هزینه های معامله و مالیات.

- شرایط (Conditions) لازم جهت استفاده از CAPM

- سرمایه گذاران ریسک گریز باشند: همه سرمایه گذاران، سرمایه گذاران مارکوویتز باشند که هدف آنها دستیابی به نقاط موجود روی مرز کارآست .

- وجود انتظارات مشابه سرمایه گذاران: توزیع احتمال یکسانی درباره نرخ بازده آینده برآورد می کنند (بمنظور انجام تحلیل میانگین واریانس و کوواریانس)

- بازار سرمایه در حال تعادل: بازار باید در معرض معبر دو طرفه ای از اطلاعات باشد به گونه ای که عده ای در بازار، خرید را به نفع خود می دانند و عده ای دیگر نیز فروش را عامل کسب منفعت می پندارند؛ در چنین شرایطی است که حجم معاملات بالا می رود و بازار به حالت تعادل می رسد.

- مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای - مثال

- داده های زیر متعلق به سرمایه گذاری در اوراق بهادار A می باشد که دارای ضریب بتای ۴/۱ برابر نرخ بازده پرتفوی بازار است (نرخ بازده بدون ریسک و نرخ بازده پرتفوی بازار بترتیب ۱۵٪ و ۲۰٪ است). اگر مبلغ سرمایه گذاری اعلام شده ۱۲۰۰۰۰۰ ریال و خالص جریان های نقدی مورد انتظار این اوراق معادل ۶ قسط برابر، سالانه ۳۰۰۰۰۰ ریال باشد؛ آیا خرید این اوراق مقرون به صرفه است؟

- حل مثال

- نرخ بازده مورد انتظار طبق مدل CAPM بدین صورت است:

خالص جریان های نقدی عبارتست از:

- برخی از نتایج مدل قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای:

- فرضیه بازار کارآ و مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای به این نکته اشاره دارند که اطلاعات مربوط جدید، می توانند از طریق تغییر در انتظارات مرتبط با میانگین بازده اوراق بهادار یا تغییر در انتظارات مرتبط با ضریب بتای اوراق بهادار سرعت بر قیمت اوراق بهادار تاثیر بگذارند.

- هنگامی که انتظارات همه ی سرمایه گذاران همگن (مشابه) باشد، تغییر در قیمت یک دسته از اوراق بهادار (نسبت به قیمت همه ی اوراق بهادار موجود در بازار) گویای این است که؛ اطلاعات جدید بر انتظارات بازار اثر می گذارد.

- بنابراین یکی از مهمترین کاربردهای (CAPM) این است که ابزاری را برای سنجش تاثیر انتشار اطلاعات جدید (برای عموم) فراهم می آورد.
- در محدوده ی مفروضات (CAPM)، هر سرمایه گذار باید دارای پرتفویی با بتای ۱ باشد (البته باید ضریب بتای هر یک از انواع اوراق بهادار مشخص باشد تا بتوان بتای پرتفو را - با توجه به میزان ریسک گریزی یا ریسک پذیری سرمایه گذار- معین کرد)؛ همچنین سرمایه گذار باید بتواند با نرخ بهره بدون ریسک وام دهد یا وام بگیرد تا به سطح ریسک متناسب با ریسک پذیری یا ریسک گریزی خود دسترسی پیدا کند. اگر فرض کنیم که هر سرمایه گذار دارای توان نامحدود برای اخذ یا اعطای وام باشد، با نوع سازی در پرتفوی خود می تواند به سمت پرتفوی کارآ گام بردارد.
- یکی از مشکلاتی که در تفسیر نتایج حاصله از CAPM وجود دارد این است که مفاهیم ریسک و بازده به صورت پیش بینی شده (مورد انتظار) هستند و عامل ریسک نیز در واقع همان عدم اطمینان نسبت به کسب بازده های آتی است.
- با این حال بیشتر ارزیابی ها در مورد بتا (ریسک) و میانگین بازده به وسیله ی اطلاعات مربوط به گذشته (در بیشتر موارد مبنای محاسبه دوره ۶۰ ماهه گذشته است) انجام می گیرد.
- اما شواهدی وجود دارد که نشان می دهد، ضریب بتا را - برای آینده - می توان بر مبنای بتای اندازه گیری شده در دوره بلند مدت گذشته برآورد کرد، و در یک بازار کارا مقدار بتا و بازده مورد انتظار، قیمت های «آتی» نسبی اوراق بهادار را تعیین خواهند کرد.
- همچنین با تکیه بر شواهد می توان ادعا کرد که : برخی از معیار های سنجش ریسک حسابداری سنتی از جمله اهرم مالی، اهرم عملیاتی و نسبت نقدینگی با بتای بازار (انتظارات آتی از بتای بازار) مرتبط هستند .
- یکی از مزایای اصلی الگوی قیمت گذاری دارایی سرمایه ای در کنار فرضیه بازار کارا و تئوری پرتفو این است که نتایج حاصل از این مدل ها به صورت تجربی قابل آزمون هستند؛ ولی مفروضات و تکنیک های آماری مورد استفاده، اعتبار این آزمونها و نتایج را محدود می کند.
- مطالعات انجام شده در زمینه بررسی تاثیر حسابداری (یعنی: تاثیر قابلیت اتکای معیار های مورد استفاده، درجه تاثیر گذاری اطلاعات و رویه های جایگزین حسابداری) بر بازار سرمایه منجر به

پاسخ قانع کننده ای نشده است؛ زیرا تصمیمات مربوط به سیاست گذاری باید با توجه به بر آورد چندین عامل از جمله اولویتهای سیاسی یک گروه خاص، مسائل اجتماعی و هزینه و منافع مربوط به ارائه اطلاعات باشد.

- کاربرد مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای

• (Using the CAPM)

- **اهمیت مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای** در حسابداری این است که بوسیله ی این مدل، میزان بازدهی که هر نوع اوراق بهادار باید در آینده باید داشته باشد، مشخص می شود. مشاهده قیمت های روزانه بورس می تواند نشان دهنده بازده واقعی اوراق بهادار مورد نظر باشد. تفاوت بین بازده واقعی و بازده محاسبه شده به وسیله (CAPM) گویای “ بازده غیر عادی (abnormal return) ” خواهد بود.

مجموع این بازده ها در طول زمان دارای نوعی ارزش اطلاعاتی است که با استفاده از آن می توان به بازدهی بیش از متوسط بازار دست یافت.

- این روش به وسیله ی دو محقق استرالیایی به نام Ray Ball & Phil Brown بکار گرفته شد. پرسشی که آنها در مقالات خود مطرح کردند این بود که آیا می توان با استفاده از رقم سود سالانه هر سهم «EPS»، بازده غیر عادی کسب نمود؟
- آزمون آنها بسیار ساده بود؛ آنها فرض کردند اطلاعات سود هر سهم سال آتی را از قبل می دانند. اگر EPS هر سهم در آینده بیشتر از فرض آنها می شد، در آن سهام سرمایه گذاری می کردند و اگر EPS سال آتی کاهش می یافت، سهام مربوطه (به صورت استقراضی) (short sell)⁽¹⁾ فروخته می شد؛ سپس معادله قبلی را برای محاسبه بازده غیر عادی بکار می بردند.

فصل هفتم

(تصمیم گیری)

اهداف فصل

- ۱- منظور از مفید بودن اطلاعات برای افراد را شرح دهید
 - ۲- رویکرد های مختلف در امر تصمیم گیری را با یکدیگر مقایسه کنید
 - ۳- نقشهای متفاوت اطلاعات حسابداری را از یکدیگر تمیز دهید.
 - ۴- درباره فرضیاتی که زیر بنای مدل‌های دستوری در امر تصمیم گیری افراد می باشند بحث کنید
 - ۵- در باره نقش ((منصفانه بودن گزارشهای مالی)) شرح دهید
 - ۶- تعدادی از یافته های تحقیقاتی که درباره چگونگی تصمیم گیری افراد بیان شده است را شرح دهید
 - اهمیت تصمیم گیری
 - در تئوری حسابداری تصمیم گیری نقش محوری را ایفا می کند. وجایگاه مهمی را در تعاریف حسابداری دارد برای نمونه:
- بر اساس تعریف جامعه حسابداران امریکا - حسابداری فرایند شناسایی، ثبت، طبقه بندی، تلخیص و گزارشگری اطلاعات مالی برای استفاده کنندگان در جهت تصمیم گیری و قضاوت می باشد.
- هیئت اصول حسابداری مدعیست: نقش حسابداری ارائه اطلاعات کمی با ماهیت مالی درباره
- فعالیت‌های واحد تجاری به قصد مفید بودن برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی است.

هیئت استا ندارد های حسابداری مالی - در سیستم اقتصادی نقش گزارشگری مالی این است

((اطلاعاتی ارائه کند که برای تصمیم گیریهای اقتصادی مفید واقع شوند)).

توضیح - مانیازمند مطالعه درباره چگونگی تصمیم گیری افراد از اطلاعات حسابداری هستیم و اگر ما می توانستیم شیوه تصمیم

گیری را تعیین کنیم. شاید می توانستیم دارای چنین توانی بشویم که اطلاعات ارزنده تری تهیه و ارائه کنیم.

این فصل از سه بخش کلی زیر تشکیل شده است

۱- بیان رویکرد دستوری یا تجویزی در تصمیم گیری

۲- بیان رویکرد توصیفی یا تشریحی در تصمیم گیری

۳- بیان رویکرد اخلاقی در تصمیم گیری

۱ - روش دستوری:

تئوری پردازان حسابداری بر پایه کاراقتصاد دانها توانسته اند درباره شیوه ای که افراد باید تصمیم گیری کنند یک تئوری

ارائه دهند(چگونگی تصمیم گیری منطقی) و در واقع فرض بر این است که تصمیم گیرنده تابع بهره وری مورد انتظار خود را به حداکثر

میرساند

* اهمیت مطالعه در مورد روش دستوری این است که بسیاری از استانداردهای حسابداری مالی بر پایه منطق قیاسی قرار دارند که از الگوی تصمیم گیری دستوری استخراج شده اند.

موضوعاتی که پیرامون این روش وجود دارد شامل موارد زیر است.

□ الف - تجزیه تحلیل جزئی

□ ب- تئوری انتخاب

□ ج- تئوری نمایندگی

□ د- تئوری تصمیم گیری گروهی

الف) تجزیه تحلیل جزئی:

شامل الگوها و ابزارهای تصمیم گیری است که اغلب از رویکرد دستوری استفاده می کنند و درمورد شیوه ای که باید تصمیمات را اتخاذ کرد ارائه میشوند، اکثر دانشجویان حسابدار ی با این ابزار آشنا هستند. نمونه های آن عبارتند از:

۱- تجزیه و تحلیل هزینه، حجم فعالیت و سود

۲- تجزیه و تحلیل هزینه های مربوط

۳- تجزیه و تحلیل رگرسیون

۴- برنامه ریزی خطی

۵- الگوهای تخصیص هزینه ها

توضیح : بسیاری از این ابزارها در سطحی گسترده مورد استفاده قرار میگیرند و بیشتر این الگوها نتیجه را قطعی می دانند و اغلب یک بخش از یک مسئله بزرگ مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. اگر چه برخی از این تجزیه و تحلیلها بدین گونه پایان می یابد که باید مسائل ریسک را هم مورد توجه قرار داد

از طرفی موارد زیر را نیز باید در نظر داشت :

۱) الگوهای ساده شده تصمیم گیری مملو از مفروضاتی است که اغلب استفاده کننده از آنها آگاه نمی باشند

۲) هیچ الگوی تصمیم گیری بدون مفروضات نیست

۳) هدف الگو سازی واقع گرائی نیست، بلکه پیش بینی است

دلایل استفاده نکردن مدیران از همه الگوهای مورد تائید دانشگاهیان

- شاید مدل‌های ساده اغلب همان کارایی مدل‌های پیچیده را دارند.
- هدف الگو سازی واقع گرائی نیست.
- شاید مدیر دارای آموزش لازم نیست که بتواند از آنها استفاده کند.
- برخی از الگو های ارائه شده به اندازه ای پیشرفته یا غنی نیستند و نمی توانند جنبه هایی را که

بیشتر مد نظر مدیران می باشد را تامین کنند.

(ب) تئوری انتخاب

هدف : فراهم آوردن یک زمینه ای که بتوان مفروضاتی را که پایه و اساس مدلها هستند مورد آزمایش قرار دهد و همچنین ایجاد چارچوبی که مدل‌های جدید از آن قابل استخراج و ارائه باشند.

چنین تئوری عمومی تصمیم گیری با سه موضوع شروع میشود.

□ درک و شناخت اقداماتی که پیش روی افراد قرار دارند

□ پیامدها و نتایج این اعمال

□ تعیین چگونگی راه‌های پیش روی افراد در موقع مواجهه با این اقدامات

➤ اقتصاددانها معتقد هستند که اولویتهای مردم پیچیده و قابل تغییر است. یعنی اینکه آنها نسبت به هر چیزی در

➤ ذهن خودشان دیدگاهی دارند و براساس آن عمل می نمایند برای مثال :

- فرض شده است که هرکسی در مورد تولید کنندگان خودرو عقیده ای دارد. آنها که فوراً را برکرایسلر

وکرایسلر را بر جنرال موتورز ترجیح می دهند انتظار می رود فوراً رابر جنرال موتورز ترجیح دهند.

➤ توجه : این یک فرضیه نسبی است چون با گذشت زمان اولویتهای افراد تغییر می کند. تبلیغات هم از نسبی

➤ بودن همین فرضیه استفاده می کند چرا که سعی در تغییر عملکرد مردم دارد.

افراد در زمان تصمیم گیری در مورد موضوعی تمام گزینه هایی که در مواجهه با موضوع به آن برخورد می کنند را پیش بینی می کنند تا از بین آنها گزینه ای را انتخاب کنند که دارای بالاترین مطلوبیت باشد. برای نمونه

فردی قصد دارد ۱۰۰۰ دلار خود را پس انداز نماید گزینه های پیش روی او از قرار زیر است

اقدام پیامد (نتیجه)

پس انداز در بانک با نرخ بهره ۵٪ ۱۰۵۰

پس انداز در یک صندوق با نرخ بهره ۸٪ ۱۰۸۰

بفرض اینکه در جا معه اطمینان کامل وجود دارد. (جامعه بدون ریسک) نتیجه میگیریم فرد با محاسباتی که انجام میدهد اولویت خود را سرمایه گذاری در صندوق قرار می دهد.

- پروفیسور هبرت سایمون برنده جایزه نوبل، نسبت به فرضیاتی که پایه و اساس این تئوری را تشکیل می دهند، دچار تردید شد. چرا که او معتقد است اگر جستجو کردن پر هزینه باشد باعث خواهد شد که افراد خوش بینانه به موضوع نگاه نکنند. یعنی به دلیل پر هزینه بودن و صرف زمان به جای رسیدن به نتیجه مطلوب اولین راه حل رضایت بخش را بپذیرند و رضایت دهند.

اقتصادی بودن اطلاعات: برای اینکه مدل تصمیم گیری جنبه تئوریک از نظر حسابداران پیدا نکند. لازم است مدلهای رایج پیچیده تر کرده و عدم اطمینان را در جامعه وارد کنیم. و به جای استفاده از

واژه پیا مدکه قطعیت بیشتری دارد از واژه وضعیت استفاده میکنیم (واژه وضعیت توصیفی از نتایج ممکن را ارائه می دهد)

در یک دنیا ی نامطمئن سیستم اقتصادی ممکن است رونق یابد یا دچار رکود شود(در اینجا بافرض اینکه احتمال وجود رونق اقتصادی ۸۰٪ وافول اقتصادی ۲۰٪ باشد گزینه های زیر پیش روی سرمایه گذار خواهد بود.)

حالتها

عمل	وضعیت (رونق اقتصادی)	وضعیت (افول اقتصادی)
سپرده گذاری دربانک	۱۰۵۰	۱۰۵۰
سپرده گذاری در صندوق	۱۰۸۰	۱۰۳۰

در این صورت به دلیل عدم وجود اطمینان در جامعه، عمل فرد تصمیم گیرنده منجر به پیامد حتمی و مشخص نمی گردد. بنابراین ارزش مورد انتظار هر عمل را محاسبه می کنیم.

ارزش مورد انتظار سپرده گذاری در بانک $1050 = 1050 * 0.8 + 1050 * 0.2$
 ارزش مورد انتظار سپرده گذاری در صندوق $1070 = 1080 * 0.8 + 1030 * 0.2$

در نتیجه فرد تصمیم گیرنده احتمال وقوع هر وضعیت را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد تا بتواند مبنای تصمیم گیری خود قرار دهد.

قابل ذکر است در این روش شناسایی برای اینکه افراد در صدد بر آیند ارزش مورد انتظار خود را به حد اکثر برسانند در صورتی قابل توجه خواهد بود که چهار شرط زیر وجود داشته باشد

۱. اولویتهای کامل و متغیر باشند

۲. با توجه به نتیجه های همانند ، اقدامی که دارای احتمال بیشتر است انتخاب شود

۳. بتوان شرایط پیچیده را به شرایط ساده تر تجزیه کرد

۴) نوعی عدم اطمینان مشخصی وجود دارد که فرد نسبت به آن بی تفاوت است (این فرض رامعادل اطمینان می نامند)

اگر اطلاعات اقتصادی در اختیار ما باشد و بتوانیم بوسیله آن در باره اتفاقات آینده تصمیم گیری کنیم در این موقع با نقش پیش تصمیم گیری اطلاعات روبرو هستیم زیرا پیش از اخذ یک تصمیم برای اطلاعات ارزش قائل شدیم (فرض کنید سرمایه گذار نسبت به بر آوردها ی قبلی تردید دارد و انتشار گزارش اقتصادی این امکان را می دهد این بار رونق اقتصادی ۲۰٪/ورکود اقتصادی ۸۰٪/باشد)
 بنا براین :

ارزش مورد انتظار سپرده گذاری در بانک = $1050 \times 20\% + 1050 \times 80\% = 1050$

ارزش مورد انتظار سپرده گذاری در صندوق = $1040 \times 20\% + 1080 \times 80\% = 1030$

اگر برای کسب اطلاعات جدید فرد ۱۰ واحد پولی هزینه کرده باشد . در نتیجه ارزش اطلاعات جدید با تفاوت ارزش مورد انتظار این دو عملکرد برابر خواهد بود بنابراین در موقع کسب اطلاعات باید به این نکته توجه شود که تا چه حد این اطلاعات مهم هستند . به بیان کلی تر ارزش مورد انتظار را از طریق افزایشی که فرد انتظار دارد در سایه وجود چنین اطلاعات کسب نماید اندازه گیری می کنند

فرض براین می گذاریم که اطلاعات اقتصادی به فرد امکان میدهد که پیش بینی درست و دقیقی از سیستم اقتصادی داشته باشد و اطلاعات حاصله به فرد نشان می دهد که شرایط رونق اقتصادی و رکود اقتصادی به ترتیب در ۸۰٪/و ۲۰٪/زمان وجود دارد پس انتظار میرود فرد در ۸۰٪/زمان در صندوق پولی و در ۲۰٪/زمان در بانک سپرده گذاری کند. در نتیجه ارزش مورد انتظار در این حالت برابر است با

$1074 = 1080 \times 80\% + 1050 \times 20\%$

حال این مبلغ را با ارزش مورد انتظار حاصل از سپرده گذاری در صندوق مقایسه نماییم، داریم

$$۱۰۷۴ - ۱۰۷۰ = ۴$$

بنابراین فرد نباید بیش از ۴ دلار برای دریافت این خدمات پرداخت نماید

ریسک گریزی:

در مثالهای قبل ارزش نقدی مورد انتظار هر عملی مورد ارزیابی گرفت در حالی که باید ویژگیهای رفتاری افراد را نیز در نظر داشت برای مثال

واکنش افراد نسبت به ریسک به سه دسته تقسیم مینماییم.

۱- افراد بی تفاوت نسبت به ریسک

۲- افراد ریسک گریز

۳- افراد ریسک پذیر

فرض کنید دو انتخاب زیر بیش روی افراد می باشد

الف) اطمینان کامل ۱۰۰۰ واحد پولی

ب) ۵۰٪ احتمال ۵۰۰ و ۵۰٪ احتمال ۱۵۰۰ واحد پولی

افراد ریسک پذیر را انتخاب خواهند کرد و افراد ریسک گریزالف را انتخاب خواهند کرد و برای افرادی تفاوت نسبت به ریسک، انتخاب هر کدام فرقی نمی کند

نقش اطلاعات : اطلاعاتی که فرد رادر تصمیم گیری یاری می رسانند دارای ویژگی های زیر است

۱- مرتبط بودن

۲- قابل اتکا بودن

۳- به موقع بودن

بیشتر اطلاعات حسابداری بر اساس این دید گاه انجام می شود که دنیا در وضع کا ملا مطمئن وجود دارد .

ریچارد بریف استاد دانشگاه نیویورک ابراز داشت که حسابداران نمی توانند مدعی شوند که از عهده همه مسؤلیتهای خود به طور کامل بر آمده اند مگر اینکه به ان موضوع اعتراف کنند که برآوردهای انجام شده در صورتهای مالی تا چه حد نا مطمئن است

(ج) تئوی نمایندگی

یکی از راههایی که می توان موضوع اطلاعات اقتصادی را بهتر درک کرد توسعه مدل از یک فرد واحد به دو نفر (مالک و مدیر) میباشد. از این دید گاه مالک ارزیابی کننده اطلاعات ونماینده وی را تصمیم گیرنده می نامند به عبارتی خط مشی توسط مالک صورت می گیرد وعملکرد از ان مدیر است در اینجا مسئله پیچیده تر می شود زیرا در اینجا دو تابع مطلوبیت داریم(تابع مطلوبیت نماینده افزوده میشود)

: قرار دادن مطلوبیت مدیر و مالک در یک راستا راه حل

- در تئوری نمایندگی به نقش حسابداری در ارائه اطلاعات پس از یک رویداد توجه خاص میشود که این نقش اغلب

مربوط به نقش مباشرتی حسابداری میباشد که از طریق آن نماینده رویداد های گذشته را به مالک گزارش میدهد

(توان باز خورد در حسابداری).

- اطلاعات یکی از ابزارهایی است که می تواند پدیده عدم اطمینان را کاهش دهد بطبع حسابداران می توانند بدین

منظور در تسهیم ریسک بین مدیران و مالکان نقش مهمی را ایفا کنند.

نامتجانس (نامتقارن) بودن اطلاعات

تحقیقاتی که اخیراً پیرامون تئوری نمایندگی انجام شده است بیشتر به بررسی مشکلات حاصل از استفاده از اطلاعات نامتجانس و ناقص در تئوری نمایندگی می باشد برای مثال مالک اولویتهای مدیر را شناسد و این زمانی است که دوطرف (مالک و مدیر) از همه حالتها ی ممکن بی اطلاع هستند و نتوانند نتیجه های قطعی و مطمئن را مورد توجه قرار دهند.

دلایل :

۱- مالک قادر نیست تمام اعمال مدیر را مشاهده کند

۲- مدیر یک سری اولویتهای خاص خودش را دارد

۳- مدیر بخواهد مالکان را فریب دهد

راه حلهای ممکن :

برای کنترل هرآنچه مدیریت انجام داده و مستقل ۱ - استفاده از حسابرسان خبره

۲- ایجاد انگیزه برای مدیران و آوردن اولویتهای مدیران و مالکان در یک خط

د) تئوری مبتنی بر تصمیم گیری گروهی

در اینجا درباره انتخابی که مجموعه افراد باید انجام دهند مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا تصمیم‌گیرندگانی مانند هیئت استانداردهای حسابداری مالی سعی دارند خواسته‌ها و نظرات گروه‌های ذینفع را مورد توجه قرار دهند و تابع مطلوبیت مجموعه افراد را رسم کنند. برای مثال برای ساختن یک واحد دانشجویی از دانشجویان یک دانشگاه خواسته می‌شود نظرات خودشان را ابراز نمایند. نظرات به صورت زیر است.

(a) واحد با کافی شاب (b) واحد بدون کافی شاب (c) مخالفت با ایجاد واحد

ما برای مشخص کردن اولویتهای هر کدام از گروهها رادر یک جدول گرد هم می آوریم

گروهها	الف	ب	ج
a	۱	۲	۳
b	۲	۳	۱
c	۳	۱	۲

در جدول فوق ملاحظه میکنیم که گروههای الف و ب گزینه a را بر b ترجیح میدهند پس $a > b$

و گروههای الف و ج گزینه b را بر گزینه c ترجیح میدهند پس $b > c$

در نتیجه a را در اولویت انتخاب خواهیم داشت. $a > b$ و $b > c$

با کمی دقت در طبقات مشاهده میکنیم که گروههای ب و ج به هیچ وجه c را بر a ترجیح نمی دهند

نتیجه : اینکه در واقع رای اکثریت قاطع نیست و نمی توان برای تمام افراد یک تابع مطلوب بیت کلی ترسیم کرد که مورد استفاده ناظرین در جهت تعیین اینکه آیا یک تصمیم ویژه توانسته است علائق مردم را ترتیب اثر دهد یا خیر ،

به چنین استراتژی که با تغییر طبقات انتخاب شده ، نتیجه کلی هم عوض می شود . گاهی اوقات log rolling (تبادل منافع) می گویند .

کنت آرو بیان کرده که اگر استراتژی رای گیری از افراد در تئوری تصمیم گیری جمعی از شرایط زیر پیروی کند نتایج شگفت انگیزی در پی خواهد داشت .

۱- اگر رای هر فرد به حساب آید

۲- اگر فقط فرصتها و امکانات قابل دسترس مورد توجه قرار گیرد

۳- در صورتی که تعدادی از افرادی که هم رای هستند ، اولویت‌های گروهی توسط یک فرد بیان شود

۲ (روش توصیفی

تعریف : روشی که در آن سعی می شود چگونگی تصمیم گیری در عمل و واقعیت را بیان کند. هدف این بخش پیرامون پاسخ به این سوالات خواهد بود

۱- چگونه شرکتها تصمیم می گیرند و چه اطلاعاتی را افشا می نمایند؟

۲- علت اینکه تکنیک های پردازش اطلاعات افراد متفاوت است چیست؟

سیاستهای گزارشگری شرکتها :

حسابداران اثباتی در جهت پاسخگویی به این که چگونه شرکتها رویه های مورد استفاده خود را بر می گزینند تلاش کرده اند پاسخی بیابند واضح است که این رویه ها تا حد زیادی توسط هیئت استانداردهای مالی تعیین میشود ولی هنوز هم مدیران دارای اختیارات زیادی هستند و از گزینه های پیش روی خود مواردی را که مناسب می دانند انتخاب می کنند و همچنین باید در نظر داشت که

گزارشگری شرکت در دست مدیریت است پس به روابط مدیر با سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و جامعه و سایرین که چه اشکارا و چه به طور ضمنی نسبت به هم تعهد دارند، خواهیم پرداخت.

تعهد بین مدیران و مالکان :

این موضوع را بطه تنگ تنگی با تئوری نمایندگی دارد، مالکان به دنبال این هستند که مدیران مطابق با خواسته های آنان تصمیم گیری نکنند (در صورتی که درست و کارا باشند)

روشهای ترغیب مدیران به انجام اولویتهای مالکان :

□ سهم کردن مدیران در سهام شرکت

□ اختصاص پاداش به مدیران بر طبق قیمت سهام یا بر مبنای سود خالص

توجه : اگر پاداش مدیران بر اساس درصدی از سود خالص پرداخت شود ممکن است آنها تحریک شوند از طریق

حساب سازی و یا استفاده از قوانین و مقررات حسابداری که به نفع خودشان است سود شرکت را بالا نشان دهند

مثلاً منظور نمودن استهلاک به روش خط مستقیم و نه به روش تصاعدی

تعهد بین مدیران و اعتبار دهندگان

اگر فرض کنیم مدیر در شرکت سهامی است و هدفش ماکزیم کردن سود و بهره وری باشد دیگر تضمینی نخواهد بود تصمیماتی اتخاذ نماید که منافع اعتبار دهندگان شرکت را هم لحاظ نماید.

از همین رو از وی خواسته می شود قرار داد حمایت از منافع اعتبار دهندگان را امضا نماید به طور نمونه نگهداری نسبت جاری در سطح معینی مانند داراییهای جاری به بدهیهای جاری یا اینکه حصه جاری بدهیهای بلند مدت را در صورتیهای مالی تحت بدهیهای جاری افشا نماید

تعهدات بین مدیریت و جامعه :

در حسابداری اثباتی (که بر مطالعه ی اثر رابطه بین شرکت ها و سازمان های سیاسی بر تصمیمات شرکتها انجام میشود) اساس فرض براین گذاشته می شود که شرکتهای بزرگ (مانند صنایع نفت و گاز) که از نظر سیاسی در معرض دید همگان قرار دارند دارای انگیزه های هی هستند که سود را به دوره های آتی منتقل بکنند این پدیده تحت عنوان فرضیه سایز معروف است این فرضیه در جهت عکس فرضیاتی است که مدیریت را ملزم به انجام کارهایی می کرد که بواسطه تعهد در قبال مالکان بوجود می آمد حسابداران اثباتی نسبتا خیلی کمتر در باره تعهدی که میان مدیریت و عموم مردم وجود دارد صحبت به میان آورده است واضح است اگر این تعهدات بین آنها در تصمیم گیری لحاظ گردد مدیریت را ملزم به رعایت سیاست اجتماعی و ایجاد شرایط کاری مناسب برای کارمندان خود می سازد و از طرفی منافع عموم مردم باید در گزارشگری مالی لحاظ گردد.

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بوسیله فرد (Individual Financial Analysis)

استفاده کنندگان از صورتهای مالی ، پس از دریافت این گزارشات، آنها را چگونه تجزیه و تحلیل می کنند؟

آیا افراد مختلف اطلاعات را به صورت منظم به روشهای مختلف پردازش میکنند؟

با پاسخ به این سوال ، سرمایه گذاران می توانند گزارشات مالی خود را به شیوه ای دقیق تر طرح ریزی نمایند تا فرایند تصمیم گیری استفاده کنندگان آسان شود.

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بوسیله فرد (Individual Financial Analysis)

نتایج تحقیقات در این زمینه متفاوت ، پراکنده و ابهام برانگیز است.

✓ افراد برای پردازش اطلاعات توان اندکی دارند .

✓ افراد ترجیح می دهند برای تصمیم گیری اطلاعات کمتری در اختیارشان قرار بگیرد.

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بوسیله فرد (Individual Financial Analysis)

نتیجه :

افراد در دوره های کوتاه مدت آن هم حداکثر ۷ مورد رویداد را میتوانند در ذهن خود نگاه دارند.

تمایل به استفاده از مجموعه اطلاعات دارند (شاخصها)

نکاتی در مورد حجم اطلاعات برای افراد مختلف:

۱- تفاوت در مرز بار اضافی اطلاعات

۲- استفاده از وسایل و ابزار فنی مانند رایانه

۳- تصمیم گیری گروهی

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بوسیله فرد (Individual Financial Analysis)

تحقیقات نشان داده افراد:

✓ کسانی که از روشهای آماری متکی بر قضاوت ذهنی استفاده می کنند، تصمیمات خود را بر پایه نوعی تعصب و یکسونگری می گیرند.

✓ با اطمینان بیشتری به اطلاعات نا مطمئن توجه مینمایند.

✓ نسبت به رویدادهای مهم که بوسیله افراد سرشناس انجام شده است واکنش بیشتری نشان می دهند .

✓ پیش بینی ها و برآوردهای خود را بر پایه آخرین مشاهدات و آخرین نتیجه های تحقیقات می گذارند.

نتیجه :

۱- افراد با یک محیط پیچیده و پر ریسک روبرو هستند.

۲- برای پردازش اطلاعات توان بسیار محدودی دارند.

مبنای اتکا (Anchoring)

افراد برای آغاز کار از بخشی خاصی (به شکل گزینشی) از اطلاعات استفاده می کنند و برای پیش بینی خود اطلاعات موجود را بر آن اساس تعدیل می نمایند.

ایرادی که در رابطه با فرآیند تعیین ((مبنای اتکا)) وجود دارد این است که معمولا افراد قادر نیستند با توجه به اطلاعات جدید دیدگاه پیشین و مورد اتکای خود را اصلاح کنند.

این موضوع به این دلیل برای حسابداری اهمیت زیادی دارد که معمولا افراد از نوع تعصب خود آگاه نیستند و بیشتر اشخاص نمی دانند که از فرآیند تعیین ((مبنای اتکا)) استفاده می کنند.

راه های کاهش تعصب ناشی از مبنای اتکا در گزارشات حسابداری:

۱- اعداد و ارقام ارائه شده به وسیله گزارشات حسابداری را از دیدگاه «بار لغوی واژه» تفسیر کردن

۲- کاربرد قیمت جاری بازار به جای بهای تمام شده تاریخی

ثبات عملکرد (functional fixation):

در سایه کاربرد پدیده تعیین ((مبنای اتکا)) افراد دارای نوعی رفتار می شوند که آنرا تثبیت دیدگاه می نامند.

افراد اساس فرض خود را بر این می گذارند که علائم، نشانه ها، مجموعه مقادیر یا اعداد جایگزینی که برای قضاوت در مورد رویدادهای آینده مورد استفاده قرار می دهند به گونه ای هستند که باگذشت زمان نوع اثر گذاری آنها تغییر نمی کند و این در حالی است که با گذشت زمان مبنای محاسبه آنها تغییر می کند.

در حسابداری، استفاده از پدیده مزبور بدین معنی است که سرمایه گذاران در طول زمان از همان اعداد و ارقام ارائه شده در سیستم حسابداری (مانند سود هر سهم) استفاده می نمایند، بدون توجه به اینکه با گذشت زمان شیوه های حسابداری تغییر می کند.

از دیدگاه گزارشگری مالی این دست آوردها به این دلایل اهمیت زیادی دارند:

۱- حفظ ثبات در رویه های حسابداری با اهمیت است. زمانی که در رویه ها تغییرات مهمی ایجاد شود، طی دوره ای که تغییر رخ می دهد، احتمالاً باید اعداد به هر دو روش محاسبه و گزارش شوند.

۲- تا آنجا که امکان پذیر است باید اعداد و مقادیر حسابداری را بر مبنای واقعیت های اقتصادی تفسیر کرد.

۳- بهتر است که داده های مالی تجمیع شده را تجزیه و از هم تفکیک کرد تا شاید بتوان در مورد روابط اقتصادی بنیادی بین مقادیر، اطلاعات بیشتری به دست آورد.

ثبات عملکرد (functional fixation):

نتیجه: ارائه الگوی «واقعی» در مورد رفتار انسان بدلیل رفتارهای غیر منطقی و منطقی کوتاه مدت فردی، سخت است. با این وجود، دلایل زیادی وجود دارد که باید تا آنجا که امکان پذیر است در مورد تصمیم گیری انفرادی افراد در زمینه حسابداری مطالعه نمود. این دلیل ها شامل:

۱. امکان بهبود کیفیت تصمیمات فردی و کاهش یافتن هزینه پردازش اطلاعات، به وسیله حسابداری و سرمایه گذار.

۲. امکان بهبود مجموعه اطلاعاتی که در دسترس فرد و بازار قرار می گیرد، در حالی که در زمان کنونی رابطه بین این اطلاعات و بازار چندان روشن نیست.

طبق مطلوبیت پارتو در وهله نخست، افزایش رفاه افراد در صورتی مطلوب است که باعث کاهش رفاه دیگری نشود.

۳ روش دستیابی به این اهداف:

۱- تحقیق در مورد فرایند تصمیم گیری فردی می تواند مدارکی به دست دهد مبنی بر اینکه چه اطلاعاتی را باید در گزارشات مالی گنجانید.

۲- تحقیق در مورد فرایند تصمیم گیری افراد می تواند موجب افزایش توانایی آنها شود. با بهبود کیفیت تصمیماتی که برای سرمایه گذاری ها اتخاذ می شوند، می توان انتظار داشت که فرایند تخصیص منابع بهبود پیدا کند و وضع مالی سرمایه گذاران بهتر شود

۳- ارائه الگوی تصمیم گیری که اطلاعات موجود و فرآیندی را که سرمایه گذار به کار می برد، در آن رعایت شود.

تضاد یا تعارض (Synthesis)

بین روشی که مردم در واقع تصمیم می گیرند و روشی که تئوری هنجاری رفتار معقولانه تجویز می نماید نوعی تضاد و تعارض قابل توجه وجود دارد.

ولی شواهد زیادی وجود دارد تا باور کنیم که فاصله بین این دو روش بیشتر جنبه ظاهری دارد، نه واقعی :

۱- شاید تعصبات فردی ((افراد موجود در جمع)) یکدیگر را خنثی می کنند و بازار بازتابی از روابط بنیادی اقتصادی باشد.

۲- ، آنچه برای شرکت، از نظر محتوایی ، جنبه اقتصادی نداشته باشد، برای فرد (از نظر محتوایی) می تواند جنبه اقتصادی داشته باشد.

با وجود این، نباید مسئله تعارض را به طور کلی نادیده گرفت. در تحقیقات مربوط به بحث بخش پیش دو دیدگاه متمایز درباره رفتار انسان، ارائه شده است. از یک دیدگاه انسان منطقی وجود دارد که از سیستم های بسیار پیشرفته رایانه ای استفاده می کند، ولی در این راه هزینه های زیادی از بابت این محاسبه ها تحمل می نماید. دیدگاه دیگر انسانی را در نظر می گیرد که از خرد کمتری برخوردار و بسیار جایز الخطا است، بدون توجه به هزینه ها به روش های تخمینی (نه از روی موازین علمی) تکیه می نماید.

رویکرد مبتنی بر اصول اخلاقی (Ethical Approach)

قدمت بحث ((چگونه می توان تصمیم درست اتخاذ کرد؟)) به پیش از تشکیل واحدهای تجاری می رسد و تشکیل دهنده زیربنای اصول اخلاقی یا آئین رفتار حرفه ای است. نظریه پردازان اصول اخلاقی بر این باورند که برای اتخاذ تصمیم چندین راه وجود دارد این راهها در ۲ دسته یا گروه گسترده قرار می گیرند:

۱- رویکرد وظیفه شناسی (Deontological) که بر انگیزه ها برای دستیابی به هدف تاکید می کند (آنچه درست است).

۲- رویکرد هدف گرایی (Teleological) که بر هدف متمرکز است (آنچه خوب است).

یک نمونه از رویکرد هدف گرایی، رویکرد مطلوبیت گرایی است.

مطلوبیت گرایی (Utilitarianism)

مطلوبیت گرایی در شکل کلاسیک خود، مدعی این دیدگاه است که فرد باید به گونه ای عمل کند که منافع خود را به حداکثر برساند.

اگرچه از دیدگاه بسیاری از تئوری های اقتصادی فرد در پی علایق شخصی خودش است و سعی در حداکثر کردن تابع مطلوبیت خود می باشد، ولی اخلاقیون این مطلب را خودپرستی می دانند.

نقش تدوین کنندگان مقررات این است که منافع همه اعضای جامعه را به حداکثر برسانند. مشکلی که مطرح می شود مربوط به اشکالی است که در مقایسه منافع افراد به وجود می آید و حتی ممکن است که این کار امکان پذیر نباشد. همین وضع باعث شده است که اقتصاددانان به دیدگاه مطلوبیت پارتو توجه نمایند. یعنی رسیدن به نقطه ای که نمی توان وضع یک نفر را بهبود بخشید، مگر اینکه به دیگری صدمه رسانید.

مطلوبیت گرایی (Utilitarianism)

چنین به نظر می رسد که کمتر تصمیمی که هیئت استانداردهای حسابداری مالی با آن روبه رو می شود مستلزم انتخابی شود که وضع بخشی از جامعه بهبود بخشد، ولی به هیچ کس صدمه نرزد. بیشتر گزینه ها مستلزم ارائه اطلاعاتی است که به موجب آنها به صورت بالقوه، ثروت از یک گروه به گروه دیگر منتقل می شود. به بیان دیگر، گزارشگری مالی دارای نتیجه های اقتصادی قطعی و مشخص می باشد.

همین نتیجه هاست که باعث می شود گروهی متخصص به نفع یا علیه برخی از پیشنهادها در برابر استانداردهای حسابداری مالی به رایزنی بپردازند و دیدگاه های تخصصی خود را ارائه نمایند.

یکی دیگر از راه هایی که می توان در زمینه آنچه اطلاعات مالی به استفاده کنندگان بالقوه صورتهای مالی ارائه می کنند مطرح نمود این است که از زاویه رویکرد وظیفه شناسی به قضیه نگاه کرد.

با توجه به هدف های ما، رویکرد مبتنی بر وظیفه شناسی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد :

الف) رویکرد مبتنی بر حقوق بشر

ب) رویکرد مبتنی بر عدالت

رویکرد مبتنی بر حقوق بشر (Human Rights)

تئوری های مبتنی بر حقوق بشر بر این اساس قرار دارند که ما بدان سبب که انسان هستیم دارای حقوق طبیعی می باشیم. حق دانستن یکی از این حقوق است. دولت متعهد است که خبرهای مربوط به اقدامات خود را به آگاهی عموم مردم برساند نه بدان سبب که این اقدام موجب افزایش رفاه اجتماعی می شود بلکه بدان سبب که، کسانی که رای می دهند دارای چنین حقی هستند.

از همین دیدگاه مردم حق دارند از اطلاعات مالی شرکتها آگاه شوند زیرا موجودیت شرکتها فقط با رضایت همین مردم میسر می شود.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری انگلیس به این نتیجه رسید که :

هدف اصلی گزارشات شرکت ها این است که معیارهای اقتصادی و اطلاعات مربوط به منابع و عملکرد واحد تجاری را برای کسانی که به صورت معقول حق دریافت این اطلاعات را دارند گزارش کند. این حق معقول زمانی وجود دارد که فعالیت های سازمان بر منافع یک گروه استفاده کننده اثر بگذارد یا امکان اثر گذاری آن وجود داشته باشد. حق مسلم گروه استفاده کننده آگاه بودن از اطلاعات این سازمان است.

بی طرفی (Neutrality)

یکی از معماهای هیئت استانداردهای حسابداری مالی این است که بسیاری از استانداردهای ارائه شده که دارای نتایج اقتصادی برای گروه های ذینفع است، به ضرر عده ای و به نفع عده دیگر است.

با این وجود، هیئت استانداردهای حسابداری همچنان دارای موضع عرضه اطلاعات بی غرضانه و بدون تعصب یا یکسوگیری است. این موضوع را می توان توسط تئوری حقوق بشر حل کرد:

شاید هرگز امکانپذیر نباشد تا استانداردهایی را تدوین کرد که منافع همگان در آن رعایت شود ، ولی شاید بتوان استانداردهایی را تدوین کرد که بر حق دانستن افراد به صورتی یکسان اثر بگذارد.

نظریه پردازان عدالت بر این باورند که فعالیت های درست نباید به وسیله اهداف و حقوق افراد هدایت بشود بلکه منصفانه بودن مسیر اقدامات مزبور را باید تعیین کرد.

در گزارش حسابرس رعایت انصاف به این معنی است که حسابرس اصول پذیرفته شده حسابداری را رعایت کرده است. دکتر اسکات (Scott) نظریه پرداز حسابداری در صدد برآمد استاندارد های حسابداری را بر پایه اصول زیر قرار دهد :

۱- عدالت (justice) - در مورد همه گروههای ذینفع در امور مالی مورد پوشش حسابها یکسان عمل شود.

۲- حقیقت (truth) - حسابها نباید به صورت وسیله ای برای ارائه گزارشات نادرست در آیند.

۳- انصاف (fairness) - رویه ها مقررات حسابداری و غیره نباید منافع گروه خاصی را تامین کند.

عدالت و انصاف (Justice and Fairness)

((موریس مونیتز)) رئیس واحد تحقیقات هیئت اصول حسابداری، با نقل قول از «اسکات» یادآور می شود که روش مفید یا سودمند حسابداری می تواند به راحتی به گونه ای مورد استفاده قرارگیرد که منافع گروه های خاصی مانند «جامعه تجاری ، سازمان های قانون گذاری، سرمایه گذاران یا ماموران مالیاتی را تامین کند.»

((جیمز پاتیلی)) استاد دانشگاه ایالتی لویی زینا ادعا کرد که ((هدف اصلی حسابداری مالی این است که از دیدگاه مالی، حقوق و منافع نسبی اقتصادی بخش هایی از سیستم اقتصادی را تامین نماید. رعایت انصاف نسبت به همه گروه ها یا بخشی های اقتصادی از جمله استانداردهای اصلی است که می توان بدان وسیله به این هدف دست یافت.))

((لئونارد اسپاسک)) رئیس سازمان حسابرسی ارتور اندرسن (یکی از ۵ شرکت بزرگ حسابداری آمریکا) چنین گفت: «همه استفاده کنندگان از صورت های مالی باید آنها را منصفانه بدانند و این صورتهای مالی باید به صورت مبنایی در آیند که بوسیله آن منافع متضاد استفاده کنندگان به روشی که موید یک روش قانونی و حافظ منافع و حقوق اقتصادی آنها باشد، مطرح شود.»

قرارداد (contracts)

گفتیم که موجودیت شرکت ها فقط در سایه رضایت عموم مردم میسر می گردد. برخی ها این رضایت را در قالب یک قرارداد تلویحی و آشکارا، ابراز می نمایند که بین شرکت و گروههای ذینفع بسته می شود.

فرض بر این است که طرف های قرارداد منافع خویش را به حدا کثر می رسانند. اساس فرض مزبور بر این گذاشته می شود که افراد درصدد به حداقل رسانیدن تلاش و فعالیت خود با هدف دست یابی به سطح معینی

از پاداش بر می آیند (در جایی که مقصود از به حداکثر رساندن فعالیت این است که هر جا امکان پذیر باشد افراد کم کاری خواهند کرد). مالک و مدیر می کوشند بر این رفتار نظارت کنند تا منافع خود را به حدا کثر برسانند، و از سوی دیگر میزان تلاشی را که در این راه به عمل می آورند به پایین ترین حد ممکن برسد.

روش دیگر «تئوری قرارداد» ، روش مبتنی بر رعایت «انصاف» است. از این دیدگاه قرارداد به این سبب نقض می شود که طرف دیگر می خواهد همان کار را به گونه دیگری انجام دهد. نقض هریک از این قراردادها به معنای نقض اصل «رعایت انصاف» است. از دیدگاه کسب منفعت، می توان «صداقت» را یک جایگزین ارزان قیمت برای «حسابرسی» دانست!

روش اثباتی در رابطه با اصول اخلاقی (a positive approach to ethics)

در زمان کنونی «اخلاق» (یا رعایت اصول اخلاقی) را روشی می دانند که فرد باید رفتار کند و یا رفتار نکند. می توان اخلاق (یا رعایت اصول اخلاقی) را مطالعه عادت هایی دانست که در واقع رفتار افراد را تعیین می نمایند. تئوری اقتصادی که بر اساس مطلوبیت گرایی قرار دارد، برای عادت ها و رسوم اهمیت لازم را قائل نمی شود.

چون به گذشته برگردیم، می توان مشاهده کرد که تصمیمات تحت تاثیر عرف یا عادت اجتماعی و محاسبات فردی قرار می گیرد. از دیدگاه مطلوبیت گرایی یا کسب سود می توان موضوع را بدین گونه توجیه کرد که هزینه حرکت خلاف جهت عرف و سنت بسیار زیاد است. ولی توجه کردن به این موضوع که کارهای زیادی است که برخی از افراد انجام نمی دهند موجب پیچیده تر شدن موضوع می شود. اغلب این استثناها نتیجه تصمیماتی است که برپایه این پرسش که چه چیز درست است ، اتخاذ می گردند. به این دلیل، اغلب اصول اخلاقی چارچوبی ارائه می کند که می توان تصمیمات را در آن چارچوب اتخاذ کرد.

هنوز هم کاربرد تئوری اصول اخلاقی در حسابداری دوران کودکی خود را میگذرانند. در این زمینه باید تحقیقات بیشتری انجام شود.

خلاصه (summary)

- ✓ بررسی هدفهای مربوط به مطالعه تصمیم گیری های فردی در حسابداری
- ✓ دیدگاه های تئوری هنجاری درباره نقش اطلاعات در فرآیند تصمیم گیری
- ✓ بررسی در سطح نمایندگی و سطح گروهی در تئوری هنجاری

✓ بررسی تئوری اثباتی و توان تجزیه تحلیل افراد و تعصبات فردی مثل مبنای اتکا و ثبات عملکرد شیوه تدوین سیاست های حسابداری و تدوین استانداردها و تحقیقات صورت گرفته

یکی از مسئله هایی که هنوز باید حل شود مربوط به شناخت رابطه مستقیم بین تئوری های بازار سرمایه و تصمیمات فردی است. تئوری بازار سرمایه بیانگر این است که بازار کارآست و نیز اینکه بازار در حال تعادل می باشد و با توجه به محدودیت های عمومی در دسترس ، قیمت های اوراق بهادار دارای یک رابطه بهینه با یکدیگر می باشند. تحقیق درباره رفتار فرد بیانگر این است که تصمیمات فردی کاملا، مطلوب نیست. اگر قرار است همه تصمیمات فردی به صورت کامل مطلوب نباشند چگونه می توان مجموعا تصمیمات را مطلوب نمود؟ شاید نتیجه تحقیقات آینده بتواند به این پرسش پاسخ دهد. ما تنها می توانیم فکر کنیم که یا بازار کارایی لازم را ندارد و یا اینکه تعداد تصمیمات شخصی اتخاذ شده به حد کافی بهینه بوده و یا اینکه تصمیمات به کمک الگوهای پیشرفته و یافته های عاری از تعصب ، بهینه شده است..

Setting

Accounting

Policy

تدوین خط مشی حسابداری

۱. تعریف خط مشیهای حسابداری.

۲. مقایسه دیدگاههای موافق و مخالف در تدوین مقررات برای خط مشیهای حسابداری .

۳. شرح اثر خط مشیهای حسابداری بر استفاده کنندگان مختلف گزارش های مالی.

۴. تفسیر دیدگاههای موافق در مورد نقش مناسب دولت در تدوین استانداردهای حسابداری.

۵. مقایسه مقررات حسابداری در ایالات متحده آمریکا با مقررات موجود در سایر کشورها.

نگاهی گذرا بر مهمترین عناوین فصل:

مقررات حسابداری: دیدگاه ی موافق و مخالف

در ۱۹۳۴ هیچ شاهد ومدرك تجربی در دست نبود مبنی بر این که تدوین مقررات حسابداری به وسیله کمیسیون بورس واوراق بهادار منجر به تامین هدف هایی خواهد شد که برای آن در نظر گرفته شده است .

مدارک وشواهدی دردست است مبنی بر این که کنگره آمریکا هنگام صدور دستور برای تشکیل کمیسیون بورس واوراق بهادار((حسابداری)) را به جای ((حسابرسی)) گرفته بود و ((حسابرسی)) را به عنوان ((کشف کلاهبرداری)) می دانست

مدارک وشواهد زیادی وجود دارد مبنی بر این که تدوین مقررات برای ارائه گزارشات مالی نتوانسته است مانع از کلاهبرداری های مالی بشود.

آیا اقدام ۱۹۳۴ عمل مناسبی بود ؟

در واقع آیا ساختار کنونی شیوه تدوین مقررات مربوط به گزارشگری مالی به نفع مردم عادی آمریکا ست؟

مقررات : دواى درد يا بلاى جان

منتقدان علاوه بر تئوری ((ارو)) چندین دلیل ارائه می نمایند. در اینجا سه دلیل ارائه می شود.۱- مقررات ریشه در بحران دارند.۲- تدوین کنندگان مقررات مقهور کسانی می شوند که مقررات بر آنها اعمال می گردد.۳- تدوین کنندگان مقررات به جای اینکه دارای ابتکار عمل باشند حالت انفعالی به خود می گیرند.

ریشه در بحران : نظریه پردازان همواره یاد آور می شوند که تقریباً همیشه مقررات در واکنش به بحران های مشخص مطرح می شوند. نمونه قابل ذکر این است که مقررات مالی شرکتها در ایالات متحده آمریکا با بحران بازار سهام در ۱۹۲۹ آغاز شد.

تئوری تسخیر شدگان:

قانون گذار در خدمت تامین منافع کسانی است که برای آنان قانون تدوین می کند واز همین دیدگاه یک سازمان گسترده مورد حمایت به وجود می آورد. بسیاری بر این باورند که کمیسیون بورس واوراق بهادار از این قاعده مستثناست.

اقدام انفعالی :

منتقدان به این موضوع اشاره می کنند که تدوین مقررات حالت انفعالی دارد، یعنی همیشه قانون گذار خود را در آخرین صحنه مبارزه می بیند. برای مثال هیات اصول حسابداری در مورد مقررات مناسب برای مدیریت بر تجمیع منافع ابراز نظر نکرد تا این که انفجار سرمایه گذاری که موجب رشد سریع این شیوه عمل شده بود به پایان خود نزدیک شد.

دولت مردمی

وضع استانداردهایی که منافع مدیریت را تامین نکند، باعث خواهد شد که، بی چون و چرا توزیع ثروت از دست مدیریت خارج شود. با توجه به سنت مردم سالاری، نقش دولتی که به وسیله مردم انتخاب می شود این است که با توجه به رای اکثریت مردم، ثروت را توزیع کند. طبق قانون اساسی حسابداران این حق را ندارند که بر ثروت عده ای بیفزایند به ضرر عده ای دیگر.

از این رو ناچاراً نتیجه های اقتصادی ایجاب می کند که تدوین استانداردها از دست حسابداران خارج شود و در اختیار دولت قرار گیرد.

مقایسه تدوین استانداردها با تدوین قانون :

فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری را می توان با تدوین قانون مقایسه کرد دادگاهها این اجازه را دارند که طبق قانون و با توجه به رویدادها و شکایتهای قبلی به شکایتهای مطرح رسیدگی و رای نهایی صادر کنند. ولی در ایالات متحده آمریکا تصور بر این نیست که دادگاهها قوانین را تدوین نمایند. این وظیفه بر عهده دولت است. درباره اینکه چگونه باید قوانین را تفسیر کرد به صورت بسیار دقیق یا با اندکی سهل انگاری، اختلاف نظر وجود دارد، ولی تردیدی نیست که قوانین باید به خواسته و اراده مردم تدوین شوند. آنچه در مورد قانون صادق است در مورد حسابداری هم صادق است. هیات استانداردهای حسابداری مالی اختیارات خود را از کمیسیون بورس و اوراق بهادار می گیرد و کمیسیون بورس و اوراق بهادار هم به وسیله اعضای کنگره آمریکا به وجود آمده و اعضای آن به وسیله نمایندگان مردم منصوب می شوند. از این رو هیات استانداردهای حسابداری مالی در برابر کنگره واز مجرای کنگره در برابر نهاد سیاست گذاری آمریکا مسئول و پاسخگو است.

تفویض اختیارات برای اجرای عملیات:

پس از پذیرفتن این دیدگاه که دولت باید نقش محوری ایفا کند، بلافاصله این مطلب را هم اضافه کرد که نقش دولت نباید بدین گونه ایفا شود که مقررات را به صورت مستقیم تدوین نماید. دولت می تواند دستور دهد که سازمانهای خاصی از طرف آن نهاد این وظیفه را انجام دهند.

کنگره آمریکا کمیسیون بورس و اوراق بهادار هیئت استانداردهای حسابداری مالی

با این استنباط که هیات مزبور مجری خواسته های کمیسیون بورس و اوراق بهادار خواهد بود. ولی کنگره آمریکا هیچ گاه نمی تواند همه مسئولیتهای خود را به نهاد دیگری تفویض کند.

هرگاه مسئله تضاد منافع مطرح می شود، طبق سیستم مردم سالاری باید به رای مردم روی آورد. یک نمونه از این مورد مربوط به استانداردی بود که برای صنعت نفت و گاز ارائه شد.

تفویض اختیارات طبق قانون

دولت هنگام تدوین مقررات، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، نیازی ندارد که هر لحظه به موضوع توزیع ثروت توجه کند. بلکه آن می تواند نهادهایی با قدرت سیاسی به وجود آورد، که بنابر فرض نشان دهنده خواست مردم است.

در مورد ایالات متحده آمریکا چنین به نظر می رسد که کنگره از طریق کمیسیون بورس اوراق بهادار به حسابداران اجازه می دهد که یک سیستم حسابداری به وجود آورند که ثبات رویه و قابل مقایسه بودن از ویژگیهای آن باشد. صرف نظر از اثری که سیستم مزبور بر ثروت خواهد گذاشت.

نقش هیات استانداردهای حسابداری مالی :

۱- هیات استانداردهای حسابداری مالی خط مشی هایی را تدوین می کند که مورد قبول همه بخش ها باشد

۲-FASB باید خط مشی ها را بشناسد و خود را با منافع مردم هماهنگ کند.

وظیفه هیات این است که گروههای ذینفع مختلف را از خط مشی های مطرح و مورد بحث و نیز نقاط قوت این خط مشی ها آنها را آگاه سازد. اگر در این مرحله یک توافق نظر به وجود نیاید، آنگاه FASB ناگزیر خواهد شد که از طریق کمیسیون بورس اوراق بهادار این مسئله را به کنگره آمریکا منتقل کند تا راه حلی ارائه گردد.

فرآیند تغییر استانداردهای حسابداری و شیوه تصویب قانون :

گاهی فرآیند تغییر استانداردهای حسابداری را با شیوه تصویب قانون تشبیه می کنند. قوانین هم اثرات گسترده ای دارند. بنابراین کنگره قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وبا نظارت دادگاهها قوانین را تصویب می کند.

هنگامی که چارچوب نظری را به عنوان قانون اساسی مطرح کردیم بین قانون و حسابداری نوعی تشابه به وجود آمد. الزامی ندارد که استانداردهای حسابداری ، به صورت مستقیم از چارچوب نظری استخراج شود، درست به همان گونه که هر قانون جدیدی را به صورت مستقیم از قانون اساسی ایالات متحده آمریکا استخراج نمی کنند، ولی آنها باید در این چارچوب قرار گیرند.

اصول حسابداری و سیاست:

بحث در مورد استانداردهای حسابداری اغلب در قالب مقایسه اصول و سیاست مطرح می شود. روش سیاسی درست نقطه مقابل روش فنی (مبتنی بر فناوری) است.

ولی مطلب مورد بحث این است که هر یک از این روشها باید از روش دیگر حمایت کند. در واقع نقش هیئت استانداردهای حسابداری مالی این است که تحقیقاتی را به عهده گیرد و برای شیوه اندازه گیری سود و تعیین ارزش قواعدی را تدوین کند. ولی نقش مزبور در سایه یک فرآیند سیاسی به هیات داده شد.

در جستجوی توافق نظر:

کلید موفقیت هیات استانداردهای حسابداری مالی در این است که بتواند گروههای ذینفع را به توافق نظر برساند. برای سازمانی مثل FASB تئوری ((Arrow)) آزردهنده است، زیرا تئوری مزبور مدعی است که این نهاد علی رغم اینکه سعی خود را می نماید که به شیوه مردم سالار اداره شود، ولی اعضای هیات خواستههای خود را بر گروههای ذینفع تحمیل می کنند، مگر در مواردی که در رابطه با پیشنهادها به اکثریت آرا برسند. نیازی نیست که در مورد نتیجه های خاص این نوع توافق نظر به عمل آید . تنها کافی است که همگان درباره شیوه تدوین استانداردهای حسابداری به توافق برسند.

توافق نظر در نهایت به صورت عبارتی در می آید که آن را ((اصول پذیرفته شده حسابداری)) می نامند. آنچه روشن نیست این است که چه کسانی باید این اصول را پذیرفته باشند.

نتیجه :

هدف خط مشی های حسابداری در سطح ملی ، این است که فاصله بین افشای اطلاعات شرکتها ، روشهای سنجش و اندازه گیری و روش ارائه اطلاعات در صورتهای مالی و گزارشگری مالی را کاهش داد و نیز مقدار و کیفیت اطلاعاتی را که در گزارشات مالی منتشر می شوند، تغییر داد.

از این رو تاثیر خط مشی های حسابداری تدوین شده به وسیله هیئت استانداردهای حسابداری مالی، کمیسیون بورس و اوراق بهادار و سایر سازمانها این است که میزان اختیارات شرکتها را در ارائه صورتهای مالی و گزارشات محدود کنند.

▶ مروری بر فصل :

۱. هدف از ارائه اطلاعات مربوط به جریان های نقدی

۲. ارائه صورت جریان وجه نقد و پیش بینی آن

۳. محاسبه سود و مقایسه تعاریف آن

سرمایه و سود، دو مفهوم اساسی حسابداری محسوب می شوند که هر دو در نهایت به جریان وجه نقد، زیربنای آن بستگی دارند. بنابراین، در تحلیل نهایی، جریانهای ورود و خروج وجه نقد از واحد انتفاعی، اصولی ترین رویدادهایی است که اندازه گیریهای حسابداری بر آن مبتنی می باشد و قاعدتاً سرمایه گذاران و اعتباردهندگان بر مبنای آن تصمیم گیری می کنند.

سرمایه و سود از دیدگاه حسابداران :

▶ حسابداران معمولاً سرمایه را مترادف ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام عادی در نظر میگیرند و سود را مترادف سود خالص تعلق گرفته به سهامداران عادی تلقی می کنند.

سرمایه و سود از دیدگاه اقتصادی:

- ▶ سرمایه عبارت است از ارزش همه پول هایی که در اختیار واحد انتفاعی قرار گرفته است بنابراین سرمایه شامل تمامی دیون، سهام ممتاز و سهام عادی و سایر اوراق بهادار منتشر شده توسط واحد انتفاعی می باشد.
- ▶ سود را می توان مبلغی تعریف کرد که توسط سهامداران و اعتباردهندگان تحصیل می شود. سود مبتنی بر این تعریف، غالباً سود واحد انتفاعی نامیده می شود تا از سود خالص متعلق به سهامداران عادی، متمایز گردد. به بیان دیگر، سود واحد انتفاعی سودی است که هزینه های بهره و تامین مالی از آن کسر نشده است.

▶ اهمیت وجه نقد در ارتباط با سرمایه و سود :

وجه نقد در ارتباط با سرمایه و سود به این دلیل حایز اهمیت است که معرف قدرت خریدی است که می توان در اقتصاد بازار به اشخاص یا موسسات دیگر انتقال داد تا به مصرف تهیه کالاها و خدمات مورد نیاز خود برسانند. بنابراین، بسیاری از اندازه گیریهای حسابداری بر جریان وجوه نقد در گذشته، حال و انتظارات آینده مبتنی می باشد.

- ▶ درآمد فروش (**Revenue**): معمولاً بر مبنای خالص وجه نقدی که انتظار می رود از فروش کالا و خدمات تحصیل گردد اندازه گیری میشود.

- ▶ هزینه (**Expenses**): معمولاً بر مبنای وجه نقد پرداخت شده یا وجه نقدی که انتظار می رود برای تحصیل کالا یا خدمات پرداخت شود اندازه گیری میشود.

- ▶ تعهدات (**Accruals**): تخصیص بخشی از دریافت ها و پرداخت های نقدی اتی به دوره جاری

- ▶ اقلام انتقالی (**Deferrals**): انتقال بخشی از دریافتها و پرداختهای نقدی گذشته به دوره جاری یا دوره اتی

- ▶ اندازه گیری تئوریک دارایی ها و بدهی ها و سود حدود زیادی بر گردش واقعی وجوه نقد یا مورد انتظار مبتنی میباشد مثلاً در اندازه گیری دارایی ها، ارزش فعلی یک قلم دارایی غالباً به عنوان ارزش تنزیل شده دریافتهای نقدی خالصی که می توان از به کار گیری آن تحصیل کرد تعریف میشود. بدهی ها نیز

بر حسب ارزش تنزیل شده وجوه نقدی که در آینده پرداخت خواهد شد اندازه گیری میگردد . با این ترتیب ، سود را نیز می توان بر اساس تغییرات وجوه نقد مورد انتظار تعریف کرد .

▶ اهمیت گزارش جریان های نقدی

۱. گزارش نمودن جریان های نقدی به عنوان عاملی برای پرهیز از یکسونگری و تعصب در تهیه گزارش های مالی

۲. صورت جریان های نقدی به عنوان مکملی برای صورت سود و زیان و ترازنامه

دیدگاه اوجین فوگم در خصوص رد کردن تئوری های مبتنی بر ارزش های جاری:

محاسبه سود و زیان صوری از طریق اعمال معیار های عینی برای تعیین فروش و ارزش خالص دارایی های شرکت (به قیمت بازار) زمانی که با وجوه تحقق یافته هیچ رابطه ای ندارد ، باعث خواهد شد که مدیریت با سود هایی روبه رو شود ، ولی شاید هیچ گاه دارای وجوه نقد برای پرداخت سود یا سرمایه گذاری مجدد نباشد .

▶ هدف از ارائه اطلاعات مربوط به جریان وجوه نقد

OBJECTIVE OF CASHFLOW INFORMATION

▶ هدف اصلی حسابداری از دیدگاه FASB:

هدف اولیه حسابداری این است که به سهامداران و سایر استفاده کنندگان امکان دهد که انتظارات خود را گردش وجوه نقد آتی شکل دهند. یعنی گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را ارائه کند که به سرمایه گذاران فعلی و آتی و همچنین اعتبار دهندگان کمک کند تا مبالغ زمانبندی و ابهام مربوط به دریافتهای نقدی مربوط به سود سهام یا بهره و وجوه حاصل از فروش، باز خرید یا سر رسید شدن اوراق بهادار را ارزیابی کنند .

اشخاصی که وجوه خود را در اختیار واحد انتفاعی قرار می دهند، مانند دارندگان سهام ممتاز، عادی و اعتبار دهندگان، انتظار دارند که برای پول خود بازدهی کسب کنند که از نرخ بهره بازار، در سرمایه گذاری های واجد مخاطره مشابه، کمتر نباشد. به بیان دیگر، ارزش فعلی وجوه نقدی که از سرمایه گذاری مورد نظر تحصیل می شود نباید کمتر از وجوه سرمایه گذاری شده باشد یعنی ارزش فعلی خالص سرمایه گذاری بزرگتر از صفر باشد.

ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی: NPV

برای بدست آوردن ارزش فعلی میتوان از رابطه ریاضی زیر استفاده کرد

در رابطه بالا:

$$CF_j = \text{جریان وجوه نقد در سال } j$$

$$R = \text{نرخ بهره بازار}$$

$$V_0 = \text{ارزش فعلی سرمایه‌گذاری در دوره زمانی صفر، و}$$

چنانچه مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه مساوی 1 فرض شود، سرمایه‌گذار بالقوه در صورتی به سرمایه‌گذاری تمایل نشان می‌دهد که باشد.

▶ چنانچه بتوان جریان‌های آتی وجوه نقد را برای هر یک از سرمایه‌گذاران برآورد کرد و در اختیار آنان قرار داد وضعیت بسیار مناسبی پدید می‌آید. اما نه می‌توان جریان‌های آتی وجوه نقد را با قطعیت برآورد کرد و نه ارائه گزارش‌های انفرادی از لحاظ هزینه قابل توجیه است. بنابراین جایگزین عملی برای چنین گزارش‌هایی، ارائه اطلاعات درباره گردشهای نقدی گذشته واحد انتفاعی بطور کلی می‌باشد.

اینک می‌توان گفت گردش وجوه نقد در گذشته می‌تواند مبنای مناسبی را برای پیش‌بینی گردش وجه نقد در آینده فراهم کند. با این ترتیب هر یک از سرمایه‌گذاران می‌توانند برآوردی از سهم خود را از کل گردش وجوه نقد واحد انتفاعی محاسبه نمایند. محاسبه ارزش فعلی جریانهای نقدی به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کنند.

می‌توان معادله ارزش فعلی قبلی را مجدداً در سطح واحد انتفاعی به شرح زیر ارائه کرد:

در رابطه بالا:

$$TV_j = \text{ارزش کل واحد انتفاعی در دوره زمانی } j \text{ و}$$

$$ENCF_j = \text{جریان وجوه نقد مورد انتظار واحد انتفاعی در دوره زمانی } j$$

▶ بنابراین، دلیل اصلی تهیه و ارائه صورت جریان وجوه نقد تاریخی در سطح واحد انتفاعی این است که به سهامداران و اعتباردهندگان امکان می‌دهد که واحد انتفاعی را با فرض تداوم فعالیت آن ارزشیابی کنند.

این ارزش می‌تواند در مدل سرمایه‌گذاری هر یک از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان گنجانده شود و مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد.

▶ ارزش فعلی و ارزش بازار

Present Value And Market Value

نرخ بازده داخلی : چنانچه ارزش یک سرمایه‌گذاری بیش از بهای تمام شده آن باشد سرمایه‌گذار بازدهی بیش از نرخ بهره بازار در طول مدت سرمایه‌گذاری تحصیل می‌کند این نرخ بازده معمولاً با اصطلاح نرخ بازده داخلی یا نرخ بهره موثر مورد اشاره قرار می‌گیرد .

در بازار کارا رقابت بین سرمایه‌گذاران باعث می‌شود که نرخ کسب شده از محل سرمایه‌گذاری بر اساس نرخ بهره بازار تعیین شود و در نتیجه ارزش اوراق بهادار با بهای تمام شده آنها برابر شود لذا در بازار کارا: به عبارتی قیمت اوراق بهادار سرمایه‌گذاری شده با ارزش جریان های نقدی مورد انتظار برابر است.

از رابطه فوق می‌توان رابطه زیر را استنتاج کرد:

▶ برآورد مبلغ و زمان بندی گردش وجه نقد آتی ،اجزای اصلی و حساس مدل های قیمت گذاری واحد انتفاعی و اوراق بهادار مربوط محسوب می شوند .برآورد مخاطره مربوط به واحد انتفاعی در تعیین نرخ بازده بازار که در تنزیل گردش وجوه نقد در آینده مورد استفاده قرار می گیرد موثر است و عاملی اساسی به شمار می آید.

▶ هر قدر افشای اطلاعات مالی اثر بخش تر باشد، انتظارات ایجاد شده درباره مبلغ، زمان بندی گردش وجوه نقد صحیح تر خواهد بود. هر چه انتظارات مزبور صحیح تر باشد قیمت گذاری سرمایه گذاری مربوط نیز کارآمدتر خواهد بود. اوراق بهاداری که با کارایی کم، قیمت گذاری می‌شوند، یعنی خوش بینی بیش از حد لازم در مورد گردش وجوه نقد آتی آن وجود داشته است، موجب زیان سرمایه‌گذاران مربوط خواهد شد.

▶ سود خالص برای پیش‌بینی وجه نقد

Net Income As A Predictor Of Cash

بدیهی است در مواردی که مدیریت واحد انتفاعی توزیع سود سهام را بر مبنای درصدی از سود خالص تعیین می‌کند، می‌توان براساس پیش‌بینی سود خالص، سود سهام آتی را نیز برآورد کرد. اما در تصمیم‌گیری درباره توزیع سود سهام، پارامترهای متعدد دیگری نیز مدنظر قرار می‌گیرد. مانند:

۱. در دسترس بودن وجه نقد

۲. فرصتها و هدفهای واحد انتفاعی در ارتباط با رشد سرمایه و توسعه

۳. خط مشی واحد انتفاعی در مورد تامین مالی از خارج از شرکت

▶ اما یکی از نارساییهای جدی سود خالص گزارش شده به عنوان پیش‌بینی کننده سود سهام آتی این است که در بسیاری از موارد، مقابله هزینه‌ها با درآمد فروش مناسب نیست. و ماهیت بسیاری تخصیص‌های حسابداری نیز اختیاری می‌باشد.

▶ استفاده از گردش وجه نقد برای پیش‌بینی سود سهام آتی نارسایی ذکر شده بالا را ندارد مگر در مواردی که مدیریت زمان بندی برخی از دریافتها و پرداختهای نقدی را تغییر دهد.

▶ نقدینگی، توان واریز بدهیها و انعطاف‌پذیری مالی

Liquidity, Solvency, Financial Flexibility

اطلاعات مربوط به توان واریز بدهیها و انعطاف‌پذیری مالی به این دلیل مفید است که:

۱. به پیش‌بینی ارزش‌های مورد انتظار کمک می‌کند.

۲. پیش‌بینی احتمالات بازده‌های آتی را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳. سرمایه‌گذاران را در ارزیابی مخاطرات یاری می‌کند.

▶ نقدینگی عبارت است از توان نسبی واحد انتفاعی در تبدیل داراییها به وجه نقد که بعضاً با عنوان نزدیکی دارایی به وجه نقد مورد اشاره قرار می‌گیرد. نقدینگی همچنین ارتباط بین بدهیهای کوتاه مدت واحد انتفاعی را با وجوه نقد و داراییهای نزدیک به وجه نقد ارزیابی می‌کند.

▶ توان واریز بدهیها به توان واحد انتفاعی در تحصیل وجه نقد یا در دست داشتن وجه نقد برای تامین نیازمندیهای مربوط اشاره دارد.

▶ انعطاف‌پذیری مالی به معنای توان واحد انتفاعی در تامین وجه نقد در فاصله کوتاهی از دریافت اطلاع درباره نیازمندیهای مالی پیش‌بینی نشده یا پیدا شدن فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری می‌باشد.

▶ اهمیت توان واریز بدهی ها :

اهمیت توان واریز بدهی‌ها در این است که بقای واحد انتفاعی و تداوم فعالیت آن را امکان پذیر می‌سازد. نبود توان واریز بدهی‌ها می‌تواند به ورشکستگی، تصفیه اجباری و از دست رفتن حقوق سهامداران و اعتبار دهندگان منجر شود. چنانچه نبود توان واریز بدهی‌ها به ورشکستگی نیز منجر نشود ممکن است موجب تجدید ساختار بدهی و حقوق سهامداران و تحمل زیان سهامداران و اعتبار دهندگان گردد. در برخی موارد حتی احتمال نبود واریز بدهی‌ها نیز می‌تواند موجب تحمل زیان سهامداران و اعتبار دهندگان بشود زیرا این مخاطره موجب واکنش منفی بازار اوراق بهادار یعنی کاهش قیمت سهام و اوراق قرضه یا افزایش آتی هزینه تامین مالی از طریق استقراض یا افزایش سرمایه خواهد شد .

▶ ارائه و پیش‌بینی اطلاعات مربوط به جریان وجوه نقد

The Presentation And Prediction Of Cash Flow Information

سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان می‌توانند با در اختیار داشتن انواع اطلاعات مرتبط با گردش وجه نقد به شرح زیر نسبت به پیش‌بینی توزیع وجوه نقد آتی توسط واحد انتفاعی اقدام کنند:

۱. جریان وجوه نقد مربوط به عملیات اصلی جاری واحد انتفاعی
۲. جریان وجوه نقد اتفاقی یا احتمالا مکرر غیر مرتبط با عملیات جاری واحد انتفاعی
۳. جریان وجوه نقد لازم برای افزایش تاسیسات عملیاتی و موجودیها یا تحصیل آن از طریق فروش اقلامی که برای عملیات آتی ضرورت ندارد.
۴. وجوه نقد بدست آمده یا پرداخت شده به دارندگان اوراق قرضه و سهامداران به عنوان بخشی از تامین مالی واحد انتفاعی.
۵. پرداخت بهره و سود سهام به سرمایه‌گذاران دارای اولویت، مانند سهامداران ممتاز

▶ طبق FASB شکل صورت جریان وجوه نقد شامل سه بخش زیر است:

۱. صورت دریافتها و پرداختهای عملیاتی

۲. صورت فعالیتهای تامین مالی

۳. صورت فعالیتهای سرمایه‌گذاری

▶ انتقادات وارده به شکل صورت جریان وجه نقد

▶ برخی از واحد های انتفاعی کماکان تمایل دارند که وجوه نقد حاصل از فعالیت های عملیاتی را به صورت غیر مستقیم تهیه کنند. یعنی با سود خالص شروع کنند و تعدیلات لازم را برای محاسبه خالص وجوه نقد حاصل از فعالیتهای مرتبط با عملیات به عمل آورند اما این روش موجب مخفی ماندن بسیاری از اطلاعات میشود و کنار گذاشتن آن ارجح است.

▶ برخی از صاحبان نظران نیز معتقدند که بعضی از اقلام باید در طبقه بندی های دیگری منظور شوند مثلاً بهره پرداختی یا سود سهام دریافتی به جای اینکه در فعالیتهای عملیاتی طبقه بندی شوند در فعالیتهای سرمایه گذاری لحاظ گردند. اما موضع هیات استاندارد های حسابداری مالی این است که اطلاعات تفصیلی در صورت گردش وجوه نقد ارائه شود تا استفاده کنندگان بتوانند راساً طبقه بندی مطلوب خود را انجام دهند.

دیدگاه های ضد و نقیض در مورد ماهیت معادل وجه نقد :

▶ از دیدگاه هیات استاندارد های حسابداری مالی :

FASB معتقد است معادل وجه نقد عبارت است از سرمایه گذاری های کوتاه مدت با قدرت نقدینگی بسیار بالا که سر رسید نهایی آنها حداکثر سه ماه است.

▶ از دیدگاه هیات اصول حسابداری :

APB معادل وجه نقد را در سطح گسترده تری تعریف می کند و آن را سرمایه گذاری های کوتاه مدت منهای وام های کوتاه مدت می داند.

دیدگاه های ضد و نقیض در مورد معاملات غیر نقدی :

▶ از دیدگاه هیات استاندارد های حسابداری مالی :

FASB پیشنهاد کرده است اطلاعات مربوط به معاملات غیر نقدی مانند خرید اموال از طریق تامین مالی همزمان بایستی در یادداشت های پیوست صورتهای مالی افشا شوند چون در غیر این صورت موجب ابهام و سر در گمی خواهد شد .

▶ استاندارد های کانادایی مقرر می کنند که این اقلام بایستی در صورت جریان های نقدی گزارش شوند (هنوز هم ضد و نقیض ها و جود دارد)

▶ پیش بینی گردش وجه نقد در آینده

Prediction Of Future Cash Flow

از مشکلات پیش بینی توزیع سود سهام میان سهامداران می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. وابستگی بسیاری از گردش های نقدی با یکدیگر

۲. نبود آگاهی سرمایه گذار از نیاز واحد انتفاعی به نگهداری وجوه نقد یا افزایش آن

۳. عدم آگاهی سرمایه گذار درباره دیدگاه های واحد انتفاعی درباره توزیع سود سهام یا سرمایه گذاری وجوه نقد موجود یا وجوه نقد قابل تحصیل از طریق تامین مالی

پیش بینی وجوه نقد مورد انتظار برای هزینه های سرمایه ای :

مخارج سرمایه آتی نوعا تابعی از موارد زیر می باشد:

ساختار سنی دارایی های موجود

نیاز به ایجاد ظرفیت اضافی برای تامین وجوه نقد عملیاتی مورد انتظار

نرخ رشد آتی و گسترش فعالیت های شرکت

▶ معمولا برای پیش بینی وجوه نقد مورد نیاز برای هزینه های سرمایه ای بایستی به موارد زیر توجه کرد

:

۱. استفاده از اطلاعات تاریخی مربوط

۲. انتظارات و بر آورد های مدیریت

۳. تفاوت بین هزینه های سرمایه ای مربوط به رشد و توسعه و هزینه های سرمایه ای مربوط به جایگزین کردن دارایی ها

تمایز بین مخارج سرمایه ای رشد و جایگزینی:

- ▶ مخارج سرمایه ای جایگزینی: اصولاً تابعی از ساختار سنی دارایی ها و عمر مفید مورد انتظار آن هاست .
- ▶ مخارج سرمایه ای رشد: تابعی از نرخ رشد پیش بینی شده برای فروش شامل محصولات جدید و همچنین میزان به کار گیری ظرفیت موجود می باشد.
- ▶ اندازه گیری سود

Income Measurement

- ▶ حسابداران به دو مفهوم اقتصادی برای تعریف سود استناد می کنند :
 - ▶ این دو مفهوم اقتصادی عبارتند از:
 ۱. تغییر در میزان رفاه (بهبود سطح رفاه)
 ۲. حداکثر کردن سود تحت شرایط مشخص ساختار بازار، تقاضا و بهای تمام شده عوامل تولید
- این مفاهیم بطور ضمنی در تعریف هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB) به شرح زیر نیز مطرح شده است:
- «سود جامع عبارت است از تغییر در حقوق صاحبان سرمایه واحد انتفاعی طی یک دوره ... (بیانگر مفهوم حفظ سرمایه)
- آزمون موفقیت (یا شکست) عملیات یک واحد انتفاعی نیز میزان فزونی وجوه نقد دریافتی (یا کسری آن) نسبت به وجوه نقد مصرف شده (سرمایه گذاری شده) در بلندمدت می باشد.» (به حد اکثر رساندن سود)
- تعاریف سرمایه و سود از دیدگاه های مختلف :

- ▶ تعریف ایروینگ فیشر :

سرمایه گذاران و وام دهندگان علاقه مندند بدانند:

-توان واحد انتفاعی در پرداخت سود و توزیع سود سهام

- تغییرات خالص در توان واحد انتفاعی برای تامین جریان های اتی وجه نقد

- رشد بالقوه واحد انتفاعی

▶ **آدام اسمیت:** سود مبلغی است که می توان مصرف کرد بدون آنکه سرمایه کاهش یابد.

▶ **هیگز:** سود مبلغی که شخص می تواند طی یک دوره مصرف کند و در پایان دوره، همان رفاه اول دوره را داشته باشد.

▶ به طور کلی سود معرف مبلغ مازاد نسبت به حفظ ثروت قبل از مصرف آن است.

▶ اگر ارزش خالص دارایی های شرکت در پایان دوره ۸۰هزار دلار و در آغاز دوره ۷۶ هزار دلار باشد در صورت انجام نشدن معامله بر روی سرمایه و نپرداختن سود تقسیمی سود ۴۰۰۰دلار خواهد شد. اگر سهام اضافی به مبلغ ۱۱۰۰۰دلار به فروش رفته باشد و طی دوره سود تقسیمی به مبلغ ۸۰۰۰دلار پرداخت شده باشد سود به ۱۰۰۰دلار می رسد.

$$(۸۰۰۰۰ - ۷۶۰۰۰) + (۸۰۰۰ - ۱۱۰۰۰) = \text{سود}$$

به عبارت جبری اگر W نشان دهنده رفاه باشد:

▶ مقایسه سود فردی با سود واحد تجاری

Individual versus entity income

تغییر در ثروت سهامداران اصلی + (سرمایه پرداخت شده - سود تقسیمی) = سود خالص سهامداران اصلی

$$= \Delta MASHW_j + SHCF_j$$

تغییر در ثروت سهامداران اقلیت + (سرمایه پرداخت شده - سود تقسیمی) = سود خالص سهامداران اقلیت

$$= \Delta MISHW_j + MICF_j$$

تغییر در ثروت دارندگان اوراق قرضه + (باز پرداخت ها + وام های جدید - بهره) = سود خالص دارندگان اوراق قرضه

$$= LCF_j + \Delta LW_j$$

ادغام این سه جریان سود باعث می شود کل سود واحد تجاری بدست آید

تغییر در ثروت سهامداران و اعتبار دهندگان + جریان نقدی سهامداران و اعتبار دهندگان = سود واحد تجاری

تغییر در ثروت واحد تجاری + جریان نقدی واحد تجاری

ماهیت دقیق سود به شیوه ای بستگی دارد که ثروت واحد تجاری بر آن اساس محاسبه می شود و جریان نقدی واحد تجاری در تمام حالات یکسان است، این همگونی جریان های نقدی بیانگر اهمیت ارائه اطلاعات راجع به آن است

۱- ارزشیابی واحد انتفاعی با بکارگیری ارزش های ورودی (بهای تمام شده تاریخی یا ارزش جاری) برای دارایی های غیر پولی و افزودن ارزش فعلی دارایی های پولی و سپس کسر بدهی ها

۲- مجموع قیمت های فروش دارایی های شرکت و کسر مجموع بدهی ها

۳- خالص گردش وجوه نقد یا خدماتی که انتظار می رود طی عمر شرکت تحصیل شود

۴- ارزشیابی واحد انتفاعی بر مبنای ارزش جاری سهام منتشر شده شرکت در بورس اوراق بهادار

► مفروضات

در هر یک از روش ها فرض می کنیم:

الف: قدرت خرید پول در طی زمان ثابت است.

ب: ثروت را می توان با معیاری معقول محاسبه و بر حسب واحد پول بیان کرد

۱) بر مبنای ارزش های ورودی

۱-۱) ارزش ورودی تاریخی

۲-۱) ارزش ورودی جاری

ارزش های ورودی تاریخی

Historical input prices

بهای تمام شده تاریخی نشان دهنده وجه نقد یا معادل آن که برای تحصیل کالاها یا خدمات در تاریخ تحصیل پرداخت می شود.

این روش معمولاً نشان دهنده سود سنتی حسابداری است .

سود حسابداری عبارت است از تفاوت بین درآمد تحقق یافته ناشی از معاملات دوره و هزینه های مربوط به آن

نقاط ضعف سود حسابداری :

معمولاً در بیان نقطه ضعف سود حسابداری موضوع مربوط بودن سود حسابداری در تصمیم گیری ها مورد پرسش قرار می گیرد :

۱- به دلیل رعایت اصل بهای تمام شده تاریخی و تحقق درآمد سود حسابداری

نمی تواند افزایش ارزش تحقق نیافته دارایی ها را در دوره زمانی مشخص

شناسائی کند .

۲- تکیه بر سود حسابداری (که مبتنی بر اصل بهای تمام شده است) کار مقایسه را بسیار مشکل می کند .

۳- نسبتهای مالی ممکن است گمراه کننده یا نامربوط باشند .

۴- به دلیل اتکای آن به تخصیص های استهلاک و مفهوم حسابداری تحقق درآمد معرف واقعیت های اقتصادی نیست.

۵- تغییرات ثروت به دلیل تغییر ارزش های بازار (به جز در موارد بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار) لحاظ نمی شود.

ارزش های ورودی بر اساس ارزش های جاری

Current input prices

ارزش جاری نشان دهنده ی وجه نقد یا معادل آن که در حال حاضر برای تحصیل یا جایگزینی کالاها یا خدمات باید پرداخت شود.

حسابداری بر مبنای بهای جایگزینی کاربرد این روش را نشان می دهد.

ویژگی های این روش:

۱- کاربرد ارزش جایگزینی به عنوان ویژگی عناصر تشکیل دهنده ی صورت های مالی

۲- تقسیم بندی سود و زیان حاصل از نگهداری ارقام بر حسب مقادیر تحقق یافته و تحقق نیافته

۳- به بیان کلی تر سود در این روش هم سود عملیاتی را در بر می گیرد هم سود حاصل از نگه داری دارایی ها.

▶ محاسبه سود طبق این روش:

در این روش محاسبه سود مشابه روش ارزش های تاریخی است اما سود محاسبه شده شامل سود یا زیان غیر عملیاتی ناشی از تغییر قیمت ها نیز می باشد، صرف نظر از این که از طریق فروش تحقق یافته باشد یا تحقق نیافته باشد.

تغییر در ثروت بر اساس قیمت جاری ارقام ورودی + جریان نقدی = سود

▶ ایراد وارده به ارقام ورودی جاری:

اغلب اقتصاد دانان بر این باورند که سود را باید بر مبنای مقادیر واقعی بیان کرد و هنگامی که سطح عمومی قیمت ها تغییر می کند، اگر ارزش سرمایه در زمان های مختلف بر حسب واحد پولی در همان زمان محاسبه شود، نتیجه ای بدست می آید که نمی تواند نشان دهنده تغییر واقعی در سرمایه باشد. لذا بسیاری از صاحب نظران توصیه کرده اند ارزش سرمایه بر اساس تغییر سطح قیمت ها تعدیل شود.

در مواردی که سطح عمومی قیمت ها تغییر می کند (تغییر در قدرت خرید پول)، اندازه گیری سود از طریق مقایسه ارزشهای اسمی سرمایه در مقاطع مختلف زمان تغییر در سرمایه واقعی را نشان نمی دهد.

✓ پیشنهاد صاحب نظران:

باید ارزش سرمایه بر اساس تغییر سطح قیمت ها تعدیل شود تا سود بر حسب قدرت خرید ثابت محاسبه شود.

جاری

خروجی

▶ ارزش

Current output prices

ارزش خروجی جاری نشان دهنده ی مبلغی از پول نقد است که می توان بر اساس آن یک قلم دارایی را فروخت یا یک بدهی را تمدید کرد. مفهوم ارزش خروجی جاری را مکنیل ارائه کرد و سپس استرلینگ و چامبرز آن را تایید کردند و گسترش دادند. چامبرز پیشنهاد کرد که به جای ارزش خروجی از عبارت “معادل نقد جاری” استفاده شود.

ویژگی ها:

۱- از دیدگاه روش ارزش خروجی جاری همه ی دارایی ها و بدهی ها بر مبنای خالص ارزش بازیافتنی تجدید ارزش می شوند. معمولاً خالص ارزش بازیافتنی بر اساس مظنه ی بازار تعیین می شوند که با توجه به هزینه های برآوردی فروش تعدیل می گردند.

۲- حسابداری مبتنی بر خالص ارزش بازیافتنی حالتی از حسابداری مبتنی بر ارزش خروجی جاری است که ویژگی اصلی این سیستم اینست که برای شناسایی درآمد اصل تحقق به طور کلی نادیده گرفته می شود.

▶ محاسبه سود طبق روش ارزش خروجی جاری

تغییر در ارزش بازار تک تک دارایی ها + جریان نقدی واحد تجاری = سود واحد تجاری

ارزشیابی بر اساس قیمت های فروش در بازار یا قیمت های قابل تحقق دارایی های واحد تجاری می باشد که بدهی ها از آن کم می شود. به بیانی دیگر این قیمتی است که هنگام انحلال بدست می آید.

در واقع قیمت ها در این روش معرف مبلغی است که از فروش تک تک هر یک از دارایی ها تحصیل می گردد. در حالی که ارزش کل شرکت بدلیل وجود سرقتی یا سایر دارائی های نامشهود بیشتر از جمع مبلغ فروش جداگانه تک تک دارائی ها خواهد بود. بدیهی است اگر چنین حالتی پیش نمی آمد انحلال شرکت و فروش دارائی ها در بازار مقرون به صرفه تر بود.

▶ نقاط قوت این روش:

۱) مفهوم اقتصادی فرصت از دست رفته در این سیستم مطرح است که عبارتست از ارزش نقدی که از فروش یک قلم دارایی به دست می آید یا ارزش فعلی منافی که در سایه ی استفاده از دارایی بدست می آید. در

تصمیم گیری در مورد اینکه آیا شرکت باید هنوز هم از دارایی هایی که به کار گرفته است استفاده کند یا آنها را بفروشد این مفهوم اهمیت بسیاری دارد.

۲) ارزش خروجی جاری اطلاعات لازم و مربوط را ارائه می کند که بر آن اساس می توان انعطاف پذیری مالی و قدرت نقدینگی را مورد ارزیابی قرار داد. از اینرو شرکتی که دارای دارایی هایی است که قدرت نقدینگی خوبی دارند برای انعطاف پذیری و سازگاری با تغییراتی که در شرایط اقتصادی رخ می دهد در مقایسه با شرکتی که دارای دارایی هایی است که دارای هیچ ارزش فروشی نمی باشند یا ارزش فروش آنها کم است از فرصت بیشتری می تواند استفاده کند.

۳) این روش برای مدیری که وظیفه ی مباشرت خود را انجام می دهد رهنمود های بهتری ارائه می کند، زیرا این عدد منعکس کننده ی مصرف منابع در زمان کنونی و سایر گزینه های پیش رو برای تصمیم گیری است.

۴) استفاده از این روش مسئله ی نیاز به تخصیص هزینه بر مبنای عمر مفید برآوردی دارایی را حل می کند. برای مثال هزینه ی استهلاک برای یک سال مشخص عبارتست از تفاوت بین ارزش خروجی جاری دارایی در آغاز و پایان دوره

▶ نقاط ضعف این روش

▶ خالص گردش وجوه نقد به عنوان ارزش واحد تجاری

ارزش واحد تجاری:

تلقى ارزش مورد انتظار توزیع نقدی سود میان سهامداران طی عمر باقی مانده واحد انتفاعی بعلاوه احتساب مبالغ نهایی مورد انتظار هنگام انحلال.

ویژگی ها:

- ۱- سود این روش به ندرت همانند سود خالص حسابداری می باشد زیرا طبق محاسبات بالا سود مبلغی است که پس از حفظ ارزش بازار باقی می ماند .
- ۲- سود محاسبه شده به روش تلقی گردش وجه نقد به عنوان ارزش واحد تجاری، سود اقتصادی نامیده می شود (سود خالص حسابداری بهترین تقریب از سود اقتصادی است)

- ۱- انتظارات مربوط به گردش وجود نقد در آینده، را نمی توان به قطعیت تبدیل کرد، زیرا اولویت استفاده کنندگان از اطلاعات در مواجهه با مخاطره ، معلوم نیست.
- ۲- تأکید این روش بر عامل زمان و گردش وجه نقد مورد انتظار است و سایر رویدادها و فعالیت های اقتصادی نادیده گرفته می شود.
- ۳- سود حاصل از این روش، سود حاصل از فعالیتهای مدیریت را از سود تحصیل شده به دلیل سایر رویدادها متمایز نمی کند و نمی توان کارایی مدیریت را سنجید.
- ۴- ارزش واحد تجاری با تنزیل تمامی موارد گردش وجه نقد مورد انتظار در آینده ای نامحدود، محاسبه شده که بسیاری از آنها با فعالیت های جاری یا گذشته مرتبط نیست.
- ۵- در این روش قبل از محاسبه سود، باید گردش وجوه نقد آتی پیش بینی شود پس در صورت نبود ابهام، لزومی برای محاسبه سودآوری وجود ندارد چون این سود از قبل معلوم است.
- ۶- در صورت وجود ابهام و عدم قطعیت ،انتظارات تا حدودی به خوش بینی و بد بینی های موجود در زمان حاضر بستگی دارد و نمی توان در مواجهه با ابهامات ثبات رویه داشت.

► ارزش فعلی سرمایه در شرایط نامطمئن

از نقطه نظر فنی نمی توان بر مبنای ارزش فعلی ، آینده واحد تجاری را برآورد کرد . اما هر فرد می تواند درباره سود بصورت انفرادی برآوردهایی انجام دهد.

اگر شرایط نامطمئن باشد ما برای مقادیر مورد انتظار با یک توزیع احتمال روبرو خواهیم بود. این احتمالات می تواند نسبت به هر شخص متغیر باشد ولی مجموع احتمالات باید یک باشد.

ارزش مورد انتظار بدست آمده بستگی به برآورد ذهنی هر فرد دارد .

در شرایط نامطمئن ، نرخ بازده بدین گونه تعریف می شود :

نرخ مورد انتظار ذهنی برای سرمایه گذاری در دارائی هایی با ریسک برابر

برای محاسبه سود با نرخ مبتنی بر قضاوت ذهنی دو شرط لازم است :

۱ - انتظارات آینده تغییر نکند.

۲ - وجوه نقدی که در سال نخست به دارندگان اوراق بهادار پرداخت می شود نسبت به وجوه نقد پرداختی مورد انتظار آینده تغییر نکند .

► نکات خاص در روش ارزش فعلی

استفاده از روش ارزش فعلی برای محاسبه سود باعث می شود تا به مفاهیم سودمند در مورد سود دست پیدا کنیم . از جمله :

* در این روش بخش اصلی سود همان بهره ای است که براساس قضاوت ذهنی تعیین می شود . این عدد تابع عوامل از قبیل : زمان، نرخ بهره مورد انتظار و جریان نقدی مورد انتظار می باشد .

* تغییرات در انتظارات نسبت به جریانهای نقدی آینده به علت تغییرات در عواملی

چون « قضاوت در مورد کارائی یا عدم کارائی مدیریت » یا « شرایط اقتصادی »

(از قبیل تغییر در سلیقه ها) بوجود می آید . همچنین این تغییرات می تواند نتیجه

خوش بینی یا بدبینی عموم نیز باشد .

* تفاوت بین وجه نقد واقعی آماده برای تقسیم سود و آنچه که از قبل مورد انتظار بوده ممکن است در نتیجه سود یا زیان های غیرمترقبه ای باشد که منشاء آنها اتفاقات خارج از شرکت بوده است که عامل دیگر اشتباه در تخمین انتظارات اولیه است .

► معایب روش ارزش فعلی

۱-انتظارات نسبت به جریان وجوه نقد در آینده را نمی توان به ارزش های یگانه همراه با قطعیت تبدیل کرد .

۲-تاکید این روش بر عامل زمان و گردش موردانتظار وجوه نقد بوده و سایر رویدادها و فعالیتهای اقتصادی را نادیده گرفته است .

۳- سود بدست آمده در این روش ، سود حاصل از فعالیت های مدیریت را از سود

تحصیل شده به دلیل رویدادهای اتفاقی متمایز نمی کند و نمی تواند کارایی و اثربخشی مدیریت را ارزیابی کند

۵- ارزش شرکت با تنزیل وجوه نقد مورد انتظار در آینده ای نامحدود بدست می آید و فعالیت ها و واقعیت های حال و گذشته شرکت را در نظر نمی گیرد .

۶- در این روش قبل از محاسبه سود باید گردش مورد انتظار وجوه نقد آتی را پیش بینی کرد . بنابراین در صورت نبود ابهام لزومی برای محاسبه سودآوری وجود ندارد زیرا سود از قبل معلوم شده است . (به اصطلاح درشکه را جلوی اسب قرار می دهند در حالی که باید درشکه را پشت سر اسب گذارده و به آن ببندند).

۷- در مواجهه با ابهامات نمی توان ثبات رویه داشت، زیرا در صورت وجود عدم قطعیت، انتظارات به خوش بینی ها و بدبینی های موجود در زمان بستگی دارد.

پرداخت های نقدی یک شرکت در ۵ سال آینده به شرح زیر خواهد بود:

فرض کنید در شرایط اطمینان هستیم، نرخ تنزیل مناسب نرخ بهره ی بدون ریسک خواهد بود که در اینجا ۵٪ فرض می کنیم.

ارزش فعلی در آغاز سال اول

$$100 \times 0.9524 = 95$$

$$300 \times 0.9070 = 272$$

$$200 \times 0.8638 = 173$$

$$400 \times 0.8227 = 329$$

ارزش فعلی در پایان سال اول

$$300 \times 0.9524 = 286$$

$$200 \times 0.9070 = 181$$

$$400 \times 0.8638 = 346$$

$$500 \times 0.8227 = 411$$

$$500 \times 0.7835 = 392$$

۱۲۲۴

۱۲۶۱

-

XX	جریان نقدی که انتظار می‌رود در پایان سال اول بدست آید
XX	(+) ارزش فعلی جریان های نقدی مورد انتظار در پایان سال اول
XX	کل ارزش شرکت در پایان سال اول با فرض اینکه هیچ مبلغی به سهامداران پرداخت نشود
(XX)	(-) ارزش فعلی جریان های نقدی مورد انتظار در آغاز سال اول
XX	سود برای سال اول

سود حسابداری سود مبتنی بر ارزش های تاریخی است ولی سود اقتصادی سود متعلق به آینده است که مبتنی بر جریان های نقد مورد انتظار در آینده است. در حقیقت سود خالص حسابداری مبلغ مازاد پس از حفظ ارزش های خالص دفتری است ولی سود اقتصادی مبلغ مازاد پس از حفظ ارزش بازار است. سود خالص حسابداری بهترین تقریب از سود اقتصادی محسوب می شود.

در این روش قبل از محاسبه سود باید گردش وجوه نقد آتی پیش بینی شود. در صورت نبود ابهام (شرایط اطمینان) لزوم می برای محاسبه سود وجود ندارد.

ارزش فعلی در شرایط عدم اطمینان:

در شرایط عدم اطمینان نرخ بازده را نرخ مورد نظر برای سرمایه گذاری در دارایی هایی با ریسک مشابه تعریف می کنند همچنین آن را هزینه فرصت از دست رفته نیز می شناسند. نرخ تنزیل را نرخ بازده ذهنی نیز تعریف می کنند از این رو ادواردز و بل سود اقتصادی را سود ذهنی تعریف می کنند.

متغیر هایی که در رابطه ی محاسباتی ارزش فعلی گنجانده شده اند تنها انتظاراتی هستند که دستخوش تغییر قرار خواهند گرفت. فرض کنید مبلغ ۱۰۰ دلار در پایان سال اول حاصل شود ولی جر یانات نقدی برای ۴ سال آینده طبق انتظار کنونی در هر سال به ۴۰۰ دلار برسد (و نه ۳۰۰، ۲۰۰، ۴۰۰ و ۵۰۰ دلار) سود سال نخست به شرح زیر خواهد بود:

۱۰۰	جریان های نقدی مورد انتظار در پایان سال اول
۱۴۱۸	ارزش فعلی جریان های نقدی مورد انتظار در پایان
۱۵۱۸	سال اول مربوط به ۴ سال باقیمانده (انتظارات تعدیل شده)
	کل ارزش شرکت در پایان سال اول.
(۱۲۶۱)	(-) ارزش فعلی جریان های نقدی مورد انتظار در ابتدای سال (انتظارات اولیه)
۲۵۷	سود برای این سال

این سود از ارقام زیر تشکیل شده است:

۶۳	سود مورد انتظار
<u>۱۹۴</u>	افزایش در ارزش شرکت
۲۵۷	کل سود

اما دیدگاه دیگر اینست که با توجه به تغییر در انتظارات ارزش اولیه ی شرکت دیگر رقم ۱۲۶۱ دلار نیست بلکه ۱۴۴۶ دلار است یعنی:

۷۲	سود مورد انتظار (0.5×1446)
<u>۱۸۵</u>	تعدیل ارزش اولیه ی شرکت (۱۲۶۱ - ۱۴۴۶)
۲۵۷	افزایش در ارزش فعلی

ارزشیابی واحد انتفاعی در بازار:

در بازارهای سرمایه کارا، قیمت اوراق بهادار یک واحد انتفاعی برابر با ارزش فعلی گردش وجوه نقد مورد انتظار خواهد بود به عبارت دیگر می توان از بازار به عنوان جایگزینی برای تلقی گردش وجوه نقد آتی به عنوان ارزش واحد انتفاعی استفاده کرد. قیمت های بازاری که در این روش مورد استفاده قرار می گیرند مربوط به کل واحد انتفاعی است و ارتباطی به یکا یک دارایی های مجزا ندارد. به عبارت دیگر این قیمت ها معرف ارزشیابی واحد انتفاعی با فرض تداوم فعالیت است .

ارزش بازار دارایی های واحد انتفاعی در این روش مساوی ارزش بازار تمامی بدهیها و اقلام حقوق صاحبان سرمایه منعکس در صورت وضعیت مالی می باشد. در مورد شرکت های سهامی عام که اوراق بهادار آنان در بورس مبادله می شود این ارزش ها به آسانی در دسترس است



ارزشیابی واحد تجاری بر مبنای ارزش بازار

قیمت اوراق بهادار یک واحد تجاری = ارزش فعلی گردش وجوه نقد مورد انتظار

ارزش بازار دارایی های واحد تجاری = ارزش بازار تمامی بدهی ها و حقوق صاحبان سرمایه منعکس شده در صورت وضعیت مالی

$$ENINC_j = \text{سود واحد تجاری در دوره مالی } j$$

$$ENCF_j = \text{گردش وجه نقد واحد تجاری در دوره مالی } j$$

$$\Delta TMV_j = \text{تغییر در ارزش کل واحد انتفاعی در دوره مالی } j$$

۱- انتظارات بازار جایگزین انتظارات افراد میشود و نتیجه ارزشیابی، قابل رسیدگی مجدد است. که بر ارزشیابی گردش وجه نقد آتی از طریق بازار مبتنی می باشد. نرخ بازده و تعدیل بازار برای مخاطره نیز می تواند با نرخ تنزیل به کار گرفته شده توسط حسابداران متفاوت باشد.

۲- ارزش بدست آمده تنها معیاری از سرمایه است که قابل تفسیر و مبتنی بر ارزش های واقعی بازار است یعنی منصفانه می باشد

۳- به کارگیری ارزش های بازار، مدل آشکاری را برای رابطه مالی بین شرکت و سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان به دست می دهد.

► انتقادات وارد بر روش ارزش بازار

۱- برخی از صاحب نظران در انتقاد به روش بالا اظهار می دارند که قیمت های موجود در بازار مربوط به تعداد محدودی از سهام شرکت است و اگر کل سهام شرکت مورد مبادله قرار گیرد قیمت ها متفاوت خواهد بود .

۲- برخی دیگر نیز عقیده دارند که عوامل خارجی و یا تصمیمات ناشی از هوس های زودگذر بر قیمت های بازار تاثیر می گذارد و یا عاری نبودن قیمت ها از تعصبات می تواند قابلیت اثبات قیمت ها را خدشه دار کند.

۳- ولی با در نظر گرفتن فرض بازار کارا این عوامل منتفی خواهند بود . قبلا می دانیم که در یک بازار کارا قیمت ها به سرعت و بدون جانبداری تعیین می گردند .

► سیر تاریخی صورت گردش وجه نقد:

► برای سالهای متمادی ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت سود و زیان انباشته همراه با افشای موارد توصیفی و برخی جزئیات از طریق یادداشت ها و جداول مکمل مجموعه کامل صورت های مالی را تشکیل می داد. شناخت این واقعیت که با تهیه و ارائه این مجموعه صورت های مالی دلایل کلیه موارد تغییر در وضعیت مالی افشا نمی شود نهادهای حرفه ای حسابداری در کشورهای مختلف را به فکر تحقیق در این زمینه انداخت. شاید بتوان گفت نخستین چاره جویی در این زمینه "صورت از کجا آمده و به کجا رفته است" بود. در این صورت تنها فهرستی از موارد افزایش و کاهش در در ارقام ترازنامه انعکاس می یافت.

► سیر تاریخی صورت گردش وجه نقد:

تفاوت عمده استاندارد ایران با استاندارد FASB در تهیه و ارائه صورت جریان وجه نقد :

► ۱- عدم شمول ارقام معادل وجه نقد در تعریف وجه نقد در استاندارد ایران

► ۲- تفکیک بازده سرمایه گذاری ها شامل درآمد بهره سود سهام دریافتی و بهره پرداختی از سود عملیاتی و تفکیک سهام پرداختی از فعالیتهای تامین مالی و درج هر چهار مورد در سر فصل جداگانه

- ▶ ۳- تفکیک مالیات بر درآمد از سود عملیاتی و گنجاندن آن در سر فصلی جداگانه
- ▶ ۴- در تهیه صورت تطبیق به جای سود خالص از سود عملیاتی شروع می شود بنابراین برای تعدیل سود خالص نیازی به تعدیل سود و زیان های غیر عملیاتی و اقلام غیر مترقبه نمی باشد.
- ▶ وجوه افتراق در طبقه بندی صورت جریان وجه نقد بر اساس استاندارد ایران و FASB:
- ▶ خلاصه:

سود به عنوان مبلغ مازاد پس از حفظ رفاه تعریف می شود در مورد واحد های انتفاعی رفاه به منزله ارزش این واحد ها تلقی می گردد. سود سهامداران را می توان به عنوان خالص گردش وجه نقد به اضافه تغییر در ارزش سهام واحد انتفاعی تعریف کرد. با تغییر تعریف ارزش می توان تعاریف متنوعی از سود را ارائه کرد. هر یک از این مفاهیم نیز به مفهوم حفظ سرمایه و ثروت ارتباط دارد.

مفهوم حفظ سرمایه مستلزم ارزشیابی کل دارایی ها و بدهی های مشخص در اول و آخر هر یک از دوره های مالی است. تغییر دارایی ها و بدهی ها طی دوره مالی با وجوه نقد ایجاد شده توسط واحد انتفاعی ترکیب می شود تا سود آن واحد را طی آن دوره بدست دهد. معیار دقیق سودی که با استفاده از این رویکرد محاسبه می شود بستگی به طریقه ارزشیابی دارایی ها و بدهی ها دارد.

سود سنتی حسابداری بر معیارهای بهای تمام شده تاریخی دارایی ها و بدهی ها تاکید دارد. سود اقتصادی نیز بر ارزش کلی واحد انتفاعی در بازار اتکا می کند. سایر روش ها برای ارزشیابی دارایی ها و بدهی ها شامل اندازه گیری های مبتنی بر انتظارات مربوط به گردش وجه نقد آتی یا قیمت بازار دارایی ها می باشد.

رویکرد حفظ سرمایه برای اندازه گیری سود مزایای متعددی دارد اما ایراد عملی آن اینست که مربوط ترین معیار سرمایه یعنی ارزش کل واحد انتفاعی در بازار تنها برای شرکت های سهامی عام فعال در بورس در دسترس است. مشکل دیگر این روش این است که اطلاعات مبسوط درباره فعالیت های عملیاتی مشخص واحد انتفاعی ارائه نمی شود اما به هر صورت در مواردی که بتوان ارزش های بازار را بدست آورد این روش با اهمیت ترین مکمل برای سود سنتی حسابداری و نتیجه ای مفید از اطلاعات مربوط به گردش وجه نقد محسوب میشود.

موضوع: مفاهیم سود

سود به عنوان شاخصی از عملکرد شرکت مورد توجه می باشد.

داشتن هدفهای مختلف در ارائه گزارش موجب می شود تا برای سود تعاریف مختلفی وجود داشته باشد که در این میان سود جامع و سود عملیات جاری در دو سر طیفی قرار می گیرند که در آن برای سود رقمهای مختلف با هدفهای متفاوت بدست می آید.

تحقیقات تجربی نشان داده است که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی است و هم حسابداران و هم سرمایه گذاران خواستار محاسبه آن هستند.

نتایج تحقیق پن کاف و ویرجیل:

✓ سود هر سهم و فروش یکی از مهمترین ابزار جهت ارزیابی عملکرد

✓ سود هر سهم نمی تواند یک اثر کلی و فراگیر بر انتظارات همه افراد بگذارد.

چند انتقاد مهم به سود حسابداری در قالب سنتی وارد است که عبارتند از:

- فرمول روشنی برای محاسبه سود حسابداری ارائه نشده است.
- مبنای نظری بلند مدت برای محاسبه آن وجود ندارد.
- طبق اصول پذیرفته شده حسابداری هیچ نیازی نیست که سود دوره ای شرکت های مختلف داری ثبات رویه باشد.
- تغییر در سطح قیمت ها توانسته است معنی سودی را که بر اساس دلارهای تاریخی محاسبه می کنند، تغییر دهد.
- برای سرمایه گذاران و سهامداران از دیدگاه تصمیم گیری برای سرمایه گذاران، شاید اطلاعات دیگری مفیدتر باشد.

اما چند راه حل پیشنهادی برای انتقادهای وارد شده :

✓ تلاش شود ارائه سود بهبود یابد آن هم بوسیله محاسبه سود بر داده های متعلق به معاملات و فرایند مبتنی بر روش تعهدی،

✓ توجه و تایید روی سود عملیاتی که می تواند نشانه‌ای از توانایی شرکت برای پرداخت سود تقسیمی باشد،

✓ توافق عمومی در مورد یک مفهوم سود که به سود اقتصادی هم نزدیکتر باشد،

✓ با توجه به هدف های مختلف چندین نوع سود محاسبه شود،

✓ شیوه های محاسبه فعالیت های اقتصادی باید جایگزین روشهای مزبور گردند.

❖ - استفاده‌کنندگان از سود دارای اهداف مختلفی هستند بنابراین ما یا باید مفهومی از سود را انتخاب کنیم که بتواند بیشتر هدف‌ها را به شیوه‌ای معقول و منصفانه تامین نماید و یا چندین سود با هدف‌های متفاوت محاسبه کنیم. هدف اصلی گزارش مالی این است که برای کسانی که به گزارشهای مالی بیشتر علاقه دارند (با توجه می کنند) اطلاعات مفیدی ارائه شود. یکی از هدف‌های اصلی، که بنا بر فرض، برای همه استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی دارای بیشترین اهمیت است نیاز به تفکیک "سرمایه" از "سود" می باشد و این بخشی از فرایند توصیفی حسابداری می باشد.

اما هدف‌های خاصی را می‌توان برای سود گزارش شده قائل شد از جمله:

معیاری برای سنجش کارایی مدیریت،

استفاده از سودهای تاریخی برای پیش بینی سود های آتی،

استفاده از سود در تصمیمات داخلی مدیریت،

استفاده از سود برای تعیین مالیات،

استفاده از سود توسط اقتصاددانان برای تخصیص منابع و ...

در زیرمفهوم سود را از سه دیدگاه بررسی می کنیم :

الف- دیدگاه ساختاری

ب- سود از دیدگاه تفسیری

ج- سود از دیدگاه رفتاری یا عملگرایی

الف- دیدگاه ساختاری

سود حسابداری مجموعه‌ای از اقلام مثبت و منفی است که بسیاری از آنها محتوای تفسیری ندارند. چنانچه یکی یا برخی از این اقلام فاقد محتوای تفسیری اما در عین حال با اهمیت باشند، سود خالص منتج از آن نیز فاقد اهمیت تفسیری خواهد بود، اگر چه ممکن است حاوی اطلاعات مرتبط با بازار سرمایه نیز باشد.

استاندارهای حسابداری مالی و بسیاری از نویسندگان اعتقاد دارند که رقم سود در الگوهای تصمیم‌گیری موثر است اما نمی‌توان قابل اعتماد بودن این مفروضات را از دیدگاه تجربی اثبات کرد. "بد فورد" اعتقاد دارد که سود حسابداری را فقط می‌توان در سایه آگاهی از شیوه محاسبه آن درک کرد.

روش مبتنی بر رویدادهای مالی برای محاسبه سود :

رویکرد معاملاتی در اندازه‌گیری از سود کم و بیش رویکرد سنتی در حسابداری محسوب می‌شود. در این رویکرد، تغییرات ارزشیابی دارایی‌ها و بدهیها تنها در صورتی که منتج از معاملات، عملیات و سایر رویدادهای مالی باشد ثبت می‌گردد. رویکرد معاملاتی، با مفهوم شناخت در زمان فروش یا مبادله و میثاق بهای تمام شده حسابداری ملازمه و هماهنگی دارد.

مزایای عمده رویکرد معاملاتی به شرح زیر است:

۱. می‌توان اجزای تشکیل دهنده سود خالص را به روش‌های مختلف طبقه‌بندی نمود و اطلاعات مفیدتری به مدیریت ارائه کرد.

۲. سود ناشی از منابع مختلف جداگانه محاسبه می‌شود.

۳. نوع، مقدار و ارزش موجودی‌ها در پایان هر دوره را می‌توان تعیین کرد.

۴. تهیه صورت‌های مختلفی امکان پذیر می‌شود که ضمن همبستگی و پیوستگی بایکدیگر، موجب درک بهتر اطلاعات نیز می‌شود.

❖ روش کلی در رویکرد بالا این است که در آمد فروش و هزینه ها هنگام وقوع بر اثر معاملات خارجی ثبت گردد.

روش مبتنی بر فعالیت ها برای محاسبه سود:

بر اساس رویکرد فعالیت، سود هنگامی ایجاد می شود که فعالیتها و رویدادهای مشخص واقع شود. مثلا، سود فعالیت، در خلال برنامه ریزی، تولید، فرایندهای فروش و فرایند وصول مطالبات ثبت می گردد. بکارگیری این رویکرد در واقع بسط و توسعه رویکرد معاملاتی است. هر دو رویکرد، از لحاظ ناتوانی در انعکاس واقعیتها در اندازه گیری سود مشابه یکدیگرند زیرا، بر ارتباطات ساختاری و مفاهیمی اتکا دارند که همتایی در دنیای واقعی ندارد.

❖ یکی از مزایای رویکرد فعالیت این است که این رویکرد، اندازه گیری مفاهیم مختلف سود را برای مقاصد متنوع امکان پذیر می سازد.

ب- سود از دیدگاه تفسیری

حسابداران در تعریف سود به دو مفهوم اقتصادی تکیه می کنند:

❖ تغییر در میزان رفاه

❖ حداکثر کردن سود تحت شرایط معین ساختار بازار، تقاضا برای محصول و اقلام بهای تما شده.

سود به عنوان معیار کارایی:

کارایی مدیریت منجر به ایجاد سود تقسیمی جاری می شود که بخشی از آن هم برای سرمایه گذاری مجدد با هدف ایجاد جریان سود تقسیمی استفاده می شود. حتی سهامداران بالقوه یا آتی هم سهمی در ارزیابی مدیریت شرکت دارند.

استاندارد شماره ۱ از مفاهیم حسابداری مالی در مورد تعیین کارایی چنین گفته است:

گزارشهای مالی باید درباره ی عملکرد مالی شرکت طی یک دوره، اطلاعاتی ارائه کنند.

کارایی یک واژه "نسبی" است و زمانی معنا خواهد داشت که عملکردی را با یک مبنای آرمانی یا مبنای دیگری بسنجد بنابراین اگر سرمایه بکار گرفته شده در سال های متمادی یکسان باشد خود رقم سود می تواند معیاری

برای سنجش کارایی باشد اما اگر سرمایه گذاری ها در سال های مختلف متفاوت باشد سود را با عوامل دیگری مانند کل مبلغ سرمایه گذاری شده مقایسه کرد.

مقایسه سود حسابداری با سود اقتصادی:

تهیه کنندگان و استفاده کنندگان اطلاعات مالی در سالهای متمادی کوشش کرده اند که بر سود خالص حسابداری محتوای اقتصادی نیز نسبت دهند. کانون توجه این کوشش ها برقراری ارتباط بین نرخ بازده سرمایه گذاری از یک سو نرخ بازده داخلی از سوی دیگر بوده است. که این ارتباط مبنای تدوین تئوری برآورد قرار گرفت. که در آن بر سود گزارش شده تأکید می شود. چون سرمایه گذاران می توانند به وسیله آن نرخ بازه ی کل شرکت و در نتیجه جریان های نقدی آتی و ارزش فعلی شرکت را پیش بینی کنند.

استهلاک حسابداری - هزینه - درآمد = سود خالص حسابداری

استهلاک اقتصادی - هزینه - درآمد = سود خالص اقتصادی

تغییر مورد انتظار در نرخ تورم که باعث تغییر نرخ تنزیل می شود عوامل عرضه و تقاضا که بر ریسک شرکت اثر می گذارد و..... باعث می شود تا حسابداران نتوانند استهلاک اقتصادی را محاسبه نمایند. بنابراین می توان گفت کار حسابداری این نیست که سود اقتصادی را محاسبه کنند بلکه وظیفه ی آنها این است که اطلاعاتی به بازار ارائه نمایند تا سرمایه گذاران بتوانند سود اقتصادی را محاسبه نمایند.

محاسبه سود برای تعداد زیادی از افراد:

یکی دیگر از مشکلات محاسبه سود اقتصادی وجود ریسک در محیط اقتصادی است و انسان ها بر اساس سطح ریسک پذیری متفاوت تفسیری متفاوتی از داده ها خواهند داشت.

ریچارد بریف می گوید: تلاشی انجام گرفت تا با ارائه دلیل ثابت کند که مسئولیت حسابداران این بود که با بیان واقعیت های تاریخی و حقایق خشک و بی روح مسأله های مرتبط با دنیای نامطمئن را به حداقل برساند.

ج- سود از دیدگاه رفتاری یا عملگرایی

مفاهیم سود در سطح عمل به موارد زیر مربوط است:

۱. فرایندهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان

۲. واکنش قیمت اوراق بهادار در بازار سرمایه نسبت به سود گزارش شده

۳. تصمیمات مدیریت درباره مخارج سرمایه‌ای و واکنش مدیران و حسابداری در برابر بازخورد اطلاعات.

سود به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌بینی

افراد تمایل دارند خالص جریان نقدی شرکت در آینده را ارزیابی کنند اما این کار را از طریق محاسبه سود و تبدیل آن به جریان‌های نقدی انجام می‌دهند. بنابراین فرض می‌شود بین سود و جریان‌های نقدی رابطه‌ای وجود دارد. برای آزمون این فرضیات عده‌ای دنبال "خلاصه شاخص‌ها" رفتند داده‌هایی هستند که موفقیت و شکست نسبی شرکت را نشان می‌دهند مانند سود هر سهم و عده‌ای هم، با استفاده از روش ارزش شرکت در صدد برآمدن تا احتمال ورشکستگی شرکت را پیش‌بینی کنند.

ارزش جاری یک شرکت و ارزش یک سهم آن بر جریان سود آینده بستگی دارد سهامداران نیز بر این اساس تصمیم به نگهداری یا فروش سهم می‌کنند. بنابراین هم برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی و هم برای استفاده از جریان‌های نقدی برای ارزشگذاری شرکت نیاز به محاسبه‌ی سود است.

روش مبتنی بر بازار سرمایه:

اگر فرض بازارهای کارای نیم‌قوی را در نظر بگیریم سود هر سهم گزارش شده یا سود هر سهم پیش‌بینی شده می‌تواند به صورت مستقیم بر قیمت بازار سهام عادی اثر بگذارد.

"ری بال" و "فیلیپ براون" مدارک و شواهدی در تایید این‌که قیمت اوراق بهادار در مسیری همانند تغییر سود هر سهم (حسابداری) تغییر می‌کند ارائه نمودند.

دلیل آن این می‌تواند باشد که اوراق بهادار به همان رویدادهایی واکنش نشان می‌دهد که سود هر سهم در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد.

اما همبستگی بین سود هر سهم و قیمت سهام ناقص است:

۱. قیمت در برگیرنده عوامل متعددی است مانند شایعه جنگ یا تغییر نرخ بهره اوراق خزانه،

۲. برخی از نوسانات سود هر سهم ناشی از تغییرات در قوانین حسابداری است مثل تغییر استهلاک اثر آنی بر روند اقتصادی ندارد.

۳. سود هر سهم به تنهایی چیزی برای گفتن ندارد و تنها انحراف این عدد از آنچه مورد انتظار بود می‌تواند اطلاعاتی ارائه کند.

❖ یک نکته: باید ویژگی‌های سلسله زمان سود را در نظر بگیریم چون هر چقدر هم مدیریت خوب باشد ثبات رشد سودآوری به عوامل محیطی نیز وابسته است.

سود از دیدگاه روش مبتنی بر قرار دادها:

در این حالت برای بسیاری از روابط قانونی و قراردادی به صورت یک مبنا در می‌آید بدون توجه به اینکه از لحاظ تفسیری (بار لغوی واژه) دارای معنی باشد.

نقطه قوت این روش اینست که نباید به جنبه تفسیری سود توجه نمود.

طرفداران این روش می‌گویند جامعه می‌تواند هر نوع مقرراتی را تدوین کند بدون توجه به اینکه واقعا معنی خاصی از قانون حاصل شود یا خیر.

چه اقلامی را باید در محاسبه ی سود گنجانید ؟

یکی از هدف‌های عمده‌ی شرکت‌ها اینست که مقادیر سود تقسیمی ، ارزش انحلال شرکت ، ارزش شرکت در پایان دوره و یا ارزش شرکت در مقاطع مشخص زمانی را به حد اکثر برسانند .

ولی مهمترین هدف‌های محاسبه‌ی سود، شرکت‌ها را ملزم میکند تا سود را برای دوره های کوتاه مدت تر محاسبه نمایند تا بتوان بدان وسیله برای اعمال کنترل ابزاری ارائه کرد و سهامداران، بستانکاران و مدیریت بتوانند بر اساس دوره‌های زمانی یا به صورت مستمر بر پایه‌ی این اطلاعات تصمیماتی را اتخاذ نمایند.

اما دو مشکل محاسبه‌ی سود بر مبنای کل عمر شرکت:

۱. این سود ها برای تصمیم گیری نمی‌توانند خیلی مفید باشند (به موقع نیستند)

۲. عدد مزبور نمی تواند علت های موفقیت یا شکست شرکت را نشان دهد(منابع و علل ایجاد سود نا مشخص باقی می ماند)

بعضی حسابداران عقیده دارند که سود خالص باید اطلاعات همه ی رویدادهای اقتصادی را در بر گیرد . دیدگاه این عده و دیدگاه مخالفان آن ها ممنجر به شکل گیری دو مفهوم از سود گردید:

سود عملیاتی جاری و سود جامع

سود عملیاتی جاری :

این دیدگاه بر فرآیند و شیوه ی تعیین کارآیی شرکت تمرکز می کند . کارایی در اینجا به مفهوم بهره برداری اثربخش از منابع شرکت برای عملیات و کسب سود می باشد. تعیین کارایی نسبی شرکت ایجاب می کند که سود را با یک عدد استاندارد یا آرمانی مقایسه کنیم. هر چند این قضاوت ذهنی است ولی برای این موضوع می توانیم از سود دوره های قبل یا سود سایر شرکت های صنعت استفاده کنیم.

این مفهوم از سود دو واژخ ی کلیدی دارد : " جاری " و " عملیاتی "

جاری : مقادیر تغییر یافته و رویداد های تحت کنترل مدیریت و نتیجه ی حاصل از تصمیمات مربوط به دوره ی جاری را در این محاسبه می گنجانند

عملیاتی : تغییرات اثر گذار فقط ناشی از عملیات عادی هستند و ما را قادر می سازند به شیوه ی بهتری آن ها را با سایر عملیات مقایسه کنیم .به این صورت ، کارایی نسبی مدیریت هم به شیوه ای چشمگیر تر نمایان میشود .اقدام غیر تکراری ناشی از عملیات هم اینجا ذکر می شود تا بتوان در مورد قدرت سود آوری شرکت ها معیار بهتری ارائه کرد و بدان وسیله روند سود را مورد ارزیابی قرار داد.

مفهوم سود جامع (سود فرا گیر):

تعریف: تغییرات شناسایی شده در میزان مالکیت که از مجرای ثبت رویداد های مالی یا تعیین ارزش مجدد شرکت طی یک دوره ی خاص انجام شود (به استثنای سود تقسیمی پرداخت شده و رویداد های مالی مربوط به سرمایه).
FASB سود خالص و جامع را چنین بیان کرد :

اقلام غیر عملیاتی + سود عملیات جاری = $earnings$ = سود عادی

اثر انباشته ی ناشی از تغییر در اصل حسابداری + $earnings = net income$ = سود خالص

تغییر در سهام باقی مانده که هنوز تحت تملک نیستند + اثر انباشته ی ناشی از اصلاحات دوره ی قبل + سود خالص = سود جامع

تغییر در سهام باقی مانده که هنوز تحت تملک نیستند به این معنی است که رویداد های مالی مربوط به سرمایه مانند سود تقسیمی و دریافت سرمایه ی جدید را نباید منظور کرد.

دلایل طرفداران سود جامع برای محاسبه ی این رقم:

۱. اگر سود های خالص گزارش شده ی سالانه ی متعلق به عمر شرکت با هم جمع شوند باید برابر با کل سود خالص شرکت شوند . ادعا می شود که هزینه های مربوط به رویداد های غیر مترقبه و ناشی از اصلاحات دوره ی قبل اگر منظور نگردند در یک سری از سال ها سود خالص بیش از مقدار واقعس گزارش خواهد شد .

۲. در محاسبه ی سود خالص ، حذف مقادیر مشخصی از اقلام بدهکار و بستانکار باعث می شود که در اعداد متعلق به سود سالانه دستکاری شود ، و یا اینکه سود سال های متوالی هموار شوند . چنین تهدیدی در سال های پیاپی به خوبی قابل مشاهده بوده است.

۳. تهیه و درک صورت سود و زیانی که در آن همه ی ارقام بدهکار و بستانکار مربوط به سود شناسایی شوند راحت تر است . تهیه ی این صورت حساب بر اساس قضاوت شخصی تهیه کننده ی آن قرار نمی گیرد .

۴. اگر همه ی اطلاعات مربوط به ماهیت تغییرات سود طی سال افشا شود فرض بر اینست که خواننده می تواند ارقام گنجانده شده در آن را به صورتی مناسب تر طبقه بندی کند تا به یک (عدد) سود دلخواه دست یابد. در مقایسه با حالتی که حسابداران و مدیریت (یعنی کسانی که از نیاز های خاص استفاده کنندگان از این صورت حساب ها آگاهی ندارند) این طبقه بندی ها را انجام می دهند

۵. مرز دقیق بین ارقام بدهکار و بستانکار عملیاتی و غیر عملیاتی به صورت دقیق مشخص نیست و برخورد های مختلف نسبت به این موضوع منجر به عدم قابلیت مقایسه بین شرکت ها و برای یک شرکت در دوره های متوالی می گردد . ضمناً خود ارقام عملیاتی هم تعریف دقیقی ندارند و برخی رویداد های غیر عملیاتی ممکن است بار ها رخ دهند که در این صورت می توان آن ها را به عنوان عملیات عادی شرکت به حساب آورد .

سود خالص عملیات جاری بر عملکرد جاری شرکت تاکید دارد و می تواند برای پیش بینی قدرت سود آوری و عملکرد آینده از آن استفاده کرد ، ولی طرفداران سود جامع مدعی هستند که اگر کارایی عملیاتی و پیش بینی عملکرد آینده بر پایه ی کل تجربه ی تاریخی شرکت متعلق به چند سال گذشته شود این پیش بینی ها و عملکرد مربوطه بهبود خواهند یافت.

سود عملیات تکراری و عملیات غیر تکراری :

عده ای مدعی هستند که می توان ارقام عملیاتی را در قالب ویژگی های عملیات تکراری شرکت و ارقام غیر عملیاتی را در قالب رویداد های غیر منظم و غیر قابل پیش بینی تعریف کرد . اما الزاماً این دیدگاه نمی تواند درست باشد. مثل الزام به پرداخت دستمزد اضافه کاری طی دوره ی افزایش تقاضا یا طوفان های

سالانه در مناطق پر خطر . سود خالصی که بر مبنای رویداد های تکرار شونده محاسبه شود برای پیش بینی سود و جریان های نقدی آتی مفید مفید تر است.

ثبت های اصلاحی دوره ی قبل :

هنگامی که جریان جدید اطلاعات به دست می آید تغییرات اجتناب پذیر می شود . APB20 سه نوع تغییر را شناسایی می کند :

تغییر در اصل حسابداری ، تغییر در بر آورد ها، تغییر در واحد تجاری گزارش کننده ی اطلاعات

تغییر در اصول مانند تغییر روش تعیین ارزش موجودی ها یا تغییر روش استهلاک می باشد

نمونه هایی از تغییر در برآورد هم عبارتند از : ذخیره ی تضمین خدمات و تغییر در عمر مفید برآوردی دارایی .

اما مساله ی اصلی در تغییرات حسابداری این بود که آیا باید صورت های گذشته اصلاح شوند ؟

برآورد ها به آینده مربوط می شوند و باید آن ها را برای آینده منظور کرد پس نیازی به تعدیل صورت های دوره ی قبل از این بابت نبود . در حالت تغییر واحد گزارشگر هم حتما باید صورت های دوره های قبل دوباره تهیه شوند تا بتوان آن ها را با صورت های مالی واحد های تجاری جدید مقایسه کرد. اما مشکل اصلی در مورد تغییر در اصل حسابداری بود.

16 FASB در این مورد اینگونه نظر می دهد : ثبت های اصلاحی مربوط به دوره های قبل (و حذف آن ها در محاسبه ی سود خالص دوره ی جاری) تنها محدود به ثبت های مهم زیر می شود:

۱. بتوان آن ها را به طود مشخص و مستقیم مربوط به فعالیت های دوره ی خاص نمود

۲. مربوط به رویداد های اقتصادی پس از تاریخ صورت های مالی برای دوره ی قبل نباشند

۳. به طور عمده وابسته به تصمیمات افرادی غیر مدیریت باشند

۴. پیش از تعیین ، منوط به برآورد های معقول نبوده باشد

اعضای هیئت اصول حسابداری هم به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدند که سود جامع بسیار مطلوب است و در این مورد توافق کردند که به ندرت امکان دارد مساله ی ثبت های اصلاحی دوره ی قبل مطرح شود . از این رو اثر انباشته ی ناشی از تغییر در اصول حسابداری را باید در صورت سود و زیان به عنوان بخشی از سود خالص دوره ی جاری منظور کرد ، به جز چند مورد استثنا .

FASB در استاندارد شماره ی ۱۶ مساله ی ثبت اصلاحات دوره ی قبل را به صورت جدی و دقیق مطرح کرد و ابراز داشت که تنها دو مورد استثنا وجود دارد و اینکه تمام اقلام سود و زیان شناسایی شده طی سال مالی را باید در محاسبه ی سود سالانه منظور کرد . یک مورد استثنا مربوط به مالیات بر درآمد انتقالی می شود که به وسیله ی استاندارد شماره ی ۹۶ این مورد حذف شد . مورد استثنای دیگر مربوط به اصلاح اشتباه در صورت های مالی دوره ی قبل می شود .

اما یک اشتباه را هم بدین گونه تعریف کرده اند :

اشتباه محاسباتی ، اشتباه در کاربرد اصول حسابداری ، از قلم انداختن یا استفاده ی نا بجا از واقعیت هایی که در زمان تهیه ی صورت های مالی وجود داشته اند .

از طرفی بر اساس فرضیه ی بازار های کارا ، افشای اطلاعات مربوط به اصلاحات قبل کافی است و این اطلاعات در قیمت های بازار منعکس می شود (قیمت های بازار گویای این رویداد های مالی هستند) . در واقع هیچ اهمیتی ندارد که اطلاعات مربوط به این رویداد ها در صورت سود و زیان یا در صورت سود انباشته افشا شوند .

اقلام غیر مترقبه :

تعریف APB30 : رویداد های مالی و غیر مالی که غیر تکراری و غیر عادی باشند (مربوط به عملیات عادی شرکت نباشند) .

البته استثنائاً سود یا زیان غیر عملیاتی ناشی از تسویه ی بدهی ها پیش از سر رسید نهایی هم در این طبقه قرار می گیرد . قابل ذکر است که هر دو ویژگی غیر عادی و غیر تکراری بودن را باید مد نظر قرار دهیم .

عملیات متوقف شده: در اینجا هدف اینست که اقلام به گونه ای طبقه بندی شوند که خواننده ی صورت سود و زیان باید بداند در سایه ی عملیات جاری شرکت باید منتظر چه مبلغی سود باشد . شرکت باید خالص سود و زیان قبل از مالیات را از عملیات متوقف شده در دوره ی جاری و پیش از "تاریخ محاسبه ی سود تفکیک کند"

اما یک مشکل بسیار مهم در این زمینه وجود دارد و آن هم اینست که تفکیک هزینه های بخش متوقف شده و عملیات جاری می تواند درد سر ساز شود . پدیده ای که به وجود میآید به اصطلاح "وان بزرگ حمام" یا به اصطلاح فارسی "آب کر " نامیده می شود

افشای اطلاعات :

با توجه به طبقه های مختلف صورت سود و زیان برخی در این مورد توافق نظر دارند که اقلام به ترتیبی ارائه شوند که موضوع تفسیر آن ها آسان تر شود. نمونه ای از آن شامل موارد زیر است:

سود عملیات جاری

کسر می شود : مبلغ در نظر گرفته شده برای مالیات بر در آمد مربوط به عملیات جاری

به اضافه ی : سود خالص واحد های فرعی غیر تلفیقی (به روش ارزش ویژه)

کم می شود: سود حاصل از عملیات متوقف شده پس از منظور کردن منافع حاصل از مالیات بر درآمد

به اضافه ی : زیان برآوردی حاصل از فروش واحدی که عملیات آن متوقف شده، پس از منظور کردن مالیات بر درآمد

اقلام غیر مترقبه (با توضیح) پس از منظور کردن مالیات بر درآمد

اثر انباشته ی تغییر در حسابداری ، پس از منظور کردن مالیات بر درآمد

سود خالص

اما سود خالص برای چه کسی؟

معمولا فرض بر اینست که سود خالص به سهامداران کنونی یا مالکان شرکت تعلق می گیرد. ولی امکان دارد دلایل معتبری ارائه شود که عدد مربوط به سود خالص گزارش شده به گروه محدود تر یا حتی گسترده تر تعلق گیرد.

سود ناشی از ارزش افزوده:

از دیدگاه اقتصادی ، ارزش افزوده برابر است با قیمت بازار اقلام خروجی از شرکت منهای قیمت کالا و خدمات خریداری شده . از این رو همه ی کارکنان، مالکان شرکت ، بستانکاران و حتی دولت (از طریق وضع مالیات) دریافت کننده ی سود هستند.

در دوره ی بلند مدت نگهداری سود باعث میشود که سرمایه ی شرکت رشد کند و با افزایش تولید و بهره وری امکان دارد سودی که به سوی همه ی دریافت کنندگان جریان می یابد افزایش یابد . با فرض عمر نامحدود شرکت ، دارندگان سهام عادی هیچ گاه دریافت کننده ی منحصر به فرد و مستقیم منافع حاصل از نگهداری سود در شرکت نخواهند بود.

سود خالص شرکت:

طبق بیانیه ی ۱۹۷۵ از جامعه ی حسابداران امریکا ".... هزینه های بهره ، مالیات بر درآمد و مبلغی که از بابت سهام کردن کارکنان در سود پرداخت می شود از عوامل تعیین کننده ی سود خالص شرکت نمی باشند"

بنا بر این می توان نتیجه گرفت که این اقلام از محل سود خالص پرداخت می شوند و نه اینکه پیش از رسیدن به سود خالص از درآمد شرکت کم شوند.

سود خالص متعلق به سرمایه گذاران:

اگر شرکت به عنوان یک "واحد تجاری" مورد توجه قرار گیرد (واحدی که دارای شخصیت حقوقی جدا از مالک و مدیر است) در آن صورت سهامداران و پرداخت کنندگان وام های بلند مدت هر دو به صورت یکسان به عنوان سرمایه گذاران دائمی و تامین کننده ی سرمایه به حساب می آیند. تنها تفاوت عمده ی این دو گروه داشتن حق تقدم یا اولویت نسبت به سود و در صورت انحلال نسبت به دارایی های شرکت است.

این دیدگاه برای تامین اهداف زیر مفید است:

۱. تصمیم گیری در مورد منبع سرمایه ی بلند مدت از نوع "تصمیم مالی" و نه یک تصمیم عملیاتی خواهد بود. از این رو سود خالص متعلق به سرمایه گذاران بازتاب روشنی از نتیجه های عملیاتی خواهد بود.

۲. به سبب وجود ساختارهای مالی متفاوت با استفاده از (مفهوم سود) متوان شرکت ها را به صورتی راحت تر با هم مقایسه کرد.

۳. اگر نرخ بازده ی کل سرمایه (کل مبلغ سرمایه گذاری شده) از دیدگاه مفهوم سود محاسبه شود، تصویر روشن تری از کارایی مبلغ سرمایه گذاری شده (در مقایسه با نرخ بازده ی سرمایه گذاران) به دست می آید

سود متعلق به سهامداران:

سنتی ترین و قابل قبول ترین دیدگاه در مورد سود خالص است که نشان دهنده ی بازده ی مالکان شرکت است. بسیاری بر اساس دیدگاه (واحد تجاری) سود حسابداری واحد تجاری را به عنوان بدهی واحد به مالکان آن به حساب می آورند. FASB نیز بر این عقیده است.

سود خالص متعلق به سهامداران عادی:

در خبر های مالی سود هر سهم عادی و سود تقسیمی هر سهم بیش از هر عدد دیگری گزارش می شود و همزمان با آن رسانه ها در مورد قیمت بازار هر سهم بحث می کنند . از این رو از دیدگاه رفتاری یا عملگرایی گزارش هایی مورد درخواست است که بتوان در آن ها به راحتی سود خالص متعلق به سهامداران عادی را مشاهده و یا محاسبه کرد.

ولی هر سرمایه گذار برای اینکه بتواند سود تقسیمی را که در آینده دریافت خواهد کرد پیش بینی نماید باید تعداد سهمی که در هر دوره در دست مردم خواهد بود نیز پیش بینی نماید. در موارد زیر سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم رقیق خواهد شد : وجود قرضه ی قابل تبدیل ، برگ اختیار خرید ، یا وجود قرار داد هایی در مورد فروش سهام به قیمتی کمتر از قیمت بازار .